



# محکوم توسط قانون

ترور برون مرزی مخالفان سیاسی

## مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

## اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

### Iran Human Rights Documentation Center

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۲۲۱۸-۷۷۲ (۲۰۳)

نمابر: ۱۷۸۲-۷۷۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: [info@iranhrdc.org](mailto:info@iranhrdc.org)

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

**عکسها:** عکس روی جلد در دادگاه سلطان شکر، در تاریخ ۱۶ اسفند ماه ۱۳۸۵ گرفته شده و در پایگاه اطلاعاتی باشگاه خبرنگاران، قابل دسترسی در <http://www.yjcphotos.ir/fullstory.asp?id=4477> منتشر شده است. عکس محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از پایگاه اطلاعاتی Iran News Agency قابل دسترسی در <http://www.irannewsagency.com/index.php?news=456> برداشته شده است.

عکس پشت جلد که دکتر عبدالرحمن برومند را نشان می‌دهد توسط خانواده وی در اختیار مرکز اسناد حقوق بشر ایران قرار داده شده است.

تمام حقوق محفوظ و مخصوص مرکز اسناد حقوق بشر می‌باشد.

محکوم توسط قانون:

ترور برون مرزی مخالفان سیاسی

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

دی ۱۳۸۷



## فهرست مطالب

۲	۱. چکیده.....
۳	۲. پیشگفتار.....
۴	۳. وضعیت ترورها بر اساس حقوق بین‌الملل.....
۶	۳,۱. ضوابط حقوقی منع ترور.....
۹	۳,۲. قانون بین‌المللی مرتبط با ترور.....
۱۳	۴. اسناد حقوق بین‌الملل درباره منع ترور.....
۱۳	۴,۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR).....
۱۴	۴,۱,۱. وظیفه محافظت از حیات.....
۱۷	۴,۱,۲. وظیفه رعایت تشریفات حقوقی به دنبال یک «استماع عادلانه».....
۲۱	۴,۱,۳. وظیفه تحقیق، تنبیه عاملان یا پرداخت غرامت به ستمدیدگان.....
۲۴	۴,۲. دیگر حقوق تضمین شده.....
۲۵	۵. مراجع حقوقی و مطالبه غرامت.....
۲۶	۵,۱. موضوعات صلاحیت قضایی.....
۲۹	۵,۲. تعقیب جزایی در دادگاه‌های داخلی.....
۳۲	۵,۳. جبران مدنی در دادگاه‌های داخلی.....
۳۵	۵,۴. جنایت علیه بشریت.....
۴۱	۶. نتیجه‌گیری.....
۴۳	روش شناسی.....

## ۱. چکیده

از سال ۱۳۵۸ مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران، به ویژه افرادی که به وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران وابسته‌اند، به قتل حداقل ۱۶۲ تن از مخالفین سیاسی رژیم در سراسر جهان مرتبط شده‌اند. رژیم ایران علیرغم وجود قوانین بی‌شمار ملی و بین‌المللی در جهت ترویج صلح و امنیت و حمایت از اساسی‌ترین حقوق بشر یعنی حق حیات، با شدت تمام و به طور برنامه‌ریزی شده عملیات تروریستی خود را تحت حمایت دولت، انجام داده است.

- جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ با نابود ساختن ناراضیان سیاسی خود در خارج از کشور که به صورت برنامه‌ریزی شده انجام شده است، به طور مداوم تعهدات خود را نسبت به قانون اساسی ایران و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) نادیده گرفته است. عملیات کشتار انجام شده توسط این رژیم، اساسی‌ترین تضمینی که طبق این میثاق داده شده، یعنی حق حیات را نقض می‌کند.
- قتل‌های فراقضایی و برون مرزی دگراندیشان سیاسی توسط رژیم ایران، نادیده انگاشتن وظائفی است که این رژیم تحت میثاق فوق‌الذکر بدانها تعهد سپرده است؛ یعنی فراهم نمودن یک «استماع عادلانه» در دادگاه و به دنبال آن رعایت تشریفات حقوقی مربوطه. عملیات کشتار برون مرزی دولت ایران همچون یکی دیگر از تعهدات این میثاق مربوط به تحقیق و بررسی، مجازات عاملان و یا جبران و ترمیم خساراتی که به ستمدیدگان وارد آمده است را نیز نقض می‌کند.
- افرادی که در کشتار گسترده یا سیستماتیک مخالفان سیاسی در خارج از کشور دخالت داشته‌اند، ممکن است مطابق معاهدات بین‌المللی و قوانین عرفی، مرتکب جنایات بین‌المللی از قبیل جنایتهای دوران جنگ و جنایت علیه بشریت شده باشند.
- یکی از افرادی که به ویژه مورد توجه است حجت الاسلام علی فلاحیان می‌باشد که از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶ مسئولیت وزارت اطلاعات را به عهده داشته و تا کنون هم در ارتباط با قتل چند تن از دگراندیشان در خارج از کشور، مقصر و متهم شناخته شده است. شواهد نشان می‌دهد که دخالت شخصی فلاحیان و مسئولیت فردی وی در انجام این قتلها بسیار فراگیرتر و گسترده‌تر از آن چیزی است که سوابق موجود در پرونده کیفرخواست وی نشان می‌دهد.
- با توجه به نقش اصلی کمیته امور ویژه و وزارت اطلاعات در کشتار مخالفان در خارج از کشور، می‌توان بسیاری از اعضای عالی‌رتبه این دو سازمان را در این قتلها مسئول دانست. این امر به ویژه درباره اعضای دائمی کمیته امور ویژه که شامل رهبر جمهوری اسلامی، رئیس جمهور، سخنگوی مجلس، وزیر اطلاعات و رئیس قوه قضائیه می‌شود، صحت دارد.

رژیم جمهوری اسلامی، و هر یک از افراد دیگری که در صدور فرمان، راه اندازی، طراحی، کمک و شرکت در جرم، یا انجام این قتل‌های فراقضایی دخالت داشته‌اند باید برای اعمالشان پاسخگو باشند. تا آن جا که کشتارهای فراقضایی رژیم سبب نقض قانون حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه بین‌الملل می‌شود، بر تمامی کشورهای عضو جامعه بین‌المللی واجب است که مرتکبین این جنایات را تحت پیگرد قرار دهند.

## ۲. پیشگفتار

این گزارش حقوقی مکمل دو گزارش دیگر مرکز اسناد حقوق بشر ایران است به عنوان «قتل در میکونوس: تجزیه و تحلیل یک ترور سیاسی» (۲۰۰۷)، و «پناهگاهی نیست: عملیات جهانی ترور جمهوری اسلامی ایران» (۲۰۰۸)، که پیشتر توسط این مرکز منتشر گردیده و عملیات کشتارهای سیاسی برون مرزی دولت ایران را مستند ساخته است. دو گزارش فوق در نهایت دقت به ارائه حقایق درباره آماده سازی، طرح و راه‌اندازی کشتار مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی ایران طی دوره‌ای بیست و هفت ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازند. این گزارشها عملکرد یک شبکه اطلاعاتی و امنیتی ماهر و پیشرفته را آشکار می‌سازند که برای تعقیب و حذف منتقدان رژیم در هر گوشه که باشند طراحی شده است.

عملیات رژیم را تقریباً در بیست کشور در سراسر جهان می‌توان ردیابی نمود، از کشورهای همسایه مانند پاکستان و عراق گرفته تا نقاط دوردست همچون فرانسه، فیلیپین، و ایالات متحده. قربانیانی که نام آنها بالأخص در دو گزارش پیشین آمده است تنها نمونه‌ای از بیش از یکصد و شصت مخالف سیاسی هستند که جرأت نمودند سلطه تشکیلات روحانیون بر کشور را به پالش بکشند. بنابراین عملیات ترور جهانی رژیم در اصل پاره‌ای از فعالیت‌های تحکیم قدرت این حکومت در داخل مرزهای کشور می‌باشد. همچنین این عملیات یک ارباب روانی و عملی است و پیامی است به تمامی ناراضیانی که خارج از مرزهای کشور پناه برده‌اند که دسترسی رژیم تنها به پهنه کشور محدود نمی‌شود.

جامعه بین‌المللی تدریجاً شروع به مسئول دانستن جمهوری اسلامی ایران برای اعمال خشونت آمیز آن در خاک دیگر کشورها نموده است. از سال ۱۳۵۸ حداقل بیست تن از مأموران، عوامل و نمایندگان جمهوری اسلامی محاکمه شده و به دست داشتن در کشتارهای سازمان یافته دگراندیشان ایرانی و دیگران در خارج از کشور محکوم گردیده‌اند. از دادخواهی‌هایی که تا کنون انجام شده دو مورد بسیار مهم بودند، یکی محاکمه‌های مربوط به بمب‌گذاری مرکز فرهنگی یهودیان در بوئنوس آیرس در سال ۱۳۷۳ بود، و دیگری محاکمه ۷۶-۱۳۷۲ پیرامون قتل چند تن از اعضاء یک گروه کردی - ایرانی مخالف در برلین آلمان بود که جزئیات آن در گزارش «قتل در میکونوس» ذکر گردید. در یک حرکت بی‌سابقه، دادستانهای آرژانتینی و آلمانی مقامات عالی‌رتبه رژیم از جمله رئیس سابق وزارت اطلاعات علی فلاحیان، رئیس جمهور اسبق حجت الاسلام اکبر

هاشمی رفسنجانی، و وزیر امور خارجه پیشین علی اکبر ولایتی را رسماً به جرائمی که مربوط به کشتار این افراد غیر نظامی می‌شد، متهم نموده‌اند.

تا این تاریخ هیچ یک از این مقامات عالیرتبه به سزای اعمالشان نرسیده‌اند. با وجود این، محاکمه «میکونوس» که پس از وقوع قتل‌های برلین برگزار گردید، شگرد جمهوری اسلامی را بر ملا ساخت و مقامات عالیرتبه رژیم و مغزهای متفکر جنایتکار را برای اولین بار در معرض بررسیهای دقیق قضایی قرار داد. این محاکمه آشکار ساخت که ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی در کشتارهای گسترده و سازمان یافته مخالفان در خارج از کشور به خوبی دست دارند. گواهی شاهدان عینی و نیز دیگر شواهد که توسط سازمانهای اطلاعاتی مختلف در سراسر جهان گردآوری شده بود، وجود یک سلسله مراتب فرماندهی را آشکار کرد که رهبر جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی و سپس جانشین او آیت الله خامنه‌ای را به عملانی که به اجرای این قتلها در خارج از کشور متهم شده بودند، متصل ساخت. در قلب این عملیات، اعضای شورای عملیات ویژه قرار داشتند که توسط مقام رهبری منصوب گردیده بودند تا عملیات برون مرزی سرکوب مخالفان سیاسی را رهبری نمایند. همچنین وزارتخانه‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم، یعنی وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه پاسداران که واحدی تکاور و تخصصی است، نیز با این عملیات مرتبط بودند. عواملی که در استخدام وزارت اطلاعات و نیروی قدس بودند به برنامه‌ریزی کلی و اجرای این قتلها محکوم شدند. به علاوه استخدام عوامل ایرانی، رژیم همچنین به کمک نمایندگان و مزدوران خود مانند حزب‌الله لبنان نیز تکیه می‌کرد. به همین دلیل محاکمه میکونوس یک نمونه حقوقی ارزنده، قابل تجسم و سازمان یافته‌ای را برای افرادی که سعی داشتند عملیات رژیم و مقامات آن را برای ارتکاب به قتل‌های برنامه‌ریزی شده خارج از ایران آشکار سازند، فراهم نمود.

تجاوزات این رژیم تنها قوانین کیفری موجود در قلمرو قضایی کشور محل وقوع قتل را نقض نمی‌کند - بلکه یک سلسله تعهدات و معیارهای قانونی بین‌المللی را نیز زیر پا می‌گذارد. با توجه به چنین شرایطی، این گزارش قصد دارد که مکملی بر دو گزارش پیشین باشد تا بتواند بر پایه حکومت قانون، کیفرخواست قوی و جامعی علیه عملیات کشتارهای برون مرزی رژیم که تحت حمایت دولت ایران صورت گرفته ارائه دهد.

### ۳. وضعیت ترورها بر اساس حقوق بین‌الملل

ترور از نظر تاریخی، کشتن رؤسای کشور، وزراء یا مقامات عالیرتبه سازمانهای ملی یا بین‌المللی بر اساس انگیزه‌های سیاسی تعریف شده است.<sup>۱</sup> اما با این حال، ترور در اصل هدف‌گیری غیر قانونی افراد و کشتار

<sup>۱</sup> نگاه کنید به کنوانسیون منع و مجازات جرائم علیه اشخاص دارای مصونیت بین‌المللی [Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Internationally Protected Persons]، که از ۲۰ فوریه ۱۹۷۷ به اجرا در آمد، معاهدات سازمان ملل، شماره ۱۰۳۵، بخش ۱۶۷ [1035 U.N.T.S. 167] [از این به بعد: «کنوانسیون نیویورک»]؛ پاتریشیا زنگل، «ترور و قانون جنگ مسلحانه» [Patricia Zengel, *Assassination and the Law of Armed Conflict*], ژورنال حقوقی مرسر، شماره ۴۳، ص. ۶۱۵ (۱۹۹۲).



فراقضایی آنان برای نیل به مقاصد سیاسی است.<sup>۲</sup> به طور دقیق تر، می توان گفت که خصوصیت ترور، هدف قرار دادن غیر قانونی افراد و ارتکاب به قتل آنها برای انگیزه های سیاسی است که با نقض شرایط الزامی حق دفاع شخصی و نیز با فقدان تشریفات قانونی قضایی همراه است.<sup>۳</sup> بنابراین ترور اساسی ترین و مقدس ترین حق بشر، یعنی حق حیات را زیر پا می گذارد، و اقدام به آن مطابق قوانین کیفری کشورها و همچنین حقوق بین الملل شدیداً منع گردیده است.<sup>۴</sup> این ممنوعیت، بدون توجه به تعبیر یا توجیهی که ممکن است برای انجام قتلها داده شود معتبر می باشد.<sup>۵</sup>

اگرچه تعداد معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی که چنین «ترور»هایی را به طور دقیق تعریف و کنترل نماید به طور شگفت انگیزی کم است، اما تعداد بیشماری از اسناد داخلی و بین المللی وجود دارد که چه به طور صریح و چه به طور ضمنی ارتکاب به چنین اعمالی را ممنوع می سازد. بررسی این مقررات و معیارها نشان می دهد که اگر چه کنوانسیون برای قاعده دار کردن «ترور» موجود نیست، اما در نظر عمومی اکثر کشورهای جهان هدف گیری افراد و کشتار فراقضایی آنها برای نیل به مقاصد سیاسی شدیداً قیر قابل قبول است.<sup>۶</sup> بنابراین تعجبی نیست که عملیات قتلهای هدف گیری شده مخالفان سیاسی توسط رژیم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ ضوابط ملی و بین المللی بیشماری را نقض می نماید، از قوانین کیفری داخلی گرفته تا قوانین بین المللی حقوق بشر که حق حیات را محفوظ می دارد.

<sup>۲</sup> مایکل ن. اشمیت، «ترورهای حمایت شده توسط دولتها در قوانین داخلی و بین المللی» [Michael N. Schmitt, *State-Sponsored Assassination in International and Domestic Law*]; ژورنال حقوق بین الملل ییل، شماره ۱۷، صص. ۶۰۹ و ۶۲۵ (۱۹۹۲).  
<sup>۳</sup> به عنوان مثال نگاه کنید به سرگرد تایلر ج. هاردن، «زمان لغای منع ترور دستور اجرایی ۱۲,۳۳۳ رسیده است: گامی کوچک در توضیح قوانین جاری» [Major Tyler J. Harder, *Time to Repeal the Assassination Ban of Executive Order 12,333: A Small Step in Clarifying Current Law*]; ژورنال حقوقی ارتش، شماره ۱۷۲، صص. ۱ و ۵ (۲۰۰۳) («اگرچه تعاریف بسیاری درباره ترور موجود است، اما بیشتر تعریفها سه عامل مشترک دارند: قتل بین المللی، فردی به خصوص که هدف قرار گرفته است، و دلیلی سیاسی»).

<sup>۴</sup> نگاه کنید به بخشهای ۳ و ۴.  
<sup>۵</sup> تغییر چشم انداز روابط بین المللی از زمان وقایع تأسف بار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بحثهای مفصلی را در ارتباط با قانونی بودن کشتارهای هدف گیری شده تحت حقوق بین الملل پیش آورده است. به طور کلی نگاه کنید به اشمیت، رک. زیر نویس ۲. این بحث در درجه اول به معیارهایی توجه دارد که برای تمایز میان قتل و کشتار فراقضایی، که مطابق حقوق بین الملل شدیداً نهی شده اند، و کشتار هدف گیری شده افرادی خاص که به دلایل دفاع شخصی صورت می گیرد، استفاده می شود. نگاه کنید به همان. به نظر می رسد که «نبرد با تروریسم» مرز میان رفتار قابل قبول و رفتار تحریم شده را نامشخص نموده است و در نتیجه، برخی از کشورهای عضو جامعه بین المللی را بر آن داشته که ترورهای حمایت شده توسط دولتها را به عنوان کشتار قانونی (یا حملات بازدارنده) علیه تروریسم و یا گروه های رزمی به حساب آورند. نگاه کنید به همان. علیرغم تمام این بحثهای آکادمیک، بررسی معیارهای معمول نشان می دهد که به جز چند نمونه که نیاز جدی به وجود حق دفاع شخصی را توجیه می کند، ترورها همانا کشتارهای فراقضایی هستند که مطابق حقوق بین الملل شدیداً منع شده اند. برای مثال نگاه کنید به ویلیام س. بنکس و پیتر راون-هنسن، «کشتار هدف گیری شده و ترور: ساختار حقوقی ایالات متحده» [William C. Banks and Peter Raven-Hansen, *Targeted Killing and Assassination: The U.S. Legal Framework*]; ژورنال حقوقی دانشگاه ریچموند، شماره ۳۷، صص. ۶۶۷ (۲۰۰۳)؛ رابرت ف. ترنر، «این واقعاً ترور نیست: جنبه های حقوقی و اخلاقی هدف قرار دادن تروریستهای فعال بین المللی و نخبگان رژیمهای متجاوز» [Robert F. Turner, *It's Not Really "Assassination": Legal and Moral Implications of Internationally Targeting Terrorists and Aggressor-State Regime Elites*]; ژورنال حقوقی دانشگاه ریچموند، شماره ۳۷، صص. ۷۸۷ (۲۰۰۳).

<sup>۶</sup> کلمه «ترور» در منشور سازمان ملل، کنوانسیونهای ژنو، کنوانسیونهای لاهه، رویه قضایی بین المللی یا مقررات دادگاههای جنایی بین المللی وجود ندارد. نگاه کنید به جیسون د. سودریلام، «زمان کشتار؟ ترورهای حمایت شده توسط دولت و حقوق بین الملل» [Jason D. Söderblum, *Time to Kill? State Sponsored Assassination and International Law*]; کمیته بین المللی متخصصین جهان، ۱۲ فوریه ۲۰۰۴، قابل دسترسی در <http://world-ice.com/Articles/Assassinations.pdf> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۷</sup> برای مثال نگاه کنید به جفری ف. ادیکات، «پیشنهادی برای یک دستور اجرایی جدید درباره ترور» [Jeffrey F. Addicot, *Proposal for a New Executive Order on Assassination*]; ژورنال حقوقی دانشگاه ریچموند شماره ۳۷، صص. ۷۵۱-۶۱، ۷۶۰ (۲۰۰۳).

## ۳،۱. ضوابط حقوقی منع ترور

اصطلاح «ترور» در اسناد حقوقی بین‌المللی به ندرت تعریف شده یا به طور خاص مورد بحث قرار می‌گیرد.<sup>۸</sup> به جز کنوانسیون منع و مجازات جرائم علیه اشخاص دارای مصونیت بین‌المللی همچون عوامل دیپلماتیک (کنوانسیون نیویورک) و منشو سازمان اتحاد آفریقا، هیچ معاهده یا کنوانسیون دیگری وجود ندارد که برای ارتکاب به ترور مقررات وضع کرده باشد.<sup>۹</sup> اما با وجود این چندین سند و ضابطه بین‌المللی وجود دارند که حرکاتی را که ترور به حساب آیند ممنوع می‌سازند. مثالهای چنین اسنادی شامل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیونهای ژنو هستند که همگی صراحتاً هدف‌گیری و قتل فراقضایی افراد را غیر قانونی می‌دانند.<sup>۱۰</sup> مثالهای دیگر شامل توافق‌نامه‌ها و اسناد بین‌المللی بیشماری در ارتباط با استفاده از خشونت و تعرض می‌باشد که نشانگر امتناع شدید جامعه بین‌المللی نسبت به کشتارهای فراقضایی به عنوان ابزاری برای تدبیر و راه‌گشایی است.<sup>۱۱</sup>

<sup>۸</sup> ر.ک. زیرنویس ۶ و متن همراه.

<sup>۹</sup> نگاه کنید به کنوانسیون نیویورک، ر.ک. زیرنویس ۱؛ منشور سازمان اتحاد آفریقا [Charter of the Organization of African Unity]، ماده ۳، بند ۵، ۲۵ مه ۱۹۶۳، معاهدات سازمان ملل، شماره ۴۷۹، بخش ۳۹ [479 U.N.T.S. 39].

<sup>۱۰</sup> میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [International Covenant on Civil and Political Rights]، ماده ۶، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، معاهدات سازمان ملل، شماره ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [999 U.N.T.S. 171] [از این به بعد: «میثاق حقوق مدنی»]؛ کنوانسیون مربوط به رفتار با زندانیان جنگی [Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War]، ماده ۳، ۱۲ اوت ۱۹۴۹، معاهدات سازمان ملل، شماره ۷۵، بخش ۱۳۵ [75 U.N.T.S. 135]؛ کنوانسیون مربوط به حفظ غیرنظامیان در زمان جنگ [Convention Relative to the Protection of Civilian]، ۱۲ اوت ۱۹۴۹، معاهدات سازمان ملل، شماره ۷۵، بخش ۲۸۷ [75 U.N.T.S. 287] [از این به بعد: «کنوانسیون ژنو ۴»].

<sup>۱۱</sup> برای مثال نگاه کنید به کنوانسیون بین‌المللی منع گروگان‌گیری [International Convention Against the Taking of Hostages]، ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶، قطعنامه مجمع عمومی ۳۴/۱۴۶، سوابق رسمی مجمع عمومی سازمان ملل، نشست ۳۴، مدرک ۴۶، ص. ۲۴۵ U.N. GAOR, 34<sup>th</sup> Resolution on [U.S.T. 3949]. اضافه بر آن، ماده ۲، بند ۴ منشور سازمان ملل تمام کشورهای عضو را ملزم می‌دارد «که در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری خودداری نمایند». منشور سازمان ملل [U.N. Charter]، ماده ۲، بند ۴. در حقیقت، دادگاه بین‌المللی حکم کرده است که اصل عدم اعمال خشونت که در ماده ۲، بند ۴ مورد حمایت قرار گرفته است به سطح اصول و ضوابط لازم الرعایه حقوق بین‌الملل ارتقاء یافته یا به صورت یک معیار لازم‌الاجرای حقوق بین‌الملل که ارزش و اعتبار آن را نمی‌توان کاست، درآمده. م. شریف بسونی، «جنایات بین‌المللی: اصول لازم‌الرعايه حقوق بین‌الملل و تعهدات و حقوق افراد نسبت به آن» [M. Cherif (1996)؛ همچنین نگاه کنید به «پرونده فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در و ضد پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده» [Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua v. U.S Case Concerning]، شماره پرونده 14 I.C.J. 1986 (که ذکر می‌کند ایالات متحده با استخدام، آموزش دادن، مسلح کردن، و تأمین مالی فعالیت‌های شبه نظامی داخل و بر علیه نیکاراگوئه، ماده ۲، بند ۴ منشور سازمان ملل متحد را نقض کرده است) [از این به بعد: «نیکاراگوئه علیه آمریکا»]. علاوه بر آن چندین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد یا صراحتاً و یا به طور ضمنی بیان می‌کنند که کشتن هدف‌گیری شده افراد توسط نیروهای امنیتی یک ملت بر علیه قلمرو ملتی دیگر صورت نیز نقض ماده ۲، بند ۴ می‌باشد. برای مثال نگاه کنید به قطعنامه ۵۶۸ شورای امنیت سازمان ملل، سند سازمان ملل، شماره S/Res/568 (۲۱ ژوئن ۱۹۸۵) (که آفریقای جنوبی را به دلیل به کار گرفتن کماندو ها برای کشتن اعضای کنگره ملی آفریقا در بتسوانا محکوم می‌کند)؛ قطعنامه ۵۷۳ شورای امنیت سازمان ملل، سند سازمان ملل، شماره S/Res/573 (۴ اکتبر ۱۹۸۵) (که اسرائیل را به دلیل استفاده افراطی از نیروی هوایی برای سوء قصد به جان یاسر عرفات در تونس محکوم می‌کند)؛ قطعنامه ۶۱۱ شورای امنیت سازمان ملل، سند سازمان ملل، شماره S/Res/611 (۲۵ آوریل ۱۹۸۸) (که اسرائیل را به دلیل استفاده از کماندوها برای ترور یک مقام عالی‌رتبه گروه فتح محکوم می‌کند)؛ قطعنامه ۱۰۵۴ شورای امنیت سازمان ملل، سند سازمان ملل S/Res/1054 (۲۶ آوریل ۱۹۹۶) (که سودان را به خاطر پناه دادن به مبارزان در سوء قصد نافرجام حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر محکوم می‌کند).

معاهدات مربوط به استرداد مجرمین نیز سند دیگری است از معیارهای بین‌المللی که ارتکاب به ترور را منع می‌نماید.<sup>۱۲</sup> معاهداتی که مربوط به استرداد مجرمین هستند ذاتاً هیچ نوع عملی را جرم نمی‌شناسند بلکه به همکاریهای دوجانبه یا چند جانبه‌ای تکیه دارند که به پیگرد، دستگیری و بازگرداندن افراد متهم به قلمرو قضایی ارتکاب جرم می‌انجامند.<sup>۱۳</sup> اکثر معاهدات استرداد مجرمین، «ترور» را تحت تعریف قتل عمد شامل می‌کنند که در سراسر جهان یک جرم قابل استرداد به حساب می‌آید.<sup>۱۴</sup> دیگر معاهدات دو جانبه، ترور را به عنوان یک جرم مجزا و قابل استرداد در نظر می‌گیرند.<sup>۱۵</sup> قابل توجه است که بسیاری از معاهدات مربوط به استرداد، شامل بخشی به نام «انتت» [attentat] هستند که اجازه رد کردن<sup>۱۶</sup> درخواست استرداد مجرمین به دلیل تخلفات سیاسی را منع می‌نماید.<sup>۱۷</sup> عمومیت «انتت» در معاهدات استرداد نشان دهنده این است که تا چه اندازه ترور افراد در سراسر جهان توسط جامعه بین‌المللی محکوم شده است.<sup>۱۸</sup>

بررسی عمومی قوانین داخلی کشورها نیز نشان دهنده ممنوعیت ترور افراد از دیرباز تا کنون است.<sup>۱۹</sup> دادگاه‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا نسبت به کشتار دولتی افراد، حساسیت خاصی از خود نشان داده‌اند.<sup>۲۰</sup> دادگاه‌های بریتانیا به طور مداوم علیه متهمین تبانی برای ترور افراد، مجازاتهای کیفری شدیدی را صادر و ابرام نموده‌اند.<sup>۲۱</sup> دادگاه‌های ایالات متحده نیز دیدگاه مشابهی را اتخاذ نموده‌اند. برخی از این احکام بر اساس قوانین

<sup>۱۲</sup> ساموئل تایر اسپیر، «قانون استرداد مجرمین: در سطح بین‌المللی و کشوری» [SAMUEL THAYER SPEAR, THE LAW OF EXTRADITION: INTERNATIONAL AND INTER-STATE] ص. ۱۹۳ (۱۹۸۳).

<sup>۱۳</sup> (سومین) تکرار اعلامیه قانون روابط خارجی ایالات متحده [INTERNATIONAL AND INTER-STATE RESTATEMENT (THIRD) OF THE FOREIGN RELATIONS LAW OF THE UNITED STATES]، بخش ۴۷۵ (۱۹۸۷).

<sup>۱۴</sup> تحقیق هاروارد در حقوق بین‌الملل، پیشنویس کنوانسیون استرداد مجرمین، همراه با تفسیر [Harvard Research in International Law, Draft Convention on Extradition, with Comment]، ژورنال حقوق بین‌الملل آمریکا، شماره ۲۹، ص. ۱۵، (ضمیمه ۱۹۳۵).

<sup>۱۵</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۶</sup> اشمیت، ر.ک. زیرنویس ۲، ص. ۶۲۲. «انتت» یا خشونت سیاسی ماده‌ای است در معاهده استرداد مجرمین که «خشونت بر علیه رئیس یک دولت خارجی که ممکن است به صورت قتل، قتل با قصد عمدی، یا مسمومیت باشد» را از موارد استثناء تخلف سیاسی که معمولاً ملتها را از استرداد افراد مظنون به جنایات سیاسی معاف می‌کند، متمایز می‌سازد. بولسلا آ. بازک، «حقوق بین‌الملل: فرهنگ لغات» [BOLESŁAW A. BOCZEK, INTERNATIONAL LAW: A DICTIONARY] ص. ۶۳ (۲۰۰۵)؛ برای مثال نگاه کنید به معاهده استرداد مجرمین، ایالات متحده - فنلاند، ماده ۷، بند ۲ و ۳، برنامه زمانی، امضا شده در ۱۱ ژوئن ۱۹۷۶، سند شماره ۹۶۲۶ [T.I.A.S. No. 9626]، معاهده ایالات متحده، شماره ۳۱، بخش ۹۴۴ [31 U.S.T. 944] (که دستور می‌دهد در صورت قتل فردی دارای مصونیت بین‌المللی، مجرمین باید مسترد شوند). این ماده هنگامی که بلژیک از استرداد ناپلئون سوم که متهم به قتل بود، به فرانسه امتناع ورزید، در پاسخ به امتناع بلژیک ساخته شد. بولسلا آ. بازک، «حقوق بین‌الملل: فرهنگ لغات»، ص. ۶۳؛ همچنین نگاه کنید به بن سأل، «پاسخ قانونی جامعه ملل به تروریسم» [Ben Saul, *The Legal Response of the League of Nations to Terrorism*]، ژورنال حقوق جنایی بین‌المللی، شماره ۴، صص. ۷۸ و ۸۶-۸۵ (۲۰۰۶).

<sup>۱۷</sup> اشمیت، ر.ک. زیرنویس ۲، ص. ۶۲۲. موارد استثناء از تخلف سیاسی به کشورها اجازه می‌دهد در صورتی که تخلف مورد نظر را بتوان به عنوان مقاومت سیاسی در برابر سرکوب توجیه کرد، از استرداد مجرمان امتناع ورزند. برای مثال نگاه کنید به معاهده استرداد مجرمان، آمریکا - برزیل، ماده ۵، بند ۶، امضا شده در ۱۳ ژانویه ۱۹۶۱، سند شماره ۵۶۹۱ [T.I.A.S. No. 5691]، معاهدات آمریکا، شماره ۱۵، بخش ۲۰۹۳ [15 U.S.T. 2093].

<sup>۱۸</sup> به طور کلی نگاه کنید به کریستین ی. سروازو، «استرداد و دادگاه جنایی بین‌المللی: آینده رویه قضایی درباره تخلفات سیاسی» [Christine E. Cervasio, *Extradition and the International Criminal Court: The Future of the Political Offense Doctrine*]، ژورنال حقوق بین‌الملل پیس، شماره ۱۱، ص. ۴۱۹ (۱۹۹۹).

<sup>۱۹</sup> برای مثال نگاه کنید به فعالیتهای اطلاعاتی ایالات متحده [United States Intelligence Activities]، بخش ۲، ۱۱، دستور اجرایی ۱۲،۳۳۳ [Exec. Order 12,333]، ثبت فدرال، شماره ۴۶، بخش ۵۹،۹۴۱ [46 Fed. Reg. 59,941] (۴ دسامبر ۱۹۸۱) («هیچ یک از افرادی که در استخدام دولت ایالات متحده می‌باشد و یا از جانب دولت ایالات متحده عمل می‌نماید، مجاز نیست تا به ترور افراد یا توطئه برای انجام ترور اقدام نماید»). همچنین نگاه کنید به بخشهای ۵،۲ و ۵،۳ (که بررسی و خلاصه دادرسی‌های مختلف مدنی و کیفری را با هدف تنبیه دولتها و افراد مسئول ارتکاب ترور در خاک بیگانه فراهم می‌کند).

<sup>۲۰</sup> اشمیت، ر.ک. زیرنویس ۲، صص. ۲۵-۲۴.

<sup>۲۱</sup> همان. در پرونده «حکومت علیه گیل»، یک دادگاه استیناف در بریتانیا کیبر مجازات سنگینی که برای توطئه گران سوء قصد به جان راجیو گاندی در نظر گرفته شده بود را تأیید کرد. «حکومت علیه گیل و رانوان» [R. v. Gill and Ranuana]، شماره پرونده [1981] Crim. L.R.

کیفری ایالتی و فدرال صادر شد که به ویژه طرح ریزی و اجرای ترور، قتل و دیگر اعمال خشونت‌آمیز سیاسی را در پهنه ایالات متحده آمریکا ممنوع ساخت.<sup>۲۲</sup> دیگر احکام نیز بر اساس قوانین مدنی<sup>۲۳</sup> مختلفی بودند که مقامات خارجی و دولتها را برای خسارات ناشی از کشتار مقامات دولتی در خاک بیگانه متعهد و مسئول می‌دانستند.<sup>۲۴</sup> این تصمیمات فقط محدود به هدف‌گیری و کشتار غیر قانونی مقامات دولتی نمی‌شدند. برای مثال پس از ترور سال ۱۳۵۹ یک ناراضی سیاسی به نام علی اکبر طباطبایی در مرلند، آمریکا، قاتل وی به نام داوود صلاح‌الدین توسط مقامات ایالات متحده به قتل و فرار غیر قانونی پس از رفتن وی به ایران محکوم گردید.<sup>۲۵</sup> اگرچه ایالات متحده قادر به محاکمه شخص صلاح‌الدین نبوده است، چندین تن از شرکاء جرم وی به جرمی از جمله رانندگی اتومبیلی که وی با آن گریخت و نیز از بین بردن آلت قتل، محکوم گردیدند.<sup>۲۶</sup> همین اواخر یک دادگاه فدرال ایالات متحده حکمی مبنی بر پرداخت ۱۲ میلیون دلار به خانواده دکتر شاپور بختیار، از مخالفین به قتل رسیده، به عنوان جبران خسارات وارده صادر نمود.<sup>۲۷</sup> این دعوی مدنی بر اساس قوانین گوناگون مدنی ایالتی و فدرال، از قانون مصونیت قضایی مقامات دولتی خارجی گرفته تا قانون مسئولیت مدنی کالیفرنیا، بر علیه جمهوری اسلامی اقامه گردید.<sup>۲۸</sup>

تعداد قابل ملاحظه‌ای از پیگردهایی که در داخل کشورهای اروپایی صورت گرفته نیز پای رژیم ایران را به خاطر نقش مستقیم آن رژیم در طراحی و اجرای قتل دگراندیشان سیاسی در خارج از کشور به میان کشیده است.<sup>۲۹</sup> چندین نفر از افرادی که در این گونه توطئه‌های قتل دخالت داشته‌اند، برای مسئولیتی که در این قتلها به عهده داشته‌اند، متهم، محاکمه و محکوم گردیده‌اند. در سال ۱۳۷۳، سه مردی که با ترور سال ۱۳۷۰ دکتر شاپور

358, 1989 WL 651422 (۶ فوریه ۱۹۸۹). و در پرونده «حکومت علیه البنا»، دادگاه مجازاتهای صادره برای سه عضو جنبش آزادیبخش ملی فلسطین که به سوء قصد نسبت به جان سفیر اسرائیل در بریتانیا محکوم شده بودند را تأیید کرد. «حکومت علیه البنا و دیگران» [R. v. Marwan Al-Banna and Others]، شماره پرونده 426 Cr. App. R. (S.) [1984]. دادگاه در حکم صادره ذکر کرد: «این مطلب باید به وضوح دریافته شود که قتلها و سوء قصدهای سیاسی از این نوع و تخلفات مشابه آن، اگر لازم باشد، مجازاتهایی با چنین طول مدت، یعنی سی یا سی و پنج سال حبس دریافت خواهند داشت». همان ص. ۴۳۰.

<sup>۲۲</sup> برای مثال نگاه کنید به لایحه ضد تروریسم و مجازات مؤثر اعدام [Antiterrorism and Effective Death Penalty Act (AEDPA)]، مجموعه قوانین آمریکا، شماره ۲۸، بخش ۲۲۴۴ و ادامه [28 U.S.C. §§ 2244 et seq.] (۱۹۹۶)؛ نگاه کنید به زیرنویس شماره ۲۰۰ و متن همراه برای توضیحات بیشتر.

<sup>۲۳</sup> این قوانین همچنین شامل لایحه مصونیت مقامات دولتی خارجی [Foreign Sovereign Immunities Act] می‌شود، مجموعه قوانین آمریکا، شماره ۲۸، بخش ۱۶۰۲ و ادامه (۱۹۷۶)؛ لایحه جبران خسارت به بیگانگان [Alien Tort Claims Act]، مجموعه قوانین آمریکا، شماره ۲۸، بخش ۱۳۵۰ (۱۷۸۹)؛ و لایحه محافظت از قربانیان شکنجه [Torture Victims Protection Act]، مجموعه قوانین آمریکا، شماره ۲۸، بخش ۱۳۵۰ (۱۹۹۲)؛ نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۹۱ تا ۲۱۰ برای توضیحات بیشتر. همچنین برای قابلیت اعمال برخی از این خسارت‌های مدنی توسط دادگاه‌های ایالات متحده نگاه کنید به «موجیکا علیه شرکت نفت اکسیدنتال» [Mujica v. Occidental Petroleum Corp.]، شماره پرونده 124 F. Supp. 2d 97 (D.D.C. 2000)؛ و «فیلارتیگا علیه پنا - ایرالا» [Filartiga v. Pena-Irala]، شماره پرونده 630 F.2d 876 (2d Cir. 1980)؛ «الهی علیه جمهوری اسلامی ایران» [Elahi v. Islamic Rep. of Iran]، شماره پرونده 381 F. Supp. 2d 1164 (C.D. Cal. 2005)؛ «لتلیه علیه جمهوری شیلی» [Letelier v. Republic of Chile]، شماره پرونده 488 F.Supp. 655 (D.D.C. )؛ «لیو علیه جمهوری چین» [Liu v. Republic of China]، شماره پرونده 892 F.2d 1419 (9th Cir. 1989).

<sup>۲۴</sup> برای مثال نگاه کنید به «لتلیه علیه جمهوری شیلی» [Letelier v. Republic of Chile]، شماره پرونده 488 F.Supp. 655 (D.D.C. )؛ «لیو علیه جمهوری چین» [Liu v. Republic of China]، شماره پرونده 892 F.2d 1419 (9th Cir. 1989).  
<sup>۲۵</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «پناهگاهی نیست: عملیات جهانی ترور جمهوری اسلامی ایران»، صص. ۲۲-۲۱ (۲۰۰۸) [از این به بعد: «پناهگاهی نیست»].

<sup>۲۶</sup> همان.  
<sup>۲۷</sup> نگاه کنید به «بختیار علیه جمهوری اسلامی ایران» [Bakhtiar v. Islamic Rep. of Iran]، شماره پرونده 571 F.Supp.2d 27 (D.D.C. 2008)؛ برای بحث عمیق تر درباره این پرونده، نگاه کنید به زیرنویس ۲۱۳ و متن آن.

<sup>۲۸</sup> به طور کلی نگاه کنید به «بختیار علیه جمهوری اسلامی ایران»، شماره پرونده 571 F.Supp. 27.

<sup>۲۹</sup> نگاه کنید به بخش ۵،۲؛ همچنین به طور کلی نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، ر.ک. زیرنویس ۲۵.

بختیار و سروش کتبیبه مرتبط بودند، در دادگاه جنایی پاریس محاکمه شدند.<sup>۳۰</sup> یکی از قاتلان به نام علی و کیلی راد به حبس ابد محکوم شد.<sup>۳۱</sup> سید مسعود هندی که درخواست ویزای فرانسه قاتلان را تضمین کرده بود، برای کمک در قتل به ده سال حبس محکوم گردید.<sup>۳۲</sup> در سال ۱۳۷۵، یک دادگاه فرانسوی احکام مجتبی مشهدی و حسین یزدان ستا را برای توطئه و ارتکاب به قتل در ارتباط با ترور سال ۱۳۶۹ دکتر سیروس الهی، ابرام و تأیید نمود.<sup>۳۳</sup> پس از آزاد شدن از زندان در سال ۱۳۷۹، مشهدی به «مشارکت در قتل افراد و یا اعمال گروهی به منظور بر هم زدن نظم عمومی به طور جدی و از طریق ایجاد ترس» متهم گردید، ولی محاکمه وی به دلیل نبود شواهد کافی با تبرئه شدن وی خاتمه یافت.<sup>۳۴</sup> همچنین در سال ۱۳۷۶ یک دادگاه آلمانی حکمی بر علیه پنج عامل مرتبط با قتل سال ۱۳۷۱ چهار رهبر کرد در برلین صادر نمود.<sup>۳۵</sup> این دادگاه با صدور قرار بازداشت برای حجت الاسلام علی فلاحیان که در آن زمان صدارت وزارت اطلاعات را بر عهده داشت با توجه به این واقعیت که وی و دیگر مقامات عالی‌رتبه ایرانی طراح اصلی این قتلها بوده و اجرای آنها را فرمان داده‌اند، گامی مهم و چشمگیر برداشت.<sup>۳۶</sup> با اینکه مقامات سوئیس و اتریش نیز در جهت توقیف و پیگرد مسئولین حملات در قلمرو قضایی خود اقدامات مشابهی را انجام داده‌اند، این تلاشها تاکنون منجر به محکومیت هیچ فردی نشده‌اند.<sup>۳۷</sup>

## ۳,۲. قانون بین‌المللی مرتبط با ترور

قوانینی که درباره ارتکاب به قتل‌های برنامه‌ریزی شده افراد موجود می‌باشند تا حد بسیار زیادی از دو سیستم حقوقی بین‌الملل اقتباس گردیده‌اند: (۱) حقوق بشردوستانه که منحصراً در مواقع «درگیریهای مسلحانه» داخلی و یا بین‌المللی قابل اعمال است،<sup>۳۸</sup> و (۲) قانون حقوق بشر، که حمایت از حقوق اساسی افراد در تمام مواقع را مد نظر دارد.<sup>۳۹</sup> در ارتباط با معاهدات حقوق بشر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قوانین جنگ دیدگاه

<sup>۳۰</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۴۷-۴۶.

<sup>۳۱</sup> همان.

<sup>۳۲</sup> همان.

<sup>۳۳</sup> همان، صص. ۳۸-۳۵.

<sup>۳۴</sup> همان، صص. ۳۸-۳۳ (با حذف منبع).

<sup>۳۵</sup> مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «قتل در میکونوس: تجزیه و تحلیل یک ترور سیاسی»، صص. ۱۹-۱۸ (۲۰۰۷) (از این به بعد: «قتل در میکونوس»).

<sup>۳۶</sup> همان، ص. ۱۷.

<sup>۳۷</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۳۰-۲۶، ۳۳-۳۱. درباره این ناموفقیتها که برخی دلیل آن را فشارهای وارده از طرف جمهوری اسلامی می‌دانند، انتقادات شدیدی از طرف جامعه بین‌المللی صورت گرفته است. همان.

<sup>۳۸</sup> برای مثال نگاه کنید به کنوانسیون ژنو ۴، رک. زیرنویس ۱۰، مواد ۳ و ۴۷؛ پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹، و در خصوص محافظت از قربانیان جنگهای مسلحانه بین‌المللی [Protocol Additional to the Geneva Convention of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts]، به اجرا گذارده شده در ۷ دسامبر ۱۹۷۹، معاهدات سازمان ملل، شماره ۱۱۲۵، بخش ۳ [1125 U.N.T.S. 3] [از این به بعد: «پروتکل ۱»]؛ پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹، و در خصوص محافظت از قربانیان جنگهای مسلحانه غیر جهانی [Protocol Additional to the Geneva Convention of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Non-International Armed Conflicts]، به اجرا گذارده شده در ۷ دسامبر ۱۹۴۹، معاهدات سازمان ملل، شماره ۱۱۲۵، بخش ۶۰۹ [1125 U.N.T.S. 609] [از این به بعد: «پروتکل ۲»].

<sup>۳۹</sup> نگاه کنید به کمیته بین‌المللی خدمات مشاوره صلیب سرخ درباره حقوق بشردوستانه بین‌المللی، «حقوق بشردوستانه بین‌المللی و قانون حقوق بشر بین‌المللی: شباهتها و تفاوتها» [INTERNATIONAL COMMITTEE OF THE RED CROSS ADVISORY SERVICE OF INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW, *International Humanitarian Law and International Human Rights Law: Similarities and Differences*], ژانویه ۲۰۰۳، قابل دسترسی در [www.icrc.org/Web/Eng/siteeng0.nsf/htmlall/57JR8L/\\$File/IHL\\_and\\_IHRL.pdf](http://www.icrc.org/Web/Eng/siteeng0.nsf/htmlall/57JR8L/$File/IHL_and_IHRL.pdf) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸) [از این به بعد: «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»].

قوی و سازش ناپذیری در جهت حمایت از حق حیات ارائه می‌دهند.<sup>۴۰</sup> در حقیقت توسعه مقررات و معیارهای حقوقی درباره ترور و کشتار، تا حد زیادی مدیون مجموعه قوانینی هستند که به نام حقوق بشردوستانه معروف شده است.<sup>۴۱</sup> کنوانسیونهای لاهه و ژنو قوانین جنگی را تدوین و به صورت قانون معاهده عرضه می‌کنند.<sup>۴۲</sup> بسیاری از مقرراتی که در این کنوانسیونها تدوین شده‌اند، بازتاب قوانین عرفی بین‌المللی می‌باشند.<sup>۴۳</sup>

در حقوق بشردوستانه، توطئه چینی و تبانی عمدی علیه افراد غیر نظامی همواره به عنوان یک حمله غیرقانونی به شمار می‌روند.<sup>۴۴</sup> تحت حقوق بین‌الملل افراد شخصی همیشه از بالاترین میزان حمایت برخوردار بوده‌اند و تنها هنگامی موقعیت «حمایت شده» خود را از دست می‌دهند که به طور مسقیم در خصومتها درگیر شده باشند.<sup>۴۵</sup> این نکته انکارناپذیر است که هدف قرار دادن یا کشتن «افراد حمایت شده» حتی اگر این افراد نظامی باشند، نقض شدید کنوانسیون ژنو و نادیده گرفتن قوانین عرفی بین‌المللی تلقی گردیده و به عنوان «جنایت جنگی» محسوب می‌گردد.<sup>۴۶</sup>

<sup>۴۰</sup> برای مثال نگاه کنید به کنوانسیون ژنو ۴، رک. زیرنویس ۱۰.

<sup>۴۱</sup> به طور کلی نگاه کنید به لویی رنه برس، «مجاز بودن ترورهای تحت حمایت دولت در دوران جنگ و صلح» [Louis Rene Beres, *The Permissibility of State-Sponsored Assassination During Peace and War*], ژورنال حقوق بین‌الملل تمپل، شماره ۵، ص. ۲۳۱ (۱۹۹۲)؛ همچنین نگاه کنید به کمیته بین‌المللی خدمات مشاوره صلیب سرخ درباره حقوق بشردوستانه بین‌الملل، «حقوق بشردوستانه بین‌الملل چیست؟» [INTERNATIONAL COMMITTEE FOR THE RED CROSS ADVISORY SERVICE ON INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW, *What is International Humanitarian Law?*], ژوئیه ۲۰۰۴، قابل دسترسی در [www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/humanitarian-law-factsheet/\\$File/What\\_is\\_IHL.pdf](http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/humanitarian-law-factsheet/$File/What_is_IHL.pdf) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۴۲</sup> برایان د. تیتمور، «ستیزه‌جویان با کلاه خودهای آبی: اعمال حقوق بشردوستانه بین‌الملل در عملیات صلح سازمان ملل» [Brian D. Tittmore, *Belligerents in Blue Helmets: Applying International Humanitarian Law to United Nations Peace Operations*], ژورنال حقوق بین‌الملل استنفورد، شماره ۳۳، صص. ۶۱-۶۶ (۱۹۹۷).

<sup>۴۳</sup> برای مثال نگاه کنید به مایکل د. رمزی، «شکنجه قدرت اجرائی» [Michael D. Ramsey, *Torturing Executive Power*], ژورنال حقوقی جرج تاون، شماره ۹۳، صص. ۱۲۱۳، ۱۲۴۵ زیرنویس ۱۲۵ (۲۰۰۵).

<sup>۴۴</sup> برای مثال نگاه کنید به کنوانسیون ژنو ۴، رک. زیرنویس ۱۰؛ پروتکل ۱، رک. زیرنویس ۳۸؛ پروتکل ۲، رک. زیرنویس ۳۸؛ همچنین نگاه کنید به «قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاحهای اتمی» [Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons], نظر مشورتی، شماره پرونده ۱۹۹۶ I.C.J. 226 (July 8). حملات غیر قانونی مشمول حمله به اهداف نظامی که موجب مرگ غیر نظامیان نیز می‌شود نمی‌گردد، به شرط آنکه این حملات از ضرورت و تناسب لازم برخوردار باشند. نگاه کنید به کنوانسیون منع و محدودسازی استفاده از سلاحهای متداول خاصی که ممکن است سبب بروز آسیبهای شدید شود و یا تأثیرات خارج از کنترل به جا گذارد، پروتکل تحریم یا محدودیت استفاده از سلاحهای آتشزا (پروتکل ۳) [Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects, Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Incendiary Weapons (Protocol III)], ماده ۲، بند ۱، ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰، معاهدات سازمان ملل، شماره ۱۳۴۲، بخش ۱۶۲ [1342 U.N.T.S. 162]؛ مقررات لاهه ضمیمه به کنوانسیون لاهه (۴) درباره قوانین و رسوم جنگ زمینی [Hague Regulations Annex to the Hague Convention (IV) on the Laws and Customs of War on Land], ماده ۲۵، ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، قابل دسترسی در <http://www.gisha.org/UserFiles/File/Covensions%20and%20Laws/Hague%20Convention%20IV.pdf> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). یک نتیجه منطقی تبعیض این است که محلهایی را که تحت پوشش دفاعی نیستند نمی‌توان مورد حمله یا بمباران قرار داد. نگاه کنید به قطعنامه ۲۶۷۵ مجمع عمومی، پاراگرافهای ۲ و ۶-۴، سوابق رسمی مجمع عمومی، نشست ۲۵، ضمیمه ۲۸، [U.N. GAOR, 25<sup>th</sup> Sess., Supp. No. 28], سند سازمان ملل A/8028 (۹ دسامبر ۱۹۷۰)؛ محافظت از افراد غیر نظامی در برابر بمباران هوایی در صورت بروز جنگ، قطعنامه جامعه ملل به اتفاق آراء [League of Nations Unanimous Resolution (30 سپتامبر ۱۹۳۸) O.J.], شماره اختصاصی ۱۸۲، اکتبر ۱۹۳۸، ص. ۱۳۵.

<sup>۴۵</sup> برای مثال نگاه کنید به کنوانسیون ژنو ۴، ماده ۳، رک. زیرنویس ۱۰.

<sup>۴۶</sup> اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم [Rome Statute of the International Criminal Court], ماده ۸، بند ۲، به اجرا گذارده شده در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲، سند سازمان ملل A/CONF.183/9 [از این به بعد: «اساسنامه رم»]. کشورهای عضو کنوانسیونهای ژنو موظفند حوزه قضایی خود را تعیین و تمامی جنایتکاران جنگی موجود در قلمرو خود را تحت پیگرد قرار دهند. همان. مقدمه («یادآور می‌شود که این از وظایف هر کشور است که صلاحیت خود را برای رسیدگی به امور کیفری افرادی که مسئول انجام جنایات بین‌المللی هستند، به کار گیرد»). به علاوه، موارد نقض اصل تمایز (بین هدفهای شخصی و نظامی) منجر به نقض شدید قانون عرفی بین‌المللی شده و علیهذا هر یک از اعضاء را مجاز به استفاده از

حقوق بشردوستانه همچنین تمام کشتارهای «ریاکارانه» یا «خائنانه» را به طور جدی نهی می‌کند.<sup>۴۷</sup> قتل‌های ریاکارانه به ویژه هنگامی که افراد غیر نظامی را در بر می‌گیرد جنبه مغرضانه دارد. از آنجایی که اکثر قتل‌ها و سوء قصد‌ها، و بعضاً تمام آنها، با استفاده از وسائل ریاکارانه صورت می‌گیرند، می‌توان گفت که بر اساس حقوق بشردوستانه این اعمال غیر قانونی به حساب می‌آیند.<sup>۴۸</sup> ممنوعیت چنین قتل‌هایی در کنوانسیون‌های ژنو و لاهه تدوین شده و یقیناً تا سطح قانون عرفی بین‌المللی ارتقاء یافته است.<sup>۴۹</sup> وجود تحریم بر علیه کشتارهای ریاکارانه، حتی در زمان «درگیریهای مسلحانه» نشانگر آن است که حقوق بین‌الملل تا چه حد از وقوع چنین ترورهایی ناخشنود است.

بر خلاف حقوق بشردوستانه بین‌الملل، اعمال قانون حقوق بشر فقط محدود به مواقع ارتکاب خشونت در زمان «درگیری‌های مسلحانه» نمی‌شود.<sup>۵۰</sup> بلکه برعکس، قانون حقوق بشر حفظ حقوق اساسی افراد را بدون توجه به موقعیت قربانی، ابزار مورد استفاده برای از بین بردن حقوق اساسی وی، و یا اینکه آیا چنین خشونتی در زمان صلح واقع شده و یا در زمان جنگ، مد نظر دارد.<sup>۵۱</sup> از آن مهمتر، قوانین بین‌المللی حقوق بشر ادعای حق حاکمیت که از زمانهای قدیم کشورهای عضو را از تحت نظر بودن و انتقاد امور داخلی آنها مستثنی کرده باطل می‌سازند.<sup>۵۲</sup>

تمامیت سیستم جهانی حقوق بشر بر اساس دو سند اساسی استوار می‌گردد: اعلامیه جهانی حقوق بشر (اعلامیه)<sup>۵۳</sup> و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (میثاق).<sup>۵۴</sup> این میثاق در سال ۱۳۴۵ اتخاذ شده و از سال ۱۳۵۵ به اجرا

---

صلاحیت قضایی بین‌المللی می‌نماید. نگاه کنید به لورا لوپز، «جنگ‌های غیر شخصی: تلاش برای اعمال حقوق بشردوستانه بین‌الملل در موارد درگیریهای مسلحانه داخلی» [ Laura Lopez, *Uncivil Wars: The Challenge of Applying International Humanitarian Law to Internal Armed Conflicts*], ژورنال حقوق دانشگاه نیویورک، شماره ۶۹، صص. ۹۱۶، ۹۴۰-۹۳۸ (۱۹۹۴).

<sup>۴۷</sup> پروتکل ۱، ر.ک. زیرنویس ۳۸. به گفته برخی، «اساس خیانت، از بین رفتن اعتماد است.» «اشمیت»، ر.ک. زیرنویس ۲، ص. ۶۳۳.  
<sup>۴۸</sup> زنگل، ر.ک. زیرنویس ۱، ص. ۶۳۰. این ممنوعیت چندان ربطی به وضعیت قربانی ندارد و فقط ابزار قتل وی را مد نظر قرار می‌دهد. برای مثال نگاه کنید به مؤسسات مربوط به اداره ارتشهای ایالات متحده در میدان مبارزه (قانون لیبر)، [Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field (Lieber Code) of the United States], ماده ۱۰۲، ۲۴ آوریل ۱۸۶۳، قابل دسترسی در [www.icrc.org/ihl.nsf/73cb71d18dc4372741256739003e6372/a25aa5871a04919bc12563cd002d65c5?OpenDocument](http://www.icrc.org/ihl.nsf/73cb71d18dc4372741256739003e6372/a25aa5871a04919bc12563cd002d65c5?OpenDocument) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۴۹</sup> برای مثال نگاه کنید به پروتکل ۱، ر.ک. زیرنویس ۳۸، ماده ۷. ماده ۳۷ الحاقیه پروتکل ۱ کنوانسیون ژنو چهار نمونه را ذکر می‌کند که نشانگر رفتار «خائنانه» می‌باشند: (۱) تظاهر به اظهار علاقه برای مذاکره در تحت شرایط آتش بس موقت یا تسلیم، (۲) تظاهر به عدم توانایی به خاطر جراحت یا بیماری، (۳) تظاهر به شخصی بودن و عدم جنگجویی، (۴) تظاهر به بهره‌مندی از پوشش محافظتی با استفاده از علامات، نشانها و لباس فرمهای سازمان ملل، موقعیت بی‌طرف، یا دیگر وضعیتهایی که نشان دهد طرف درگیری نیستند. همان؛ همچنین نگاه کنید به اشمیت، ر.ک. زیرنویس ۲، ص. ۶۳۴.

<sup>۵۰</sup> نگاه کنید به بیانیه تهران، آخرین لایحه کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر [Proclamation of Tehran, Final Act of the International Convention on Human Rights], سند سازمان بین‌الملل A/CONF 32/4، ص. ۳ (۱۹۶۸).

<sup>۵۱</sup> نگاه کنید به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ر.ک. زیرنویس ۳۹.  
<sup>۵۲</sup> برای مثال نگاه کنید به «نیکاراگوئه علیه آمریکا»، ر.ک. زیرنویس ۱۱، صص. ۱۰۸ و ۱۳۱؛ ۲۲ محاکمه جنایتکاران جنگی اصلی در برابر هیئت داورى بین‌المللی ارتشی ۴۶۶ (۱۹۴۸) (که بیان می‌کند «اگر شخصی قوانین جنگ را زیر پا بگذارد و دولت در مجاز شمردن عملکرد وی خارج از محدوده صلاحیت خویش مطابق حقوق بین‌الملل عمل کرده باشد، فرد مزبور در حین انجام مأموریت برای این دولت دارای مصونیت نخواهد بود.») چاپ مجدد در چهل و یکمین شماره ژورنال حقوق بین‌الملل آمریکا، صص. ۱۷۲ و ۲۲۱ (۱۳۲۶).

<sup>۵۳</sup> اعلامیه جهانی حقوق بشر، قطعنامه ۲۱۷ A (III) مجمع عمومی، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، قابل دسترسی در [www.un.org/Overview/rights.html](http://www.un.org/Overview/rights.html) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۵۴</sup> میثاق حقوق مدنی، ر.ک. زیرنویس ۱۰.

گذارده شده است.<sup>۵۵</sup> بر خلاف اعلامیه، میثاق (و دیگر قانون همردیف آن، یعنی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تعهدات لازم الاجرائی را بر دوش هر یک از دولتهای عضو از جمله وظیفه تحقق بخشیدن به وضع قوانین ملی جهت به «اجرا در آوردن حقوق به رسمیت شناخته شده» در معاهده فوق‌الذکر و نیز وظیفه فراهم نمودن «جبران مؤثر خسارت» در صورت عدم اجرای وظایف فوق، می‌گذارد.<sup>۵۶</sup> میثاق مخصوصاً از تمامی کشورهای امضاء کننده می‌خواهد که تمامی حقوق به رسمیت شناخته شده توسط این میثاق را بدون توجه به «نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا عقاید دیگر، منشاء اجتماعی یا ملی، دارائی، وضعیت تولد یا دیگر شرایط»، در مورد «تمامی افرادی که در خاک آنها به سر می‌برند و در محدوده قلمرو قضایی آنها قرار دارند محترم شمرده و شمول آن را تضمین نمایند».<sup>۵۷</sup> این میثاق که بیش از یکصد امضاء کننده دارد، مهمترین و جامع‌ترین سندی است که محافظت از حقوق بشر را در سطح جهانی تضمین می‌نماید.<sup>۵۸</sup>

ایران از امضاء کنندگان این میثاق می‌باشد.<sup>۵۹</sup> عملیات ترور جمهوری اسلامی که تحت حمایت دولت در خاک بیگانه انجام گرفته، اصولاً بخشی از آزار و تعقیب سازمان یافته رژیم بر علیه دگراندیشان سیاسی در داخل کشور است.<sup>۶۰</sup> این آزار و تعقیب اشکال متعددی به خود گرفته که دامنه آن از اعدامهای خودسرانه و شتابزده هزاران تن از اعضاء مجاهدین خلق و حزب توده در سال ۱۳۶۷<sup>۶۱</sup> تا ترور بیش از هشتاد تن از اندیشمندان، فعالان سیاسی و اجتماعی، و شهروندان معمولی در داخل کشور در طول یک دوره ده ساله از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷<sup>۶۲</sup> گسترش یافته است. بی‌تردید واضح است که قتل‌های فراقضایی رژیم، چه در داخل کشور واقع شده باشند و چه در خارج از آن، قوانین عرفی و تضمین حق حیات ناشی از میثاق فوق‌الذکر را که در اصل ششم آن گنجانده شده، نقض

<sup>۵۵</sup> همان.

<sup>۵۶</sup> همان، ماده ۲؛ همچنین به طور کلی نگاه کنید به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی [International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights]، سند سازمان ملل A/6316 (۱۹۶۶)، معاهدات سازمان ملل شماره ۹۹۳، بخش ۳ [993 U.N.T.S.]، به اجرا گذارده شده در ۳ ژانویه ۱۹۷۶ [از این به بعد: «میثاق حقوق اقتصادی»].

<sup>۵۷</sup> میثاق حقوق مدنی ماده ۲، رک. زیرنویس ۱۰.

<sup>۵۸</sup> نگاه کنید به دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در حقوق بشر، «کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» [UNITED NATIONS HIGH COMMISSIONER FOR HUMAN RIGHTS, *International Convention for Civil and Political Rights*]، قابل دسترسی در [www2.ohchr.org/english/bodies/ratification/4.htm](http://www2.ohchr.org/english/bodies/ratification/4.htm) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۵۹</sup> نگاه کنید به همان؛ همچنین نگاه کنید به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، کنوانسیونهای ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، قابل دسترسی در [www.icrc.org/ihl.nsf/WebSign?ReadForm&id=375&ps=P](http://www.icrc.org/ihl.nsf/WebSign?ReadForm&id=375&ps=P) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، کنوانسیون ۲، با توجه به قوانین و رسوم جنگ، به همراه ضمیمه، قابل دسترسی در [www.icrc.org/ihl.nsf/WebSign?ReadForm&id=150&ps=P](http://www.icrc.org/ihl.nsf/WebSign?ReadForm&id=150&ps=P) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۶۰</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۱۴-۵.

<sup>۶۱</sup> نگاه کنید به کاوه شهروز، «با خشم و کینه انقلابی: یک گزارش مقدماتی از قتل عام سال ۱۳۶۷ زندانیان سیاسی ایران» [Kaveh Shahrooz, *With Revolutionary Rage and Rancor: A Preliminary Report on the 1988 Massacre of Iran's political Prisoners*]، ژورنال حقوق بشر هاروارد، شماره ۲۰، صص. ۲۲۷، ۳۴-۲۳۰ (۲۰۰۷).

<sup>۶۲</sup> عملیات ترور رژیم که بر علیه دگراندیشان داخلی و تحت حمایت دولت انجام می‌شد، در سال ۱۳۷۷ با قتل‌های زنجیره‌ای دگراندیشان معروفی از جمله داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمد جعفر پوینده و محمد مختاری به اوج خود رسید. نگاه کنید به پیوند، <http://www.payvand.com/news/01/jan/1053.html> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). تحقیقات در داخل کشور نشان داد که قربانیان داخلی رژیم نیز همچون هم‌تایانشان در خارج از کشور، به عنوان بخشی از یک عملیات سیستماتیک و طرح‌ریزی شده ترور که توسط عوامل داخلی وزارت اطلاعات برنامه‌ریزی و اجرا شد، از صحنه حذف گردیدند. نگاه کنید به همان.



می‌نمایند.<sup>۶۳</sup> در صورتی که هر کدام از این قتلها در شرایط نزاع مسلحانه داخلی و یا بین‌المللی واقع شده باشد که در آن نیروهای نظامی و امنیتی ایران مداخله داشته‌اند، آنگاه اعمال رژیم مطابق کنوانسیونهای ژنو جنایات جنگی محسوب خواهند شد.

#### ۴. اسناد حقوق بین‌الملل درباره منع ترور

عملیات ترورهای سیاسی برون مرزی ایران، اعمال چندین سند مهم حقوقی بر اساس حقوق بین‌الملل را موجب می‌گردد. این اسناد که البته محدود به لیست ذیل نمی‌شوند، شامل معاهدات بین‌المللی، کنوانسیونها، قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های انتشار یافته توسط ارگانها و آژانسهای مختلف سازمان ملل، احکام دادگاه‌های بین‌المللی و هیئت‌های داوری، اصول حقوقی استنتاج شده از رأی دادگاه‌های کشوری که بر اساس قوانین داخلی مربوطه صادر شده، و قواعد قانون عرفی بین‌المللی می‌شود. مهمترین این اسناد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. بررسی حقوق و تعهدات مذکور در این میثاق، شاهدهی است محکم بر این مدعا که رژیم ایران به طور مداوم و برنامه‌ریزی شده مشغول انجام عملیات قتل‌های فراقضایی است که اساسی‌ترین حق بشر، یعنی حق حیات را نقض می‌کند.

#### ۴,۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)

همانطور که پیشتر گفته شد، این میثاق اعلام می‌دارد که همه کشور های امضاء کننده این قرارداد موظفند تمامی «افرادی که در خاک آنها به سر می‌برند و در محدوده قلمرو قضایی آنها قرار دارند را محترم شمرده و تضمین نمایند» که آنان مشمول «تمامی حقوق شناخته شده» توسط این میثاق بدون توجه به «نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا عقاید دیگر، منشاء اجتماعی یا ملی، دارائی، وضعیت تولد یا دیگر شرایط» خواهند شد.<sup>۶۴</sup> افراد ذینفع در ارتباط با چنین حقوقی مردم هستند.<sup>۶۵</sup> در یک تصمیم‌گیری مهم که قابلیت اعمال این میثاق و حیطه صلاحیت آن را بیان می‌نمود، کمیته حقوق بشر (کمیته) رأی داد که محافظت‌هایی که توسط این میثاق تضمین گردیده به حرکات یک دولت در داخل مرزهایش محدود نمی‌شود.<sup>۶۶</sup> با توجه به غیر اخلاقی بودن اینکه اگر تفسیر مقررات موجود در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اجازه دهد کشورها مرتکب

<sup>۶۳</sup> قتل‌های برنامه‌ریزی شده مخالفان سیاسی توسط جمهوری اسلامی همچنین ناقض تضمینهای اساسی دیگر حقوق بشر نیز می‌باشند، از جمله حق برخورداری از تشریفات قانونی حقوقی و آزادی(های) فکر، مذهب، و تجمع. نگاه کنید به میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰، مواد ۹، ۱۴، ۱۸، ۲۱. همچنین نگاه کنید به بخش ۴,۱,۱ برای بحث مفصل تر درباره ماده ۶ این میثاق.

<sup>۶۴</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰، ماده ۲ (با تأکید مضاعف).  
<sup>۶۵</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۳۱، چگونگی تعهدات قانونی عمومی که برعهده کشورهای امضاء کننده این قرارداد گذاشته شده است [ U.N. Human Rights Committee, General Comment 31, Nature of the General Obligation Imposed on State Parties to the Covenant ]، پاراگراف ۹، سند سازمان ملل CCPR/C/21/Rev.1/Add.13 (۲۶ مه ۲۰۰۴).

<sup>۶۶</sup> نگاه کنید به «بورگس/دیلیا سالدیاس دو لویز علیه اوروگوئه» [Burgos/Delia Saldias de Lopez v. Uruguay]، (پیام شماره ۵۲/۱۹۷۹ (۲۹ ژوئیه ۱۹۸۱)، سند سازمان ملل CCPR/C/OP/I (۱۹۸۴)). عبارت «افرادی که در قلمرو قضایی آن کشور قرار دارند» به محلی که نقض قانون در آن اتفاق افتاده اشاره نمی‌کند بلکه «به رابطه بین فرد و دولت در رابطه با نقض هر یک از حقوقی که در این میثاق ذکر گردیده، در هر محل که اتفاق افتاده باشد» ارجاع می‌دهد (با تأکید مضاعف). همان، پاراگراف ۱۲,۲.

نقض قوانین این میثاق در خاک کشور امضاء کننده دیگری بشوند، این کمیته حکم کرد که اگر عوامل هر یک از کشورهای امضاء کننده این میثاق در خاک بیگانه مرتکب تخلف بشوند می‌توان آنها را مسئول ساخت.<sup>۶۷</sup> دادگاه بین‌المللی دادگستری طی یک نظریه مشورتی که در سال ۱۳۸۳ ابراز نمود، نظریه کمیته را تأیید کرده و رأی داد که این میثاق «در مورد اعمالی که دولتها در خارج از مرزهایشان و در اجرای امور قضایی‌شان انجام می‌دهند، قابل اعمال است».<sup>۶۸</sup>

## ۴،۱،۱. وظیفه محافظت از حیات

اصل اساسی این میثاق در ماده ۶، بند ۱ این سند ذکر گردیده، که می‌گوید:

هر انسانی از حق ذاتی حیات برخوردار است. این حق باید به موجب قانون حفظ گردد. هیچ کس را نباید خودسرانه از حیات محروم ساخت.<sup>۶۹</sup>

بر طبق نظر کمیته یا ارگان سازمان ملل متحد که مسئول اجرای این معاهده بوده و وظیفه نظارت بر پیروی از این میثاق را به عهده دارد،<sup>۷۰</sup> حق حیات «حق والایی است که تحت هیچ شرایطی حتی به هنگام وقوع موقعیتهای اضطراری عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند، خوار شمردن آن جایز نیست».<sup>۷۱</sup> «حق ذاتی حیات» را نمی‌توان کوتاه‌بینانه تفسیر نمود، و کشورهای امضاء کننده باید تدابیر مؤثری اتخاذ نمایند که هدف آنها «کنترل جدی و محدود کردن شرایطی باشد که به اولیای امور اجازه دهد فردی را از حق حیات محروم سازند».<sup>۷۲</sup>

در موضوع ممنوعیت قتل‌های فراقضایی که در ماده ۶ مذکور گردیده است، این تکلیف به طور ضمنی برای کشورهای عضو مطرح شده که آنها موظفند در جهت پیشگیری از محروم ساختن افراد از حق حیات، اقدامات مؤثری انجام دهند.<sup>۷۳</sup> این وظیفه فرعی هم توسط کمیته و هم به وسیله دیگر دادگاه‌های بین‌المللی حقوق بشر

<sup>۶۷</sup> «لیلیان سلبرتی دو کازاریگو علیه اوروگوئه» [Lilian Celberti de Casariego v. Uruguay]، پیام شماره R.13/56 [Communication] [No. R.13/56]، سند سازمان ملل، 40 (A/36/40) [U.N. Doc. Supp. No. 40 (A/36/40)]، ص. ۱۸۵ (۱۹۸۱).

<sup>۶۸</sup> «نظریه مشورتی درباره عواقب قانونی ساختن یک دیوار در محدوده فلسطین اشغالی» [Advisory Opinion on Legal Consequences of the Construction Wall in the Occupied Palestinian Territory]، پاراگراف ۱۱۱، شماره پرونده 2004 I.C.J. 131؛ همچنین نگاه کنید به حقوق مدنی و سیاسی شامل سؤالاتی درباره ناپدید شدن افراد و اعدام‌های شتابزده (گزارش هیئت ویژه حل اختلاف، ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴) پاراگراف‌های ۴۶ و ۴۷، سند سازمان ملل E/CN.4/2005/7 (۲۲ دسامبر ۲۰۰۴) [از این به بعد: «گزارش هیئت ویژه حسن تفاهم ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴»].

<sup>۶۹</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰.

<sup>۷۰</sup> نگاه کنید به همان، ماده ۲۸. متعاقب اولین پروتکل انتخابی این میثاق، کشورهای عضو توافق می‌کنند که اختلافات خود را به کمیته ارجاع دهند. پروتکل انتخابی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱، سند سازمان ملل A/6316 (۱۳۴۵)، معاهدات سازمان ملل، شماره ۹۹۹، بخش ۳۰۲ [999 U.N.T.S. 302]، به اجرا گذارده شده در ۲۳ مارس ۱۹۷۶. [از این به بعد: «اولین پروتکل انتخابی»]. ایران از امضاء کنندگان اولین پروتکل انتخابی نیست. نگاه کنید به همان.

<sup>۷۱</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۶، حق حیات، سند سازمان ملل HRI/GEN/1/Rev.1، ص. ۶ (۱۹۹۴)؛ همچنین نگاه کنید به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، تفسیر عمومی شماره ۱۴، سند سازمان ملل HRI/GEN/1/Rev.1، ص. ۱۸ (۱۹۹۴)؛ مواد (۲)، (۴)، (۵) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، رک. زیرنویس ۱۰.

<sup>۷۲</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی شماره ۶، رک. زیرنویس ۷۱.

<sup>۷۳</sup> همان، پاراگراف ۵.

همچون دادگاه حقوق بشر اروپا مشخص گردیده است.<sup>۷۴</sup> وظیفه پیشگیری از محروم ساختن افراد از حق حیات را می‌توان با توجه به مفهوم «تلاشهای مقرر و مقتضی» توصیف نمود که اصلی است نوظهور درباره پاسخگو بودن دولتها در مورد تعهدات لازم الاجرای خود به منظور تضمین حفظ حق حیات (و دیگر حقوق اساسی که توسط این میثاق تضمین گردیده است).<sup>۷۵</sup> کمیته وظیفه ذاتی ماده ۶ در لزوم پیشگیری از وقوع قتل را به این شکل مطرح می‌کند که کشورهای امضاء کننده «باید اقدامات لازم را به عمل آورند تا نه تنها محروم ساختن افراد از زندگی توسط اعمال جنایتکارانه ممنوع و مجازات گردد، بلکه از کشتار خودسرانه توسط نیروهای امنیتی آنها نیز جلوگیری شود».<sup>۷۶</sup> تفسیر کلی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره تعهدات قانونی امضاء کنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صریحاً اظهار می‌دارد که ناکامی دولتها در تنبیه و پیشگیری قتل‌های فراقضایی می‌تواند جنایت علیه بشریت محسوب شود.<sup>۷۷</sup>

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در موارد بیشماری با عباراتی صریح، موضوع ممنوعیت کشتار فراقضایی را مطرح نموده است. در پاسخ به افزایش مداوم وقوع چنین قتل‌هایی، این مجمع قطعنامه‌ای را در سال ۱۳۷۵ به تصویب رساند که صراحتاً انجام چنین اعمالی را محکوم می‌کند.<sup>۷۸</sup> متن این قطعنامه «از تمامی دولتها می‌خواهد اطمینان حاصل نمایند که وقوع اعدام‌های ... فراقضایی پایان یابد».<sup>۷۹</sup> این قطعنامه همچنین مشخص می‌سازد که تمامی دولتها مکلفند «درباره تمام موارد مشکوک قتل‌های ... فراقضایی، تحقیقات جامع و بی‌طرفانه‌ای انجام دهند».<sup>۸۰</sup> به علاوه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هیئتی به نام هیئت ویژه حل اختلاف درباره اعدام‌های شتابزده یا خودسرانه نیز مسئولیت ویژه دارد تا ماده ۶ بند ۱ این میثاق را کنترل و نظارت نماید.<sup>۸۱</sup> هیئت ویژه حل اختلاف به موجب اختیاری که به آن تفویض شده می‌تواند در موارد قتل‌های فراقضایی که با حمله به

<sup>۷۴</sup> برای مثال نگاه کنید به «گول علیه ترکیه» [Gül v. Turkey]، پاراگراف ۸۳-۷۶، شماره پرونده ۲۲۶۷۶/۹۳، app. no. 22676/93، ۱۴ دسامبر ۲۰۰۰؛ «مک کن و همکاران علیه بریتانیا» [McCann et. al v. U.K.]، شماره پرونده 1998/91، ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۵.  
<sup>۷۵</sup> نگاه کنید به «پدرو پابلو کارماگو علیه کلمبیا» [Pedro Pablo Carmago v. Colombia]، کمیته حقوق بشر، پیام ۴۵/۱۹۷۹، سند سازمان ملل CCPR/C/OP/1، ص. ۱۱۲؛ «اعتلا و حفظ حقوق بشر» [Promotion and Protection of Human Rights]، پاراگراف‌های ۴۸-۴۶، سند سازمان ملل A/61/311 (۵ سپتامبر ۲۰۰۶).

<sup>۷۶</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۶، پاراگراف ۳، ر.ک. زیرنویس ۷۱.  
<sup>۷۷</sup> نگاه کنید به همان. کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۳۱، پاراگراف ۸، ر.ک. زیرنویس ۶۵، برای بحث و تجزیه و تحلیل جرائم ممکن بر علیه بشریت که جمهوری اسلامی به دلیل قتل مخالفان سیاسی خود به آنها متهم گردیده، به بخش ۴،۵ نگاه کنید.  
<sup>۷۸</sup> اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه [Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions]، قطعنامه ۵۱/۹۲ مجمع عمومی، سند سازمان ملل A/RES/51/92 (۱۲ دسامبر ۱۹۹۶).

<sup>۷۹</sup> همان، پاراگراف ۲.

<sup>۸۰</sup> همان، پاراگراف ۳.

<sup>۸۱</sup> هیئت ویژه حل اختلاف توسط کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر فعلی) منصوب می‌گردد، اما از نظر قواعد کاری در استخدام دفتر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌باشد. نگاه کنید به دفتر کمیسری عالی سازمان ملل در حقوق بشر، قابل دسترسی در <http://www.ohchr.org/EN/AboutUs/Pages/WhoWeAre.aspx> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). دفتر هیئت ویژه حل اختلاف در سال ۱۹۸۲ بر طبق قطعنامه تأسیس شد، و همچنین به موجب مواد ۶، ۱۴، و ۱۵ میثاق، مسئول بررسی و تحقیق درباره نقض حقوق بشر می‌باشد. نگاه کنید به دفتر کمیسری عالی سازمان ملل در حقوق بشر، هیئت ویژه حل اختلاف در مورد اعدام‌های فراقضایی، شتابزده و خودسرانه، روش‌ها، قابل دسترسی در [www.unhcr.ch/html/menu2/7/b/execut/exe\\_meth.htm](http://www.unhcr.ch/html/menu2/7/b/execut/exe_meth.htm) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). از این به بعد: «هیئت ویژه حل اختلاف در مورد اعدام‌های فراقضایی - روش‌ها». در سال ۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که به موجب آن اختیارات هیئت ویژه حل اختلاف در مورد تمامی موارد نقض حق حیات، از جمله اجرای قتل‌های فراقضایی، بیشتر شد. کمیسیون حقوق بشر، قطعنامه ۱۹۹۲/۷۹ (۵ مارس ۱۹۹۲). به علاوه نظرات هیئت حل اختلاف، احکام و تفسیرهای عمومی کمیته حقوق بشر و دیگر ارگانهای بین‌المللی حقوق بشر همچون دادگاه حقوق بشر آمریکا و دادگاه حقوق بشر اروپا، از جهت قانونی برای ایران معتبر و الزام آور نیست. نگاه کنید به همان، در <http://www.ohchr.org/EN/AboutUs/Pages/WhoWeAre.aspx> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

«مقامات رسمی دولتی، گروه‌های شبه نظامی، افراد یا گروه‌های شخصی که با [یک کشور امضاء کننده] همکاری داشته یا پذیرفته شده‌اند»<sup>۸۲</sup> مربوط می‌شود، اقدامات لازم را انجام دهد. اختیارات هیئت حل اختلاف ایجاد می‌نماید که به قتل‌های فراقضایی بر علیه افرادی که به «امور صلح جویانه در دفاع از حقوق بشر» مشغولند، «توجهی خاص» مبذول دارد.<sup>۸۳</sup> هیئت حل اختلاف همچنین موظف است در مواردی که دولت‌ها تعهدات خود را مبنی بر تحقیق درباره موارد ادعا شده نقض حق حیات و جبران کافی خسارات وارده به قربانیان انجام نداده‌اند، به تحقیق و بررسی بپردازد.<sup>۸۴</sup> این حکم تمام اشکال قتل‌های فراقضایی را در بر می‌گیرد، چه آنها در زمان درگیری‌های مسلحانه اتفاق افتاده باشند یا به هنگام صلح، و چه در مورد «قتل‌های هدف‌گیری شده» ای که به تروریستها نسبت داده می‌شود.<sup>۸۵</sup>

ایران، علیرغم تمام تعهداتی که نسبت به این میثاق و نیز قانون اساسی خودش دارد، تضمین حق حیات ناشی از این میثاق را هم در داخل و هم در خارج از مرزهایش مداوماً نقض نموده است.<sup>۸۶</sup> این رژیم نه تنها نتوانسته است از قتل‌های فراقضایی که نیروهای امنیتی خودش مرتکب شده‌اند پیشگیری نماید، بلکه به طور جدی مشوق چنین اعمالی نیز بوده است.<sup>۸۷</sup> این رأی قطعنامه ۵۱/۱۰۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۵ بود که خشونت‌ها و قتل‌های فراقضایی مورد حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران را عنوان می‌کرد.<sup>۸۸</sup> اگرچه هدف کلی این قطعنامه محکوم نمودن نقض حقوق بشر در داخل کشور بود، اما

ادامه خشونت بر علیه ایرانیان در خارج از جمهوری اسلامی ایران که انگیزه سیاسی دارد را محکوم نموده و از دولت جمهوری اسلامی ایران مصرانه خواست تا از فعالیت‌هایش بر علیه اعضاء اپوزیسیون ایرانی مقیم خارج و هراساندن بستگان آنها در داخل جمهوری اسلامی ایران دست برداشته و با

<sup>۸۲</sup> دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در حقوق بشر، نمونه پرسشنامه هیئت ویژه حل اختلاف در مورد اعدام‌های فراقضایی، شتابزده و خودسرانه، OFFICE OF THE UNITED NATIONS HIGH COMMISSIONER ON HUMAN RIGHTS, Model Questionnaire of the Special ] Rapporteur on Extrajudicial, Summary, and Arbitrary Executions قابل دسترسی در [www.unhchr.ch/html/menu2/7/b/execut/exequst.htm](http://www.unhchr.ch/html/menu2/7/b/execut/exequst.htm) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). همچنین نگاه کنید به هیئت ویژه حل اختلاف در مورد اعدام‌های فراقضایی - روشها، رک. زیرنویس ۸۱ این اختیار شامل بررسی موارد نقض حق حیات در مواقع درگیری‌های مسلحانه و نقض حقوق بشردوستانه بین‌الملل می‌باشد. نگاه کنید به سؤال نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در هر گوشه جهان، با اشاره مخصوص به کشورهای مستعمره و دیگر کشورها و سرزمین‌های وابسته [ Questions of the Violation of Human Rights and Fundamental Freedoms in Any Part of the World, with Particular Reference to Colonial and Other Dependent Countries and Territories ]، سند سازمان ملل E/CN.4/1993/46 (۲۳ دسامبر ۱۹۹۲).

<sup>۸۳</sup> گزارش هیئت ویژه حل اختلاف ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴ پاراگراف ۷ (اف)، رک. زیرنویس ۶۸.  
<sup>۸۴</sup> نگاه کنید به دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در حقوق بشر، هیئت ویژه حل اختلاف در مورد اعدام‌های فراقضایی، شتابزده و خودسرانه، اختیارات، قابل دسترسی در [www.unhchr.ch/html/menu2/7/b/execut/exe\\_mand.htm](http://www.unhchr.ch/html/menu2/7/b/execut/exe_mand.htm) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۸۵</sup> برای مثال نگاه کنید به دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در حقوق بشر، گزارش هیئت ویژه حل اختلاف، سند سازمان ملل A/HRC/4/20 (۲۹ ژانویه ۲۰۰۷)؛ گزارش هیئت ویژه حل اختلاف ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴، پاراگراف ۵۰، رک. زیرنویس ۶۸.

<sup>۸۶</sup> به طور کلی نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵؛ «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵.  
<sup>۸۷</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۸۸</sup> قطعنامه مجمع عمومی ۵۱/۱۰۷، پاراگراف‌های ۱، ۶، ۹، ۱۰، سوابق رسمی مجمع عمومی سازمان ملل، نشست ۵۱، سند سازمان ملل A/RES/51/10، (۳ مارس ۱۹۹۷).

مقامات دیگر کشورها در بررسی و مجازات تخلفاتی که توسط آنها گزارش می‌شود، صمیمانه همکاری نماید.<sup>۸۹</sup>

به علاوه قطعنامه‌های سازمان ملل، هیئت ویژه حل اختلاف نیز شماری از اعدامهای فراقضایی را که توسط جمهوری اسلامی انجام شده در گزارشهای سالهای ۱۳۷۲، ۱۳۷۵، و ۱۳۷۶ خود مستند نموده است.<sup>۹۰</sup> هیئت حل اختلاف با گزارشهای متعددی که لیست مشروح و طولانی اعدامهای تحت حمایت دولت را با جزئیات نوشته است، به علاوه اعدامهایی که از ابتدایی‌ترین استانداردهای مربوط به رعایت تشریفات حقوقی اساسی و آئین نامه‌ای هم برخوردار نیستند،<sup>۹۱</sup> عدم توجه بیش‌رمانه رژیم به حمایت‌های اساسی مذکور در ماده ۶ این میثاق را شدیداً محکوم می‌نماید.<sup>۹۲</sup>

## ۴،۱،۲. وظیفه رعایت تشریفات حقوقی به دنبال یک «استماع عادلانه»

محافظتهای مذکور در ماده ۶ میثاق به طور تفکیک ناپذیری به وظائف کشورهای عضو در فراهم نمودن مراحل قضایی قانونی، پیش از آنکه حق حیات (یا آزادی) فردی را محدود کند، مختل نماید یا به کلی نابود سازد، مربوط می‌شود.<sup>۹۳</sup> وظیفه اجرای تشریفات قانونی در انجام مراحل قضایی در مواد (۲) ۶،<sup>۹۴</sup> و ۹ و ۱۴ میثاق آمده است.<sup>۹۵</sup> این مواد حداقل تضمینهایی را که می‌توان برای حفظ حقوق یک فرد در مراحل پیش از محاکمه، طی محاکمه و بعد از محاکمه در نظر گرفت یعنی در طول مراحل کیفرخواست، دستگیری، اعلام جرم، بازداشت، محکومیت، و تعیین مجازات، ارائه می‌دهند.<sup>۹۶</sup> بنابراین با توجه به این نکته، می‌توان نتیجه گرفت که با وجود لعاب و جلای قانونی جلوه دادن مراحل رسیدگی قضایی که متصل به «اعدامهایی» است که کشورهای امضاء کننده انجام می‌دهند، هر گونه محروم ساختن از حق حیات که این حداقل تضمینها را برآورده نسازد، قتل

<sup>۸۹</sup> همان.

<sup>۹۰</sup> نگاه کنید به گزارش هیئت ویژه حل اختلاف، آقای بیکر والی ندیایی [Mr. Bacre Waly Ndiaye]، سند سازمان ملل E/CN.4/1994/7 (۷ دسامبر ۱۹۹۳)؛ گزارش هیئت ویژه حل اختلاف، آقای بیکر والی ندیایی، سند سازمان ملل E/CN.4/1996/4 (۲۵ ژانویه ۱۹۹۶)؛ گزارش هیئت ویژه حل اختلاف، آقای بیکر والی ندیایی، سند سازمان ملل E/CN.4/1997/60/Add.1 (۲۳ دسامبر ۱۹۹۶).

<sup>۹۱</sup> برای مثال نگاه کنید به دفتر کمیسریای عالی سازمان ملل در حقوق بشر، «گزارش هیئت ویژه حل اختلاف، سند سازمان ملل A/HRC/4/20 (۲۹ ژانویه ۲۰۰۷) [ از این به بعد: «گزارش هیئت ویژه حل اختلاف ۲۹ ژانویه ۲۰۰۷»]؛ پروژه اعدامهای فراقضایی، مرکز حقوق بشر و عدالت جهانی، دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک، «جمهوری اسلامی ایران: دیدارها و ارتباطها» [PROJECT ON EXTRAJUDICIAL EXECUTIONS, ] CENTER FOR HUMAN RIGHTS AND GLOBAL JUSTICE, N.Y.U SCHOOL OF LAW, Islamic Republic of Iran: Visits and Communications]، قابل دسترسی در [www.extrajudicialexecutions.org/communications/iran.html](http://www.extrajudicialexecutions.org/communications/iran.html) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۹۲</sup> این یافته‌ها هیئت ویژه حل اختلاف را بر آن داشت تا چنین نتیجه بگیرد که هیچ کشور دیگری تا کنون چنین روال نابسامان و مداومی در کشتارهای فراقضایی نداشته است. گزارش هیئت ویژه حل اختلاف ۲۹ ژانویه ۲۰۰۷، پاراگراف ۱۷، رک. زیرنویس ۹۱.

<sup>۹۳</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰، ماده ۶.

<sup>۹۴</sup> ماده (۲) ۶ می‌گوید: «مجازات مرگ می‌تواند به دنبال قضاوت نهایی توسط یک دادگاه ذی‌صلاح صورت گیرد». همان، ماده (۲) ۶.

<sup>۹۵</sup> میثاق حقوق مدنی و سیاسی، رک. زیرنویس ۱۰، مواد ۹ و ۱۴.

<sup>۹۶</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی ۳۲، ماده ۱۴: حق تساوی در برابر دادگاهها و برخورداری از یک محاکمه عادلانه [General Comment 32, Article 14: Right to Equality Before Courts and to a Fair Trial]، پاراگراف ۳۱، سند سازمان ملل CCPR/C/GC/32 (۲۳ اوت ۲۰۰۷) [از این به بعد: «تفسیر عمومی ۳۲»].

فراقضایی به حساب آمده و مطابق حقوق بین الملل ممنوع می‌باشد.<sup>۹۷</sup> ماده ۶ میثاق حکم می‌کند که مجازات مرگ «تنها می‌تواند به دنبال یک قضاوت نهایی و توسط یک دادگاه ذی صلاح صورت گیرد».<sup>۹۸</sup> ماده ۹ کلاً فراهم کننده «حق آزادی و امنیت شخصی» می‌باشد که دستگیریهایی خودسرانه، بازداشت یا محرومیت از حق آزادی افراد را توسط دولت امضاء کننده یا عوامل امنیتی آن ممنوع می‌سازد. هر اقدامی که به منظور محدود ساختن آزادی و امنیت شخصی یک فرد صورت گیرد<sup>۹۹</sup> باید با تأمینهای کافی، جدی و شکلی منعکس در قانون معتبر کشور عضو، تطابق داشته باشد.<sup>۱۰۰</sup> این محافظت شامل برخورداری از حق اطلاع یافتن فرد از دلیل دستگیری او (به هنگام جریان دستگیر کردن آن فرد) و اتهامات وارده،<sup>۱۰۱</sup> حق برخورداری از استماعی که قانونی بودن بازداشت شخص را ارزیابی نماید،<sup>۱۰۲</sup> و حق برخورداری از یک محاکمه به موقع در حضور یک دادگاه ذی صلاح می‌باشد.<sup>۱۰۳</sup> تأمینهای مذکور در ماده ۹ این میثاق اساساً در طی مراحل پیش از محاکمه و حبس فرد به دلیل محکومیت کیفری وی مطرح می‌گردند.<sup>۱۰۴</sup>

تضمینهایی که مطابق میثاق مزبور در طی محاکمه و پس از آن به افراد داده می‌شود، بیشتر در ماده ۱۴ میثاق ذکر گردیده‌اند.<sup>۱۰۵</sup> حمایت‌های مذکور در ماده ۱۴ را به طور کلی می‌توان اینگونه توصیف نمود که کشور عضو را ملزم می‌دارد تا برای تمام افرادی که به نقض قوانین کیفری داخلی متهم گردیده‌اند، جلسه «استماع عادلانه» برگزار نماید.<sup>۱۰۶</sup> اصل «استماع عادلانه» تضمینهای مختلفی را عنوان می‌کند که موارد ذیل را شامل می‌شود (اگرچه به آنها محدود نمی‌گردد): حق تساوی (شامل تساوی دسترسی) در برابر دادگاه،<sup>۱۰۷</sup> حق فرض بر بی‌گناهی شخص مگر آنکه گناهکار بودنش ثابت گردد،<sup>۱۰۸</sup> حق برخورداری از مشاوره حقوقی،<sup>۱۰۹</sup> حق بازپرسی متقابل شهود<sup>۱۱۰</sup> و حق استیناف از رأی دادگاه به یک هیئت داور عالی‌رتبه‌تر.<sup>۱۱۱</sup> به علاوه، این میثاق درخواست

<sup>۹۷</sup> کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، گزارش هیئت ویژه حل اختلاف در اعدامهای فراقضائی، شتابزده، یا خودسرانه، شفافیت و تحمیل مجازات مرگ، سند سازمان ملل E/CN.4/2006/53Add.3 (۲۴ مارس ۲۰۰۶)

<sup>۹۸</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰، ماده ۶.

<sup>۹۹</sup> همان، ماده ۹.

<sup>۱۰۰</sup> همان، ماده (۱) ۱۵، رک. زیرنویس ۱۰ (از طریق قوانین عطف به ماسبق مجازات را ممنوع می‌کند)، «بنگه علیه زئیر» [Mbenge v. Zaire]، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیام ۱۶/۱۹۷۷، سند سازمان ملل (A/38/40) 40 بخش ۱۳۴، پاراگراف ۱۷ (۱۹۸۳) («این نیازمند آن است که هم قانون ماهیتی و هم آیین نامه حقوقی که مجازات مرگ بر اساس آنها وضع شده است، با شرایط مذکور در میثاق مغایرتی نداشته باشد و همچنین این مجازات مرگ بر اساس آن قانون و بنابراین مطابق با شرایط این میثاق وضع گردید باشد»).

<sup>۱۰۱</sup> «میثاق حقوق مدنی»، رک. زیرنویس ۱۰، ماده (۲) ۹.

<sup>۱۰۲</sup> همان، ماده (۴) ۹؛ همچنین نگاه کنید به همان، ماده (۵) ۹ (که اجازه می‌دهد برای بازداشت غیرقانونی غرامت عادلانه دریافت شود).

<sup>۱۰۳</sup> همان، ماده (۳) ۹؛ همچنین نگاه کنید به همان، ماده (۳) ۱۴.

<sup>۱۰۴</sup> نگاه کنید به تفسیر عمومی ۳۲، پاراگراف ۳۱، رک. زیرنویس ۹۶.

<sup>۱۰۵</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰، ماده ۱۴؛ همچنین نگاه کنید به «ویسته علیه کلمبیا» [Vicente v. Colombia]، پاراگراف ۸، ۷، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیام ۱۲/۱۹۹۵، سند سازمان ملل CCPR/C/56/D/612/1995 (۱۴ مارس ۱۹۹۶)؛ «مک لورنس علیه جامائیکا» [McLawrence v. Jamaica]، پاراگراف ۵، ۹، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیام ۷۰۲/۱۹۹۶، سند سازمان ملل CCPR/C/60/D/702/1996 (۱۸ ژوئیه ۲۰۰۷) (با توجه به اینکه وظیفه مطلع ساختن متهم بر طبق ماده ۱۴، «از وظیفه مربوط به ماده ۹، دقیق‌تر است»).

<sup>۱۰۶</sup> نگاه کنید به قانون آنلاین، دفتر مؤسسات دموکراتیک و حقوق بشر، (حق محاکمه عادلانه) [LEGISLATION ONLINE, OSCE OFFICE FOR ]، قابل دسترسی در [www.legislationonline.org](http://www.legislationonline.org) [DEMOCRATIC INSTITUTIONS AND HUMAN RIGHTS, Fair Trial (Right to a)] (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۱۰۷</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰، ماده (۱) ۱۴.

<sup>۱۰۸</sup> همان، ماده (۲) ۱۴. این بر اساس تفسیر عمومی ۳۲ یک حق بشری اساسی است. نگاه کنید به تفسیر عمومی ۳۲، رک. زیرنویس ۹۶.

<sup>۱۰۹</sup> میثاق حقوق مدنی و سیاسی، رک. زیرنویس ۱۰، ماده (b و d) (۳) ۱۴.

<sup>۱۱۰</sup> همان، ماده (e) (۳) ۱۴.

می‌کند که شخص «از محاکمه حضوری برخوردار شود».<sup>۱۱۲</sup> برآوردن چنین ضرورت‌هایی عموماً مانع از انجام یک محاکمه غیابی می‌شود.<sup>۱۱۳</sup> چنین محاکماتی فقط تحت شرایط خاص مجاز می‌باشند، یعنی هنگامی که دولت «با در نظر داشتن اطلاع رسانی به [شخص متهم] درباره جریان قریب الوقوع دادرسی و در نتیجه قادر ساختن شخص به تهیه دفاع از خود، تلاش‌های لازم را انجام داده باشد».<sup>۱۱۴</sup>

به احتمال قوی مهمترین تضمینی که در اصل «استماع عادلانه» که در ماده ۱۴ گنجانده شده، بیان کننده این است که تمام افراد بر طبق استانداردهای بین‌المللی ای که در اصول اساسی سازمان ملل درباره استقلال قوه قضائیه<sup>۱۱۵</sup> تدوین گردیده است، «مجازند از جلسه استماع عادلانه و عمومی یک دادگاه ذی‌صلاح، مستقل و بی‌طرف که بر اساس قانون پایه ریزی شده است، برخوردار باشند». صلاحیت دادگاه مستلزم آن است که دادگاه کشور امضاء کننده این میثاق، مطابق قوانین موضوعه مربوط به اتهام فرد، از صلاحیت قضایی مکانی و زمانی لازم برخوردار باشد.<sup>۱۱۶</sup> استقلال دادگاه، از طرف دیگر، بر پایه مجزا بودن قوا از یک دیگر استوار است و مستلزم آن است که دادگاه‌ها و نهاد قضایی از دخالت و اعمال نظرهای نا بجای دیگر شعب دولت محفوظ باشند.<sup>۱۱۷</sup> و بالاخره بی‌طرفی دادگاه نیازمند آن است که نهاد قضایی مراحل دادرسی را عادلانه و فارغ از هر گونه گرایش درباره نتیجه نهایی پرونده، به انجام رساند.<sup>۱۱۸</sup>

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخی از حقوق تضمین شده مراحل آئین دادرسی و تأمینهای «استماع عادلانه» مذکور در مواد ۹ و ۱۴ میثاق را مطرح می‌نماید. برای مثال قانون اساسی موضوعات تساوی در برابر قانون،<sup>۱۱۹</sup> انجام سریع مراحل تعیین اتهام فرد بازداشت شده مطابق قوانین موجود،<sup>۱۲۰</sup> دسترسی و توسل قضایی به یک دادگاه ذی صلاح،<sup>۱۲۱</sup> حق مشاوره حقوقی،<sup>۱۲۲</sup> حق تعیین مجازات (از جمله اعدام) به وسیله یک دادگاه

<sup>۱۱۱</sup> همان، ماده (۵) ۱۴.

<sup>۱۱۲</sup> همان، ماده (۳) (d) ۱۴.

<sup>۱۱۳</sup> نگاه کنید به «مینگه علیه ژئیر»، رک. زیرنویس ۱۰۰، ص. ۱۳۴.

<sup>۱۱۴</sup> همان، ۱۴،۱ (قضاوت غیابی مستلزم آن است که با وجود غیبت متهم، تمام تذکرات به موقع برای مطلع ساختن وی درباره تاریخ و محل محاکمه و درخواست حضور وی داده شده باشد. در غیر این صورت اگر به متهم به ویژه وقت و امکانات لازم برای تهیه دفاعیه خود داده نشود (ماده (b) (۳) ۱۴)، وی قادر نخواهد بود تا با انتخاب کمک‌های حقوقی دلخواه خود از خود دفاع نماید (ماده (d) (۳) ۱۴) و نیز امکان آن را نخواهد داشت از شهودی که بر علیه وی هستند بازپرسی نماید، و متقابلاً حضور شهود و بازپرسی آنها از جانب وی نیز انجام نخواهد شد. (ماده (e) (۳) ۱۴)).

<sup>۱۱۵</sup> اتخاذ شده توسط هفتمین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جنایت و طرز مقابله با متخلفان، که از تاریخ ۲۶ اوت تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ در میلان برگزار گردید و توسط قطعنامه‌های ۴۰/۳۲، سند سازمان ملل A/RES/40/32 (۲۹ نوامبر ۱۹۸۵) و ۴۰/۱۴۶، سند سازمان ملل A/RES/40/146 (۱۳ دسامبر ۱۹۸۵) مجمع عمومی مورد تأیید قرار گرفت [از این به بعد: «اصول بنیادی سازمان ملل درباره قوه قضائیه»].

<sup>۱۱۶</sup> همان، پاراگراف ۳.

<sup>۱۱۷</sup> نگاه کنید به همان، پاراگراف‌های ۱-۲، ۴، ۶. اصول بنیادی سازمان ملل درباره استقلال قوه قضائیه همچنین چند ویژگی ضروری دیگر را نیز برای نبل به استقلال قوه قضائیه در نظر می‌گیرد، از جمله در نظر گرفتن شرایط عینی برای انتخاب قضات و ارزیابی کیفی آنها، تضمین دوره تصدی آنها، و وجود آئین نامه انضباطی عادلانه برای برکنار نمودن قضات. همان، پاراگراف‌های ۲۰-۱۰.

<sup>۱۱۸</sup> همان، پاراگراف‌های ۲ و ۴؛ همچنین نگاه کنید به «اولو باهامونده علیه گینه استوائی» [Olo Bahamonde v. Equatorial Guinea]، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیام ۴۶۸/۱۹۹۱، سند سازمان ملل CCPR/C/49/D/468/1991 (۱۹۹۳)؛ «فیندلی علیه بریتانیای کبیر» [Findlay v. UK]، سند شماره ۲۲۱۰۷/۹۳ (۲۵ فوریه ۱۹۹۷).

<sup>۱۱۹</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین ۱۳۵۸، ماده ۲۰، قابل دسترسی در [www.servat.unibe.ch/icl/ir00000.html](http://www.servat.unibe.ch/icl/ir00000.html) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸) [از این به بعد: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»].

<sup>۱۲۰</sup> همان، ماده ۳۲.

<sup>۱۲۱</sup> همان، ماده ۳۴.

دارای صلاحیت،<sup>۱۲۳</sup> و فرض بر بی‌گناهی متهم را ذکر می‌کند.<sup>۱۲۴</sup> وجود چنین مقرراتی در قانون اساسی دلالت بر آن دارد که رژیم سعی می‌کند از تضمینهای موجود در مواد ۲، ۹، و ۱۴ تبعیت نماید، و حداقل اقراری ضمنی است بر آنکه رژیم در ارتباط با شرایط «استماع عادلانه» این میثاق خود را ملزم می‌داند. اما با وجود تمامی این مصونیت‌های تدوین شده، شواهد قاطعی نشان می‌دهند که این تأمینهای برشمرده شده یا اصولاً در برآورده ساختن تمامی شرایط حداقل میثاق ناکام هستند و یا اینکه مقامات مربوطه آگاهانه لزوم اعمال این مقررات را در عمل نادیده می‌گیرند.<sup>۱۲۵</sup>

از سال ۱۳۵۸ قوه قضائیه ایران و آن دسته از روحانیونی که به صورتی نامشخص به این قوه وابسته‌اند، کشتار تعداد بیشماری از ناراضیان سیاسی را مورد حمایت و تأیید قرار داده‌اند. مشخصه دوران بلافاصله پس از سقوط رژیم شاه، محکومیت‌های فراقضایی، حبسها و اغلب اعدام‌های شتابزده صدها چهره سیاسی بود که توسط دادگاه‌های موقت انقلاب صورت می‌گرفت.<sup>۱۲۶</sup> اگر فرد متهم در بازداشت نبود و یا از کشور گریخته بود، محاکمات شتابزده اجرا شده و حکم مجازات اعدام به طور غیابی صادر می‌گردید.<sup>۱۲۷</sup>

به علاوه احکام اعدام صادره توسط دادگاه‌های موقت، کشتارهای مورد حمایت دولت هم از طریق تأیید فتاوی توسط قوه قضائیه صورت می‌گرفت. در طی بیست و نه سال گذشته در ارتباط با اعدام یا ترور افرادی که ادعا می‌شد «جنایتکار» یا دشمن اسلام هستند، رژیم غالباً به صدور فتواها تکیه کرده است.<sup>۱۲۸</sup> این احکام معمولاً توسط رهبر انقلاب و یا دیگر اعضای عالی‌رتبه روحانی که غالباً عضو سیستم دادگاه مدنی کشور نیستند صادر می‌شوند.<sup>۱۲۹</sup> فتاوی به خودی خود قابل اجرا هستند؛ آنها مقامات رسمی قوه قضائیه و مجریه (یعنی دادستانها) را مجبور و ملزم می‌سازند تا فرمان قانونی اجرای مجازات مرگ را صادر نمایند، حتی اگر «فرد متخلف» در خارج از قلمرو قضایی جمهوری اسلامی به سر برد.<sup>۱۳۰</sup> در نتیجه چنین احکامی به ندرت به دنبال اجرای یک محاکمه واقعی غیابی، اگر هرگز چنین محاکمه‌ای واقع شده باشد، تحت رهبری یک دادگاه مستقل و بی‌طرف صادر می‌شوند. اظهارات آیت‌الله خلیلی، حاکم شرعی که مسئولیت ترور شه‌ریار شفیق را به عهده گرفت و کشتار مقامات عالی‌رتبه رژیم سابق همچون ارتشبد اویسی را مورد حمایت قرار داد، آشکار می‌سازد که تا چه اندازه قوه

<sup>۱۲۲</sup> همان، ماده ۳۵.

<sup>۱۲۳</sup> همان، ماده ۳۶.

<sup>۱۲۴</sup> همان، ماده ۳۷.

<sup>۱۲۵</sup> برای مثال نگاه کنید به «قاضی تصمیم می‌دارد که تیم خانواده شاه را خواهد کشت»، گلوب اند میل، [Team Will Kill Shah's Family, *Judge Vows, THE GLOBE AND MAIL* (کانادا)، ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (به نقل از صادق خلیلی که اظهار داشته بود «ما بدون محاکمه، تمام اعضای این خانواده را خواهیم کشت، شاه [ملکه فرح دیبا]، تمام آنها و تمام مقامات عالی‌رتبه رژیم سابق و [نخست وزیر سابق، شاپور] بختیار»؛ همچنین نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، ضمیمه ۳.

<sup>۱۲۶</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۵-۶؛ همچنین نگاه کنید به دیوید منشری، «ایران: یک دهه جنگ و انقلاب» [DAVID MENASHRI, IRAN: A DECADE OF WAR AND REVOLUTION]، ص. ۸۳ (۱۹۹۰).

<sup>۱۲۷</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، پیوست ۳.

<sup>۱۲۸</sup> نگاه کنید به همان، پیوست ۴. یک نمونه از آن فتاوی سال ۱۳۵۹ رهبر انقلاب، آیت‌الله خمینی، درباره افراد درگیر در کودتای نوژه به منظور براندازی رژیم بود. نگاه کنید به همان.

<sup>۱۲۹</sup> فتوا را هیچ کس به جز همان روحانی مرجع صدور نمی‌تواند پس گرفته یا باطل نماید. نگاه کنید به همان.

<sup>۱۳۰</sup> نگاه کنید به همان، پیوست ۵.



قضائیه ایران اساساً مانند یک مهر قبولی برای فتاوی صادره از مقام رهبری عمل می‌کند.<sup>۱۳۱</sup> مثالهای دیگر شامل حکم ترور منوچهر گنجی<sup>۱۳۲</sup> است که توسط دادستان کل جمهوری اسلامی و به دنبال فتوایی که از طرف یک روحانی عالیرتبه اعلام شده بود صادر گردید.<sup>۱۳۳</sup>

شیوه کار رژیم در صدور فتوا (و احکام قتل همراه با آن) تمامی اصول «استماع عادلانه» را که هم در میثاق و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان گردیده، زیر پا می‌گذارد. فتاوی از آنجایی که توسط افرادی صادر می‌شوند که از ضوابط سنجش عینی مربوط به انتصاب، انتخاب و کارایی قضات مدنی برخوردار نیستند و غالباً در خدمت اهداف قوه مقننه و مجریه به کار گرفته می‌شوند که ربطی به اداره امور سیستم قضایی مدنی مملکت ندارد، به طور قابل توجهی استانداردهای بین‌المللی در مورد اهلیت، استقلال، و بی‌طرفی هیئت داوری را نقض می‌کنند.<sup>۱۳۴</sup> رژیم با انجام نامناسب دادرسی و حدود اجرایی سعی دارد به اعمالی دست زند که یا نمی‌تواند از طریق مجاری مناسب قانونی به آنها توفیق یابد و یا اینکه مطابق حقوق بین‌الملل از انجام آنها منع گردیده است.<sup>۱۳۵</sup> این شیوه صدور فتوا آشکارا حق شخص را برای برخورداری از یک محاکمه عادلانه، حتی اگر به طور غیابی هم باشد، نقض می‌نماید.<sup>۱۳۶</sup>

دخالت شدید قوه قضائیه در کشتارهای تحت حمایت حکومت، نشانگر شکاف عظیمی میان آن حداقل تضمینهای یک استماع عادلانه که در ماده ۱۴ میثاق آمده و عدالت مورد نظر رژیم ایران می‌باشد. بررسی ساختار و عملکرد قوه قضائیه و مقامات آن، به ویژه سیستمی را آشکار می‌سازد که در برآورده کردن شرایط صلاحیت، استقلال و بی‌طرفی مندرج در این میثاق، به کلی ناتوان بوده است. بنابراین تعجبی نیست اگر در طول زمان، رژیم به راحتی تصمیم گرفته است که نمایش قانونی جلوه دادن خط مشی خود در کشتار دگراندیشان سیاسی که با حمایت دولت و از طریق قوه قضائیه انجام گرفته را کنار بگذارد، و در عوض به یک سلسله عملیات مخفیانه ترور جهانی متوسل شود که تا حد وسیعی توسط نهادهای اجرایی مانند وزارت اطلاعات برنامه‌ریزی و اجرا شده است.

## ۴،۱،۳. وظیفه تحقیق، تنبیه عاملان یا پرداخت غرامت به ستمدیدگان

<sup>۱۳۱</sup> نگاه کنید به همان، ص. ۱۶، پیوست ۳؛ همچنین نگاه کنید به همان، ص. ۳۱ (که اظهارات حجت الاسلام قرائتی را در ارتباط با ترور کاظم رجوی بیان می‌دارد).

<sup>۱۳۲</sup> گنجی یکی از وزرای سابق است که در زمان شاه خدمت می‌کرده و رهبر حزب سلطنت طلب درفش کاویانی می‌باشد. نگاه کنید به همان، صص. ۳۷-۳۹.

<sup>۱۳۳</sup> نگاه کنید به همان، پیوست ۵.

<sup>۱۳۴</sup> علاوه بر آن، این روحانیون توسط مؤسسات مذهبی منصوب می‌گردند که هیچ‌گونه معیار سنجش عینی را به کار نمی‌بندند. ناظر حقوق بشر، گزارش جهانی ۱۳۸۰، «ایران: تحولات حقوق بشر» [Iran: Human Rights Developments]، قابل دسترسی در [www.hrw.org/wr2k1/mideast/iran.html](http://www.hrw.org/wr2k1/mideast/iran.html) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۱۳۵</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۳۶</sup> نگاه کنید به زیرنویسهای ۱۱۴-۱۱۲ و متون همراه آنها.

بر اساس ماده (۳) ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تمام کشورهای عضو متعهد به انجام اقداماتی هستند که تضمین نمایند افراد در صورت محروم شدن از حقوق این میثاق، از «جبران مؤثر» خسارت وارده بهره‌مند گردند.<sup>۱۳۷</sup> این جبران باید توسط «مقامات ذی صلاح قضائی، اداری یا قانونگذار» تأمین گردد.<sup>۱۳۸</sup> این حق دریافت غرامت دلالت بر آن دارد که دولتها موظفند درباره موارد نقض این میثاق تحقیق نموده و آن را تحت پیگرد قرار دهند.<sup>۱۳۹</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد یک سری از پرونده‌ها به این نتیجه رسید که ماده (۳) ۲ مقامات دولتی را متعهد می‌سازد در مورد ادعاهای موارد نقض این میثاق، از جمله قتل‌های فراقضائی، اعدام و شکنجه تحقیق نموده و عدالت را درباره عاملان اجرا نماید.<sup>۱۴۰</sup> وظیفه تحقیق و تحت پیگرد قرار دادن موارد نقض حق حیات اکنون احتمالاً به سطح قانون عرفی در حقوق بین‌الملل ارتقاء یافته است.<sup>۱۴۱</sup> در حالی که ماده ۲ میثاق صراحتاً از کشورهای عضو می‌خواهد موارد اساسی تخطی از میثاق را مورد بررسی و پیگرد قرار دهند، اگر قرار است اصل «جبران مؤثر» میثاق جدی تلقی شود باید به اصول پیشگیری مؤثر و بررسی اعمال فراقانونی، خودسرانه و شتابزده که معیارهای بین‌المللی را تدوین می‌نماید مراجعه کرد.<sup>۱۴۲</sup> این استانداردها، ضوابط ذاتی و شکلی را مطرح می‌سازند که هم مربوط به اجرای تحقیقات می‌شوند و هم به طرح و وضعیت جریان دادرسی و پیگرد افرادی که گفته می‌شود مرتکب این جرائم شده‌اند می‌انجامند. در ارتباط با نحوه عملکرد در یک جریان قضایی مناسب که هدفش پیگرد مرتکبین باشد، این اصول حکم می‌کنند که تمام افرادی که در نتیجه تحقیقات معلوم شود در قتل‌های فراقضایی دست داشته‌اند باید «به موجب قانون با آنان برخورد شود».<sup>۱۴۳</sup> «غرامت عادلانه و کافی» نیز باید «در طی زمان معقول» به خانواده‌های قربانیان تأدیه گردد.<sup>۱۴۴</sup> تا این تاریخ رژیم ایران هیچ گونه تحقیق و بررسی درباره ترور دشمنان خود در خاک بیگانه را آغاز نکرده است. رژیم نه تنها از زیر بار مسئولیت خود در برابر حقوق بین‌الملل شانه خالی می‌کند، بلکه فعالانه از انجام تحقیقات مؤثر

<sup>۱۳۷</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۱۰، ماده (۳) ۲.

<sup>۱۳۸</sup> همان، (b) ۲(۳).

<sup>۱۳۹</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۴۰</sup> برای مثال نگاه کنید به «درمیت بارباتو علیه اوروگوئه» [Dermitt Barbatto v. Uruguay]، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیام شماره ۸۴/۱۹۸۱، سند سازمان ملل CCPR/C/OP/2، ص. ۱۱۲ (۱۹۹۰)؛ نگاه کنید به «موتبا علیه زئیر» [Muteba v. Zaire]، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیام شماره ۱۲۴/۱۹۸۲، سند سازمان ملل 40 (A/39/40)، ص. ۱۸۲ (۱۹۸۴)؛ «باتیستا دو آرالانا علیه کلمبیا» [Bautista de Arellana v. Colombia]، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، پیام شماره ۵۶۳/۱۹۹۳، سند سازمان ملل CCPR/C/55/D/563/1993 (۱۹۹۵).

<sup>۱۴۱</sup> هم دادگاه حقوق بشر اروپا و هم دادگاه حقوق بشر آمریکا حکم بر آن داده‌اند که کشورهای عضو وظیفه دارند بر اساس کنوانسیونهای منطقه‌ای حقوق بشر برای خانواده‌های قربانیان قتل‌های فراقضایی جبران مؤثر فراهم آورند، و این جبران خسارت، ذاتاً وظیفه تحقیق، پیگرد، مجازات و نیز تأمین غرامت عادلانه را به همراه دارد. برای مثال نگاه کنید به «آدالی علیه ترکیه» [Adali v. Turkey]، سند ۳۱، مارس ۲۰۰۵؛ «پرونده میرنا مک چنگ» [Myrna Mack Chang]، تاریخ قضاوت ۲۵ نوامبر ۲۰۰۳، دادگاه حقوق بشر آمریکا [Inter-American Court of Human Rights]، پرونده شماره ۱۰۱ (۲۰۰۳).

<sup>۱۴۲</sup> نگاه کنید به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل [ECOSOC]، قطعنامه ۱۹۸۹/۶۵، ۳ خرداد ۱۳۶۸. همچنین نگاه کنید به سازمان عفو بین‌الملل، «برنامه چهارده ماده‌ای برای پیشگیری از قتل‌های فراقضایی» [Amnesty International, Fourteen Point Program for the Prevention of Extrajudicial killings]، بازنویسی در عفو بین‌الملل آمریکا، «بولیوی: در انتظار عدالت: شکنجه، قتل‌های فراقضایی، و آیین دادرسی» [Bolivia: Awaiting Justice: Torture, Extrajudicial Executions, and Legal Proceedings]، پیوست ۴، سپتامبر ۱۹۹۶، قابل دسترسی در [www.amnestyusa.org/document.php?lang=e&id=A589B0C1996080B9802569000069344D](http://www.amnestyusa.org/document.php?lang=e&id=A589B0C1996080B9802569000069344D) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۱۴۳</sup> «برنامه ۱۴ ماده‌ای»، زیرنویس ۱۴۲، اصل ۱۸ («منع اعدام‌های فراقضایی و محافظت‌های اساسی برای پیشگیری از آن تحت هیچ شرایطی از جمله مواقع جنگ و دیگر وضعیت‌های اضطراری عمومی، نباید به حال تعلیق درآید»).

<sup>۱۴۴</sup> همان، اصل ۲۰.

توسط دولتهای خارجی درباره ترور دگراندیشان ایرانی در خاک آنها نیز ممانعت به عمل می‌آورد.<sup>۱۴۵</sup> این امر با توجه به شواهد فزاینده‌ای که دلالت بر دخالت مقامات رسمی و دولتی وابسته به وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای دولتی دارد، شکفت آور نیست.<sup>۱۴۶</sup> از اینها گذشته، عدم موفقیت رژیم در بررسی و تعقیب قانونی مسئولان این جنایات، و نیز تأدیه «جبران مؤثر» به قربانیان چنین جنایاتی، نقض میثاق و ضوابط عرفی حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید.

ضمناً شواهد محکم و فراوانی وجود دارند که نشان می‌دهند دولتهای چند کشور اروپایی پس از قتل ایرانیان دگراندیش در حوزه قضایی آنها، در عمل به وظایفشان برای تأمین «جبران مؤثر» خسارات (اگر بی‌فکر و بی‌پروا عمل نکردند) قطعاً مسامحه کردند.<sup>۱۴۷</sup> این مسامحه نیز می‌تواند نقض ماده ۲ میثاق به حساب آید. یک نمونه فوق‌العاده بد و اسفناک مسامحه دولتهای اروپایی در برآورده ساختن مسئولیتهای مندرج در ماده ۲، واکنش تأسف بار دولت اتریش به قتل دکتر عبدالرحمن قاسملو است که انتقادهای شدیدی را از طرف منابع بی‌شمار داخلی و بین‌المللی موجب گردید.<sup>۱۴۸</sup> همان طور که در گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران، راجع به عملیات جهانی ترور جمهوری اسلامی ایران مشخص شده، غفلت مقامات اتریشی تمام سطوح تحقیقات جنایی را فرا گرفته بود.<sup>۱۴۹</sup> علیرغم اظهارات ضد و نقیض مظنونان اصلی و نتیجه‌گیریهای اولیه واحد ویژه ضد تروریست اتریش که دست داشتن عناصر عالیرتبه رژیم را در این واقعه شدیداً ابراز می‌داشت، این دو مظنون توسط پلیس اتریش به فرودگاه اسکورت شده و اجازه یافتند کشور را ترک نمایند.<sup>۱۵۰</sup> نتیجه‌گیریهای اولیه واحد ویژه ضد تروریسم بعداً با شواهد بیشتر تقویت شده و نهایتاً قرار بازداشت این افراد توسط دادستان اتریش سه ماه پس از اینکه افراد مظنون به فرودگاه اسکورت شده بودند، صادر شد.<sup>۱۵۱</sup> هنگامی که بیوه دکتر قاسملو برعلیه دولت اتریش اقامه دعوی نموده و آنان را متهم ساخت که آگاهانه و به دلیل ملاحظات سیاسی نابجا مقامات مربوطه را از انجام تحقیقات فوری و کارآمد درباره ترور همسرش بازداشته‌اند، پرونده وی به علت عدم صلاحیت قضایی دادگاه رد شد.<sup>۱۵۲</sup>

رد درخواست دولت سوئیس توسط فرانسه مبنی بر استرداد مظنونانی که گفته می‌شد در ترور کاظم رجوی دست داشته‌اند نمونه چشمگیر دیگری از نقض محتمل ماده ۲ توسط یک کشور اروپایی است.<sup>۱۵۳</sup> در پی رأی یک

<sup>۱۴۵</sup> برای مثال نگاه کنید به «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵، صص. ۱۹-۱۸؛ «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۴۸-۴۹ (اسنادی ارائه می‌دهد که نشانگر پاسخهای گنگ و دو پهلوئی دولت ایران است به این اتهامات که عناصر داخل رژیم مسئول ترور محمد حسین نقدی بودند)؛ همچنین نگاه کنید به همان، ص. ۳۲ (شرحی است از اقامه دعوی دولت ایران در دادگاه سوئیس بر علیه گزارشگری که مقاله‌ای نوشته و در آن رئیس جمهور ایران رفسنجانی را متهم ساخته بود که طراح اصلی ترور کاظم رجوی بوده است).

<sup>۱۴۶</sup> برای مثال محمد جعفر شاهرودی و مهدی هادوی مقدم در ترور دکتر قاسملو در وین، اتریش، دست داشتند.

<sup>۱۴۷</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۲۷-۳۰.

<sup>۱۴۸</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۴۹</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۵۰</sup> همان، ص. ۲۸.

<sup>۱۵۱</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۵۲</sup> همان، ص. ۲۹.

<sup>۱۵۳</sup> نگاه کنید به همان، صص. ۳۲-۳۳.

دادگاه فرانسوی که قانونی بودن استرداد دو فراری درگیر در قتل رجوی به سوئیس را تأیید می‌کرد، فرانسه از انجام این کار امتناع ورزید.<sup>۱۵۴</sup> در رد درخواست استرداد، دفتر نخست وزیر فرانسه «دلالتی مربوط به منافع ملی [فرانسه]» را مطرح نمود که نشان می‌داد فرانسه نیز مانند اتریش نگران وقوع واکنش‌های تروریستی از طرف جمهوری اسلامی به دلیل مطابقت با شرایط ماده ۲ بود.<sup>۱۵۵</sup> اگرچه مسامحه فرانسه، از شرایط بررسی و جبران خسارت که درباره اتریش شامل می‌شد برخوردار نبود، اما پاسخ دولت فرانسه از برآورده ساختن «جبران مؤثر» که مدنظر این میثاق است جلوگیری کرد.

واکنش فرانسه، مانند عکس العمل دولت اتریش، درباره توانایی بعضی از دولتهای اروپایی برای تحقیق درباره ترورهای سیاسی یا دیگر اعمال تروریستی که در داخل مرزهای آنان صورت می‌گیرد و یا فراهم آوردن غرامتهای لازم در صورت بروز این حوادث، تردیدهایی شدیدی را بر می‌انگیزد. تمام دولتهایی که مستقیماً توسط عملیات ترورهای سیاسی برون مرزی ایران تأثیر پذیرفته‌اند باید برای هر گونه سهل انگاری که در انجام مسئولیت‌هایشان مطابق ماده ۲ میثاق مرتکب شده، پاسخگو باشند. هنگامی که شواهد دلالت می‌کند که این دولتها اجازه داده‌اند تأثیرات خارجی و فشارهای سیاسی نامناسب بر روی نتایج این تحقیقات تأثیر گذارد و در نتیجه آگاهانه جریان دادرسی و مراحل قضایی را فاسد و تباه کرده‌اند، محکومیت آنها باید به ویژه تشدید گردد.

## ۴,۲. دیگر حقوق تضمین شده

اضافه بر تضمینات حقوقی مهمی که مقررات حق حیات، تشریفات حقوقی و غرامت فراهم آورده‌اند، این میثاق حفظ آزادی اندیشه،<sup>۱۵۶</sup> بیان،<sup>۱۵۷</sup> تجمع،<sup>۱۵۸</sup> و انجمن<sup>۱۵۹</sup> افراد را نیز تضمین می‌نماید. این حقوق همچون حق حیات و استماع عادلانه، صراحتاً توسط قانون اساسی ایران نیز تضمین گردیده‌اند.<sup>۱۶۰</sup> اما به هر حال این امر غیر قابل انکار است که ترور دگراندیشان در خارج از کشور توسط رژیم تمامی این تأمینها را لغو می‌کند. در حقیقت عملیات ترور رژیم در خارج از کشور مشخص کننده پیوند مهمی است که میان حق حیات مذکور در میثاق و دیگر حقوق اساسی مانند حق آزادی اندیشه وجود دارد. قتل فراقضایی مخالفان سیاسی در خارج چیزی نیست مگر همان گسترش آزار و اذیتهای سیستماتیک رژیم که در داخل کشور بر روی دگراندیشان سیاسی، مذهبی،

<sup>۱۵۴</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۵۵</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۵۶</sup> میثاق حقوق مدنی، ماده ۱۸، رک. زیرنویس ۱۰.

<sup>۱۵۷</sup> همان، ماده ۱۹.

<sup>۱۵۸</sup> همان، ماده ۲۱.

<sup>۱۵۹</sup> همان، ماده ۲۲.

<sup>۱۶۰</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زیر نویس ۱۱۹، اصل ۲۳. این اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی عقیده و فکر را تضمین می‌نماید. اصل ۲۴ همین قانون آزادی مطبوعات را تضمین می‌نماید. همان، اصل ۲۴. اصل ۲۵ «محرمانه بودن ارتباطات» را تضمین می‌نماید. همان، اصل ۲۵. اصل ۲۶ آزادی انجمن را تضمین می‌کند. همان، اصل ۲۶. اصل ۲۷ آزادی تشکیل اجتماعات را تضمین می‌کند. همان، اصل ۲۷. علاوه بر آن اصول ۱۹ و ۲۷ حقوق فراگیری چون حق آزاد بودن از تبعیض و حق برخورداری از کرامت انسانی را تأمین می‌کند. همان، اصول ۱۹ و ۲۷.

و قومی صورت می‌گیرد. این عملیات یک ارعاب روانی و عملی است، و پیامی است به تمامی ناراضیانی که به بیرون از مرزهای کشور پناه آورده‌اند که دست «عدالت» رژیم تنها به پهنه کشور محدود نشده و نخواهد شد.

## ۵. مراجع حقوقی و مطالبه غرامت

عملیات ترور جهانی ایران بی‌شک بسیاری از قوانین داخلی و بین‌المللی را شکسته است. برای اینکه بتوان رژیم و مقامات رسمی آن و عناصری که از جانب آنها عمل کرده‌اند را برای این قانون شکنیها، مورد بازخواست قرار داد، شاکیان و وکلای آنها باید از مسیر قانونی صحیح وارد عمل شوند. با توجه به طبیعت فرا ملی کشتارهای غیر قانونی که در این گزارش به آنها اشاره شد، خانواده‌های قربانیان و وکلای آنها می‌توانند یا کانالهای قانونی داخلی و یا بین‌المللی را به منظور احقاق حق انتخاب نمایند. این انتخاب مستلزم برگزیدن دادگاه مناسب است و نیز باید کسب اطمینان نمود که دادگاه مورد نظر از صلاحیت قضایی لازم برای پیگرد عاملان برخوردار باشد.

مضافاً پیش از آنکه قربانیان و وکلایشان دادگاه مناسب را انتخاب نمایند، باید چگونگی جبران خسارت قابل پرداخت در نظر گرفته شود. جبران خسارت ممکن است به اشکال مختلفی باشد از قبیل محکومیت بین‌المللی، وضع تحریم بر علیه جمهوری اسلامی، جبران خسارت یا تأدیه غرامت علیه دولت یا افرادی که از جانب دولت عمل می‌کنند، و یا پیگرد قضایی و محکوم نمودن افرادی که مرتکب جنایت شده‌اند. کانالهای داخلی یا بین‌المللی ممکن است آمیزه‌ای از جبرانهای سیاسی و یا قضایی را فراهم آورند، اما فقط بعضی از این جبرانها می‌توانند مستقیماً برای قربانیان عملیات ترور ایران مفید باشند. برای مثال فشارهای بین‌المللی ممکن است بتوانند به تصویب قطعنامه‌ای توسط مجمع عمومی یا شورای امنیت سازمان ملل بیانجامند که مطابق قوانین عرفی و معاهده‌ای بین‌المللی، اعمال ایران را محکوم نمایند.<sup>۱۶۱</sup> اما چنین قطعنامه‌هایی، حتی اگر به اجرای یک سیستم تحریم شدید بر علیه جمهوری اسلامی هم منجر شوند، احتمالاً هنوز نمی‌توانند «جبران مؤثری» برای خانواده‌های قربانیان فراهم آورند. از طرف دیگر پیگرد موفقیت‌آمیز یک پرونده کیفری یا مدنی بر علیه رژیم یا عوامل آن، چه در دادگاه‌های داخلی صورت گیرد و چه در دادگاه‌های بین‌المللی، ممکن است بیشتر به حال قربانیان سودمند باشد.

با وجود اینکه تمرکز اصلی این گزارش بر روی قوانین بین‌المللی است که توسط جمهوری اسلامی نقض گردیده، اما قربانیان عملیات جهانی ترورهای سیاسی برون مرزی به احتمال زیاد باید در دادخواهی خویش

<sup>۱۶۱</sup> برای مثال نگاه کنید به اطلاعیه مطبوعاتی، شورای امنیت، «شورای امنیت محدودیتها را درباره فعالیتهای گسترش سلاحهای هسته‌ای ایران تشدید می‌کند، در مورد بانکهای ایرانی حساسیت بیشتری به خرج می‌دهد، از کشورها می‌خواهد محموله‌های تجاری را بازدید کنند» [ Press Release, Security Council, Security Council Tightens Restrictions on Iran's Proliferation-Sensitive Nuclear Activities, Increases Vigilance over Iranian Banks, Has States Inspect Cargo, SC/9268, ۳ مارس ۲۰۰۸]. این اقدامات ممکن است توسط دیگر کانالهای سازمان ملل نیز صورت گرفته باشند، مانند هیئت ویژه حل اختلاف، شورای حقوق بشر، یا کمیته حقوق بشر. نگاه کنید به گیدون مور، «جمهوری بوسنی - هرزگوین و اصل ۵۱: حقوق ذاتی و مسئولیتهای پاسخ داده نشده» [ Gideon Moor, *The Republic of Bosnia-Herzegovina and Article 51: Inherent Rights and Unmet Responsibilities*], ژورنال حقوق بین الملل فوردم، شماره ۱۸، صص. ۸۷۰، ۹۸-۸۹۶ (۱۹۹۵).

بیشتر بر روی قوانین کشوری تکیه کنند. دلیل این امر نیز واضح و آشکار است. به دلیل طبیعت فرامرزی این کشتارها، مسئولیتهای اولیه تحقیق و تعقیب قانونی به عهده کشور محل وقوع جرم خواهد بود زیرا که مسئول رسیدگی به جنایاتی که داخل مرزها و در قلمرو قضایی آن کشور اتفاق افتاده است می باشد. بنابراین کیفرخواست و پیگرد قانونی هم احتمالاً مطابق قوانین کیفری آن کشور تهیه خواهد شد. علاوه بر آن، اکثر دادگاههای جنایی و بین‌المللی، مانند دادگاه جنایی بین‌المللی (ICC) یا دادگاه بین‌المللی دادگستری (ICJ)، یا صلاحیت قضایی لازم را در مقابل ایران ندارند و یا پیش از اجرای دادرسی نیاز به کسب رضایت رژیم دارند. مشابهاً قربانیان نیز ممکن است در دادگاههای منطقه‌ای خاصی مثل دادگاه اروپایی حقوق بشر، راه چاره‌های محدودی داشته باشند. در حالی که دادرسی در چنین دادگاههایی ممکن است پای دولتهای اروپایی را هم به دلیل مسامحه کاریهانشان به میان بکشد و به صدور حکم پرداخت خسارت منجر شود، نهایتاً نمی‌تواند به مجازات افرادی که مسئولیت قتل‌های فراقضایی را به عهده داشته‌اند منتهی گردد. این مطلب در مورد غرامتهایی که از طریق کانالهای بین‌المللی غیر قضایی همچون سازمان ملل تأمین می‌شود نیز صادق است.

## ۵.۱. موضوعات صلاحیت قضایی

پیش از آنکه قربانیان عملیات ترور جهانی ایران بتوانند واجد شرایط دریافت غرامتهای قانونی گردند، چه به صورت دریافت خسارت از رژیم باشد و چه به صورت تنبیه عاملین، آنها باید ابتدا در حضور یک دادگاه کشوری یا بین‌المللی که از جهت صلاحیت قضایی قدرت رسیدگی به جنایات واقعه را دارد، اقامه دعوی نمایند. حقوق بین‌الملل به طور کلی پنج نوع صلاحیت قضایی قابل اعمال توسط دادگاه‌های کشوری را به رسمیت می‌شناسد: محلی، ملی، حفاظتی، هویت قربانی، و جهانی.<sup>۱۶۲</sup> در یک سر طیف صلاحیت قضائی، صلاحیت محلی قرار دارد که بر طبق قانون عرفی بین‌المللی، مسلماً قوی‌ترین اساس برای دادرسی می‌باشد زیرا این نوع صلاحیت قضایی با حق حاکمیت یک دولت پیوند ناگسستنی دارد.<sup>۱۶۳</sup> در انتهای دیگر این طیف صلاحیت قضایی جهانی است که در اعمال آن، اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۱۶۴</sup> از پایان جنگ جهانی دوم، اعمال صلاحیت قضایی جهانی در ارتباط با پیگرد جنایات بین‌المللی، که شامل جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، جنایات جنگی و شکنجه می‌شود، به طور مداوم افزایش یافته است. سه دسته از این چهار گروه جنایات بین‌المللی به طور خاص در معاهدات و کنوانسیونها مطرح گردیده‌اند.<sup>۱۶۵</sup> در مورد گروه چهارم، یعنی جنایت علیه بشریت، هیچ معاهده‌ای

<sup>۱۶۲</sup> برای مباحث بیشتر نگاه کنید به زیرنویسهای ۷۰-۱۶۷.

<sup>۱۶۳</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۶۴</sup> نگاه کنید به بخش ۵.۲.

<sup>۱۶۵</sup> کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی [Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide] معاهدات ایالات متحده، شماره ۷۸، بخش ۲۷۷ [78 U.S.T. 277]، به اجرا گذارده شده در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ [از این به بعد: «کنوانسیون نسل‌کشی»]؛ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیر انسانی، یا تحقیر کننده [Convention Against Torture, and [Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment]، سند سازمان ملل A/39/51 (۱۹۸۴)، به اجرا گذارده شده در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ [از این به بعد: «کنوانسیون منع شکنجه»].

به طور انحصاری به آن اختصاص نیافته، اما از دیرباز مطابق قانون عرفی بین‌المللی در ردیف بدترین جنایات در حقوق بین‌الملل شناخته شده است.<sup>۱۶۶</sup>

معمول‌ترین نوع اجرای دادرسی همان صلاحیت محلی است که به دادگاه‌های یک کشور اجازه می‌دهد در مورد جنایات و افرادی که در یک محدوده خاص جغرافیایی قرار دارند، اعمال قدرت نماید.<sup>۱۶۷</sup> صلاحیت محلی مطابق قانون عرفی بین‌المللی قطعاً قوی‌ترین اساس برای دادرسی می‌باشد زیرا پیوند تفکیک‌ناپذیری با حق حاکمیت یک دولت دارد.<sup>۱۶۸</sup> بنابراین هنگامی که دادگاه یک کشور بر اساس صلاحیت قضایی محلی آن کشور اعمال قدرت می‌کند، مشروعیت دادگاه برای دادرسی و اجرای قانون در بالاترین حد خود قرار دارد. زمانی که نهاد قضاییه آلمان پنج تن از افرادی را که در کشتار میکونوس دست داشتند دستگیر و محاکمه نمود، دادگاه بر اساس صلاحیت قضایی محلی خود عمل می‌کرد زیرا قتل‌ها در برلین اتفاق افتاده بودند.<sup>۱۶۹</sup> کشورهای که برای محاکمه مرتکبین ترورهای مشروح در گزارش «پناهگاهی نیست» دارای صلاحیت قضایی محلی می‌باشند شامل اتریش، فرانسه، ایتالیا، سوئیس و ایالات متحده آمریکا می‌شود.<sup>۱۷۰</sup>

باید توجه نمود که بر اساس حقوق بین‌الملل، صلاحیت قضایی محلی تنها نوع شناخته شده دادرسی نیست. کشوری که یک فرد تبعه آن مظنون شناخته شده ممکن است ادعای احراز صلاحیت ملی کند.<sup>۱۷۱</sup> اگرچه که صلاحیت ملی اغلب به عنوان شاخه فرعی صلاحیت محلی به شمار می‌رود، معهدا قاعده مشروعی به حساب می‌آید که می‌تواند در حیطه شمول موضوعاتی قرار گیرد که به اعمال حق حاکمیت یک کشور مربوط می‌شوند.<sup>۱۷۲</sup> شکل دیگری از صلاحیت‌های غیر محلی، صلاحیت مربوط به هویت قربانی می‌باشد که به یک دولت اجازه می‌دهد در صورتی که قربانی جنایت از اتباع آن کشور باشد، پرونده در حیطه قضایی آن دولت قرار گیرد.<sup>۱۷۳</sup> بالاخره بر طبق صلاحیت حفاظتی، دولت یک کشور می‌تواند بر روی جنایاتی که امنیت ملی آن دولت را به خطر می‌اندازد، صلاحیت قضایی داشته باشد.<sup>۱۷۴</sup>

همان طور که قبلاً هم گفته شد، استانداردهای حقوقی بین‌المللی معمولاً راغب نیستند محاکمات به صورت غیابی انجام گیرند.<sup>۱۷۵</sup> بنابراین اگرچه دادگاه‌های ملی و بین‌المللی اغلب پیش از استرداد و دستگیری مظنونان، اجرای

<sup>۱۶۶</sup> برای مثال نگاه کنید به بت ون شاک، «جنایت بدون قانون: قانونگذاری قضایی در تقاطع قانون و اخلاق» [Beth Van Schaack, *Crimen Sine Lege: Judicial Lawmaking at the Intersection of Law and Morals*], ژورنال حقوقی جرج تاون، شماره ۹۷، صص. ۱۱۹، ۶۳-۱۶۳ (۲۰۰۸). اما به هر حال مطابق اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم، به راه انداختن موضوع دادرسی از تخلفات محسوب می‌شود. اساسنامه رم، رک. زیرنویس ۴۶، ماده ۷. برای گفتگوی بیشتر درباره جنایت علیه بشریت به بخش ۵،۴ مراجعه کنید.  
<sup>۱۶۷</sup> نگاه کنید به آنتونیو کسسیسی، «حقوق جنایی بین‌المللی» [ANTONIO CASSESE, *INTERNATIONAL CRIMINAL LAW*], صص. ۸۴-۲۸۱ (۲۰۰۳).

<sup>۱۶۸</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۶۹</sup> نگاه کنید به «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵، صص. ۸-۹، ۱۳، ۱۹-۱۸.

<sup>۱۷۰</sup> به طور کلی نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵.

<sup>۱۷۱</sup> برای مثال نگاه کنید به کسسیسی، رک. زیرنویس ۱۶۷، صص. ۸۴-۲۸۱.

<sup>۱۷۲</sup> همان، صص. ۸۲-۲۸۱.

<sup>۱۷۳</sup> همان، صص. ۸۴-۲۸۲. به صلاحیت هویت تبعی، صلاحیت ملیت تبعی هم گفته می‌شود.

<sup>۱۷۴</sup> آنتونی آوست، «کتاب مرجع حقوق بین‌الملل» [ANTHONY AUST, *HANDBOOK OF INTERNATIONAL LAW*]، ص. ۴۲، (۲۰۰۵).

<sup>۱۷۵</sup> نگاه کنید به زیرنویس ۱۴-۱۱۳ و متن همراه.

تحقیقات و حتی صدور کیفرخواست را مجاز می‌شمارند، اما عموماً خواسته‌اند که فرد مظنون شخصاً حضور داشته و پیش از آغاز محاکمه توقیف شده باشد.<sup>۱۷۶</sup> دیوان جنایی بین‌المللی روآند، دیوان جنایی بین‌المللی یوگسلاوی سابق و نیز دادگاه جنایی بین‌المللی همگی خواستار توقیف شخصی مظنونین پیش از اجرای محاکمه هستند.<sup>۱۷۷</sup> اجرای یک دادرسی موفق با توجه به مصونیت، پیچیده‌تر می‌شود. این مصونیت اغلب در مورد حفظ مقامات رسمی دولت یا افرادی که اجرای وظایف رسمی از جانب دولت را به عهده دارند، در برابر تعقیب جزایی در دادگاه‌های خارجی بکار می‌رود.<sup>۱۷۸</sup>

با توجه به ماهیت فرا ملی جنایاتی که رژیم و کارگزاران آن مرتکب شده‌اند، کشورهای زیان دیده مانند ایالات متحده، اتریش، آرژانتین، آلمان، فرانسه، عراق، ترکیه و پاکستان همگی می‌توانند در ارتباط با ترور دگراندیشان سیاسی که داخل مرزهای آنها وقوع یافته، با صلاحیت قضایی محلی اِعمال دادرسی کنند. بسیاری از این کشورها در واقع چنین دادرسیهایی را انجام داده‌اند و مقامات رسمی ایرانی یا عوامل وابسته به آنها را به کشتار فراقضایی افراد غیر نظامی در خاکشان متهم و یا محکوم کرده‌اند.<sup>۱۷۹</sup> احتمالاً بسیاری از همین کشورها ممکن است برای دادرسی مظنونان از صلاحیت قضایی حفاظتی یا هویت قربانی نیز استفاده کنند.<sup>۱۸۰</sup> اما به هر حال تا به امروز چنین محاکمه‌هایی برای افرادی که گفته می‌شود مرتکب این جنایات شده‌اند برگزار نگردیده است. علاوه بر آن با توجه به دخالت نزدیک رژیم ایران در طرح و اجرای این قتلها، بسیار غیر محتمل است که جمهوری اسلامی متهمین به این جنایات را با اِعمال صلاحیت قضایی ملی، محاکمه کرده و یا آنها را به دادگاه‌های مناسب تحویل دهد. افراد تحت تعقیب مانند فلاحیان، رفسنجانی، یا دیوید بلفیلد (معروف به داوود صلاح الدین) هرگز دستگیر و محاکمه نخواهند شد مگر اینکه خود داوطلبانه ایران را ترک گفته و وارد محدوده قضایی کشور محاکمه کننده شوند (و یا کشور سومی آنها را به یک کشور محاکمه کننده مسترد

<sup>۱۷۶</sup> نگاه کنید به ام بنج، زیرنویس ۱۰۰.

<sup>۱۷۷</sup> برای مثال نگاه کنید به گوران اسلوتر، «تسلیم گیت-چن نوپس در برابر دادگاه‌های جنایی بین‌المللی: روشها و مراحل کنونی» [Goran Sluiter, *Geert-Jan Knoops' Surrendering to International Criminal Courts: Contemporary Practice and Procedures*, 8 J. Confl. & Sec. L. ژورنال حقوقی برخورد و امنیت، شماره ۸، صص. ۴۱۱، ۱۲-۴۱۱ (۲۰۰۳) (مرور کتاب)].

<sup>۱۷۸</sup> رابرت کریپر و همکاران، «مقدمه‌ای بر حقوق جنایی بین‌المللی و آئین نامه» [ROBERT CRYER, ET AL., AN INTRODUCTION TO INTERNATIONAL CRIMINAL LAW AND PROCEDURE], بخش ۲۰، ۱، ۲ (۲۰۰۷). اما مصونیت همیشگی نیست چون این آیین به دلیل محافظت شخص به عنوان نماینده دولت خود طرح شده، مصونیت فقط تا هنگامی اعتبار دارد که شخص در آن سمت می‌باشد. برای مثال نگاه کنید به «پرونده مربوط به قرار بازداشت به تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۰» [Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000] (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه بلژیک)، دادگاه بین‌المللی دادگستری، ۱۴ فوریه ۲۰۰۲، پاراگراف ۷۵، [از این به بعد: «پرونده قرار بازداشت»]؛ پیترو ه. ف. بکر، «دادگاه جهانی به بلژیک حکم می‌کند که قرار بازداشت صادره برای وزیر خارجه کنگو را لغو کند»، اسیل اینسایتس [Pieter H.F. Bekker, *World Court Orders Belgium to Cancel Arrest Warrant, Issued Against the Congolese Foreign Minister*, ASIL INSIGHTS], فوریه ۲۰۰۲، قابل دسترسی در [www.asil.org/insights/insigh82.htm](http://www.asil.org/insights/insigh82.htm) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). در حالی که مصونیت اغلب در دادگاه‌های ملی سبب محافظت افرادی می‌شود که گفته می‌شود جنایتکارند، اما به نظر می‌رسد که در دادگاه‌های جنایی بین‌المللی چندان اثری ندارد. مصونیت در مورد مراجع قضایی ویژه مانند دیوان جنایی بین‌المللی یوگسلاوی سابق، لغو شد زیرا تعهد مطابقت با بخش هفتم منشور سازمان ملل بالاتر از آن بود. نگاه کنید به «دادستان علیه بلاسکیچ» [Prosecutor v. Blaskic]، پاراگراف ۴۱، پرونده شماره IT-95-14 A (۲۹ اکتبر ۱۹۹۷).

<sup>۱۷۹</sup> به طور کلی نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵.

<sup>۱۸۰</sup> در حقیقت برخی از کشورهای اروپایی مانند بلژیک قوانینی را به تصویب رسانده‌اند که دادرسی را بر اساس صلاحیت هویت فعال و تبعی مجاز می‌شمارد. نگاه کنید به عنوان مقدماتی مجموعه اصول محاکمات جزائی [Titre préliminaire du Code de procedure pénale]، فصل ۲، اصول (۱) ۶، (۱) ۷، و (۵) ۱۰.



نماید).<sup>۱۸۱</sup> در چنین شرایطی، تنها روشهای موجود جبران خسارت برای دادستانها و قربانیان، ماهیت مدنی خواهند داشت.

## ۵.۲. تعقیب جزایی در دادگاههای داخلی

به موجب محدودیتهای فراوان سیاسی و قانونی که به دادگاههای بین‌المللی دادگستری، هیئت‌های داوری، و ارگانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد تحمیل شده، دادگاههای کشوری احتمالاً بهترین و کارآمدترین راه قانونی جبران خسارت برای قربانیان عملیات ترور جهانی ایران می‌باشند. قربانیانی که جریان دادخواهی خود را در دادگاههای داخلی کشورها دنبال می‌کنند دو مسیر را می‌توانند انتخاب نمایند: یا باید جریان دادرسی کیفری بر علیه افرادی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ترورها دست داشته‌اند را دنبال نمایند، یا باید مراحل دادرسی مدنی را شروع کنند که در آن پای اعمال دولت یا مسئولیت مدنی افراد به میان کشیده می‌شود. از نقطه نظر پاسخگویی در برابر قانون و تعیین جزا و کیفر عاملان، به احتمال زیاد دادرسی کیفری روش بهتری برای مقابله کردن با عملیات برنامه‌ریزی شده خشونت بار رژیم بر علیه مخالفان سیاسی در خارج از کشور است.

همان‌طور که در دو گزارش قبلی مرکز اسناد حقوق بشر ایران به نام «قتل در میکونوس» و «پناهگاهی نیست» شرح داده شده، بسیاری از دادگاه‌ها، از جمله دادگاه‌های اروپا و ایالات متحده، قبلاً مراحل دادرسی جنایی بر علیه افرادی که گفته می‌شود در عملیات ترورهای سیاسی رژیم در محدوده قلمرو قضایی آنان مظنون شناخته شده‌اند را آغاز نموده‌اند. اما به هر حال علاوه بر دادرسی کیفری داخلی توسط کشورهای که مستقیماً از عملیات ترور جهانی ایران آسیب دیده‌اند، دیگر اعضاء جامعه بین‌المللی هم می‌توانند افرادی که گفته می‌شود مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند را در دادگاه‌های کشورشان بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی محاکمه نمایند. درخواست یک دادگاه اسپانیایی از دولت بریتانیا در سال ۱۳۷۷ مبنی بر دستگیری و استرداد آگوستو پینوشه به اتهام شکنجه، توجه فراوانی را در محاکمات جنایات بین‌المللی بر اساس صلاحیت قضایی جهانی به خود اختصاص داد. از آن زمان تا کنون چندین کشور اروپایی مانند اسپانیا، فرانسه، بلژیک، بریتانیا و هلند بر طبق صلاحیت قضایی جهانی جنایات بین‌المللی را در دادگاه‌هایشان با موفقیت محاکمه نموده‌اند.<sup>۱۸۲</sup> مطابق اصل صلاحیت قضایی جهانی، یک کشور مجاز و یا حتی ملزم است برخی موارد بسیار جدی و ناگوار نقض حقوق بین‌الملل را بدون در نظر داشتن محل وقوع جنایت و یا ملیت عاملان یا قربانیان محاکمه نماید.<sup>۱۸۳</sup> به عبارت

<sup>۱۸۱</sup> برخی کشورها می‌گویند که جنایتکاران بین‌المللی ممکن است در کشور خارجی با اعمال زور دستگیر شده و به محلی که صلاحیت دادرسی دارد منتقل گردند تا شرط مربوط به حضور شخصی فرد متهم برآورده گردد. نگاه کنید به «دادستان کل اسرائیل علیه آیشمن» [Attorney General of Israel v. Eichmann]، پرونده جنایی شماره ۴۰/۶۱ (۱۱ دسامبر ۱۹۶۱)، چاپ مجدد در کوی الیور، «تصمیمات قضایی» [Covey, *Oliver, Judicial Decisions*, 56 AM. J. INT'L L.]، ژورنال حقوق بین‌الملل آمریکا، شماره ۵۶، ص. ۸۰۵ (۱۹۶۲). اما به هر حال اکثر کشورهای اروپایی که قوانینی به تصویب رسانده‌اند که بر اساس صلاحیت جهانی اجازه دادرسی می‌دهند، چنین نگرشی را نپذیرفته‌اند. نگاه کنید به ناخدا دوم جیمز پل بنوا، «تکامل صلاحیت قضایی جهانی درباره جنایات جنگی» [Lieutenant Commander James Paul Benoit, *JAGC, USN, The Evolution of Universal Jurisdiction Over War Crimes*، ژورنال حقوقی نیروی دریایی، شماره ۵۳، ص. ۲۵۹.

<sup>۱۸۲</sup> نگاه کنید به بنوا، رک. زیرنویس ۱۸۱، صص. ۲۸۱-۲۷۷.

<sup>۱۸۳</sup> نگاه کنید به آنتونی کلاتجلو، «حدود قانونی صلاحیت قضایی جهانی» [Anthony Colangelo, *The Legal Limits of Universal Jurisdiction*، ژورنال حقوق بین‌الملل ویرجینیا، شماره ۴۷، صص. ۱۴۹، ۱۵۰-۵۱ (۲۰۰۵).

دیگر کشوری که تحت صلاحیت قضایی جهانی عمل می کند هیچ گونه ارتباطی با مرزهای جغرافیایی یا ملیت قربانیان یا مرتکبین جنایت ندارد.<sup>۱۸۴</sup>

برای اعمال صلاحیت قضایی جهانی مهمترین شرط مورد نیاز این است که افرادی که گفته می شود قانون شکنی کرده اند واقعاً مرتکب جنایت بین المللی شده باشند.<sup>۱۸۵</sup> جنایات بین المللی شامل ارتکاب به تخلفات جدی مخصوصی است که معاهدات و قانون عرفی بین المللی را نقض کرده باشند.<sup>۱۸۶</sup> هر جنایت بین المللی که در محدوده یک کشور عضو وقوع یابد، نه تنها آنهایی که مستقیماً زیان دیده اند را به دلیل محرومیت آنها از حقوق اساسی خود قربانی می سازد، بلکه جامعه بین المللی را هم تماماً متأثر می سازد.<sup>۱۸۷</sup> در نتیجه تمام کشورها متعهدند که به منظور محاکمه یا استرداد متخلفان، صلاحیت قضایی جهانی را به کار گیرند. این مفهوم اعمال اجباری صلاحیت قضایی در مورد جنایات جنگی در کنوانسیون های ژنو،<sup>۱۸۸</sup> شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه<sup>۱۸۹</sup> و نسل کشی در کنوانسیون نسل کشی<sup>۱۹۰</sup> تدوین شده است. تدوین این قوانین به نوبه خود بازتاب قانون عرفی بین المللی است که کشورها را تشویق می نماید بنا به اصل صلاحیت قضایی جهانی، جنایتکاران جهانی را محاکمه و یا مسترد نمایند.<sup>۱۹۱</sup>

هشت کشور در اروپا در قوانین داخلی خود لوایحی را به تصویب رسانده اند که به آنان اجازه اعمال صلاحیت جهانی و محاکمه جنایات بین المللی را می دهد. این کشورها عبارتند از فرانسه، بلژیک، دانمارک، آلمان، هلند، نروژ، اسپانیا و بریتانیا.<sup>۱۹۲</sup> صلاحیت جهانی در دادگاه های داخلی این کشورها فقط برای محاکمه جنایات بین المللی است که شامل جنایات دوران جنگ، جنایت علیه بشریت، نسل کشی و شکنجه می باشد.<sup>۱۹۳</sup> اما به

<sup>۱۸۴</sup> بر خلاف دادگاه های داخلی، معمولاً صلاحیت مراجع قضایی بین المللی بر اساس کنوانسیون های بین المللی یا قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل مشخص می گردد. برای مثال نگاه کنید به قانون دیوان جنایی بین المللی یوگسلاوی سابق، مواد ۹-۶، سند سازمان ملل S.25704، بخش ۳۶ (۱۹۹۳) [از این به بعد: «دیوان جنایی بین المللی یوگسلاوی سابق»]. این کنوانسیونها به هر یک از کشورهای عضو اجازه می دهند سطح صلاحیت قضایی خود را به یک دادگاه بین المللی دادگستری مانند دادگاه جنایی بین المللی انتقال دهند. نگاه کنید به اساسنامه رم، مواد ۴ و ۵، رک. زیرنویس ۴۶.

<sup>۱۸۵</sup> برای بحث درباره جنایتهای بین المللی از جمله جنایت علیه بشریت، نگاه کنید به بخش ۵، ۴.

<sup>۱۸۶</sup> نگاه کنید به همان.

<sup>۱۸۷</sup> به طور کلی نگاه کنید به عادل احمد حق، «خشونت جمعی و انتقام جمعی: در جهت یک تئوری تلافی جویانه از حقوق جنایی بین المللی» Adil Ahmad Haque, *Group Violence and Group Vengeance: Toward a Retributivist Theory of International Criminal Law*.

[Law], ژورنال حقوق جنایی بوفالو، شماره ۹، ص. ۲۷۳ (۲۰۰۵).

<sup>۱۸۸</sup> پروتکل ۱، رک. زیرنویس ۱۶۵، مواد ۱۱، ۸۵، ۸۶، ۸۸.

<sup>۱۸۹</sup> کنوانسیون منع شکنجه، رک. زیرنویس ۱۶۵، مواد ۲، ۴، ۵، ۶.

<sup>۱۹۰</sup> کنوانسیون نسل کشی، رک. زیرنویس ۱۶۵، ماده ۶.

<sup>۱۹۱</sup> عفو بین الملل، «صلاحیت قضایی جهانی در اروپا: پیشرفته ترین نوع آن» [Amnesty International, *Universal Jurisdiction in Europe: The State of the Art*], صص. ۴-۱ (۲۰۰۶)، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/reports/2006/ij0606/10.htm> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸) [از این به بعد: «پیشرفته ترین نوع»].

<sup>۱۹۲</sup> نگاه کنید به همان، صص. ۱۰۰-۳۷. شش از این هشت قلمرو در حقیقت لوایحی اجرایی را به تصویب رسانده اند که این در راستای وظایفشان به معاهدات و یا قانون عرفی بین المللی بوده است. نگاه کنید به همان. این قانونگذاری در حقیقت قوانین جنایی آنها را در ارتباط با جرائم بین المللی مانند جنایت علیه بشریت یا نسل کشی، تکمیل می کند. نگاه کنید به همان. کشورهای باقی مانده یعنی نروژ و آلمان هیچ نوع قانونگذاری اجرایی ندارند و می توانند جنایات بین المللی را صرفاً بر اساس جرائم کیفری داخلی محاکمه نمایند. نگاه کنید به همان، صص. ۷۰-۶۳، ۸۵-۸۰ همچنین نگاه کنید به بخش ۴، ۵ (که در مورد حقوق جنایی بین المللی، جنایت علیه بشریت و اجرای صلاحیت قضایی جهانی مطابق با قانون عرفی (در مقابل قانون معاهده) صحبت می کند).

<sup>۱۹۳</sup> همان، ص. ۳.

هرحال هر یک از این کشورها مستقلاً تصمیم می‌گیرد که کدام یک از این جنایات را در دادگاه‌های داخلی خود تحت پیگرد قرار خواهد داد.<sup>۱۹۴</sup> برای مثال قوانین فرانسه فقط اجازه می‌دهد صلاحیت جهانی در مورد شکنجه طبق کنوانسیون منع شکنجه اعمال شود.<sup>۱۹۵</sup> دانمارک و اسپانیا نیز صلاحیت جهانی را تنها برای اجرای تعهدات مذکور در معاهدات خود مطابق کنوانسیونهای منع شکنجه، ژنو و نسل‌کشی به کار می‌برند.<sup>۱۹۶</sup> آلمان، بلژیک، بریتانیا و هلند هم همگی به کار بردن این نوع صلاحیت را در ارتباط با جنایت علیه بشریت مجاز می‌دانند.<sup>۱۹۷</sup>

تا آن درجه که ترور مخالفان سیاسی در خارج از کشور توسط دولت جمهوری اسلامی، جزو جنایات بین‌المللی به حساب می‌آید، هر یک از اعضاء جامعه بین‌المللی می‌تواند بر علیه افرادی که گفته می‌شود مسئول انجام این جنایات بوده‌اند، جریان دادرسی را آغاز نماید. همان طور که توضیح داده خواهد شد شواهد دلالت دارند بر اینکه اعمال رژیم را می‌توان قتل عمد یا آزار و شکنجه در زمینه جنایت علیه بشریت به حساب آورد.<sup>۱۹۸</sup> ضمناً بعضی از این قتلها ممکن است جنایات زمان جنگ نیز به حساب آیند. بنابراین قربانیان عملیات ترور ایران می‌توانند بر اساس ارتکاب جنایات بین‌المللی، به دولتهای اروپایی عرضحال ارائه داده و علیه مقامات عالیرتبه ایران که در این قتلها دست داشته‌اند مراحل دادخواهی را آغاز نمایند.

با وجود این، موانع حقوقی عمده‌ای ممکن است انجام موفقیت‌آمیز یک محاکمه جزایی بر علیه مقامات رسمی جمهوری اسلامی و کارگزاران آنها را به تعویق انداخته و یا بی‌اثر سازد. برای مثال، هر هشت کشور فوق‌الذکر از انجام محاکمه مقامات فعلی دولتی به دلیل موضوع مصونیت که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، ممانعت می‌کنند.<sup>۱۹۹</sup> بسیاری از اعضاء عالیرتبه جمهوری اسلامی که دست اندر کار قتل مخالفان سیاسی بوده‌اند، مانند خامنه‌ای و رفسنجانی، در سمتهای رسمی به خدمت در دولت ادامه می‌دهند و بنابراین از محاکمه مصون هستند. به علاوه، اکثر جریانات دادرسی مستلزم حضور شخصی و داوطلبانه فرد مظنون است که یا باید پیش از شروع تحقیقات واقع شود و یا از طریق صدور قرار بازداشت صورت گیرد.<sup>۲۰۰</sup> و بالاخره اینکه بعضی از

<sup>۱۹۴</sup> همان، ص. ۵.

<sup>۱۹۵</sup> همان، ص. ۵۵.

<sup>۱۹۶</sup> همان، ص. ۲۴.

<sup>۱۹۷</sup> همان، صص. ۷۴-۴۰؛ همچنین نگاه کنید به بخش ۴، ۵.

<sup>۱۹۸</sup> نگاه کنید به بخش ۴، ۵.

<sup>۱۹۹</sup> نگاه کنید به پرونده قرار بازداشت، پاراگراف ۷۵، رک. زیرنویس ۱۷۸؛ پیشرفته‌ترین نوع، رک. زیرنویس ۱۹۱، ص. ۳۹ (درباره دادگاه عالی بلژیک می‌گوید که پرونده دعوی آریل شارون، نخست وزیر وقت اسرائیل را که تحت صلاحیت جهانی مطرح شده بوده، بر طبق اصل مصونیت ترک کرده است)؛ همچنین نگاه کنید به پیتر ه. ف. بکر، «دادگاه بین‌الملل به بلژیک حکم می‌کند که قرار بازداشت صادره برای وزیر خارجه کنگو را لغو کند»، اسیل اینسایتس [ *Pieter H.F. Bekker, World Court Orders Belgium to Cancel Arrest Warrant, Issued Against the Congolese Foreign Minister, ASIL INSIGHTS* فوریه ۲۰۰۲، قابل دسترسی در [www.asil.org/insights/insigh82.htm](http://www.asil.org/insights/insigh82.htm) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۲۰۰</sup> نگاه کنید به «پیشرفته‌ترین نوع»، رک. زیرنویس ۱۹۱، صص. ۳۰-۲۸؛ همچنین نگاه کنید به محمد الزیدی، «صلاحیت قضایی جهانی به صورت غیابی: آیا این راه حقوقی معتبری برای سرکوب جنایات فجیع است» [ *Mohamed El Zeidy, Universal Jurisdiction in* ]، نشریه حقوقی آکسفورد، شماره ۴ (۲۰۰۳).

حوزه‌های قضایی در محاکمه جنایات بین‌المللی قاعده مرور زمان را شامل کرده‌اند.<sup>۲۰۱</sup> علیرغم تمام این محدودیتها، قربانیان و مدافعان حقوق بشر باید تمام دولتها، به خصوص دولتهای اروپا را، تحت فشار گذارند تا با حد اکثر توانایی قانونی، به تعهداتشان در زمینه محاکمه تمام جنایتکاران بین‌المللی عمل نمایند.

### ۵.۳. جبران مدنی در دادگاه‌های داخلی

با توجه به مشکلات حقوقی و تدارکاتی که طبیعتاً در مراحل انتقال مضمونین به جنایت برای محاکمه در دادگاه خارجی وجود دارد، خانواده‌های بسیاری از قربانیان عملیات ترور جهانی ایران به جبران خسارت مالی در دادگاه‌های کشوری ایالات متحده و اروپا متوسل شده‌اند. یک نمونه از جبران خسارت مدنی که برای خانواده‌های قربانیان عملیات ترور جمهوری اسلامی ایران موجود است، قانون مسئولیت مدنی اتباع بیگانه [Alien Tort Statute] می‌باشد.<sup>۲۰۲</sup> این قانون به اتباع بیگانه اجازه می‌دهد که بتوانند فردی را به دلیل ارتکاب یک عمل غیر قانونی یا شبه جرم که با نقض حقوق بین‌الملل همراه باشد، در دادگاه فدرال ایالات متحده تحت پیگرد قانونی قرار دهند.<sup>۲۰۳</sup> در پرونده «سوسا علیه الوارز ماکین»، آنچه که نقض حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید باید از پایه و اساس و دقت کافی برخوردار باشد تا بتوان آن را با سه تخلفی که در هنگام تهیه پیشنویس قانون مسئولیت مدنی اتباع بیگانه [Alien Tort Statute] در ۱۷۸۹ نوشته شده، مطابقت داد: یعنی حمله بر علیه سیاستمدارها، دزدی دریائی، و نقض عبور و مرور امن.<sup>۲۰۴</sup> کشتار فراقضائی، نقض حقوق بین‌الملل محسوب شده و با معیار فوق مطابقت دارد.<sup>۲۰۵</sup> اگرچه شرط لازم اقدام دولت است،<sup>۲۰۶</sup> اما افرادی که عملیات ترور ایران را مرتکب شدند مسلماً اعمال خود را به دنبال دستوراتی که از مقامات رسمی دولت ایران گرفتند انجام دادند.<sup>۲۰۷</sup>

اما به هر صورت تا همین اواخر به دلیل اصل مصونیت مقامات حکومتی، قربانیان خشونت‌های تحت حمایت دولت راه چاره‌چندانی برای جبران خسارت مدنی در دادگاه‌های داخلی نداشتند. در بسیاری از دادگاه‌های داخلی، دولتهای خارجی و مقامات رسمی آنها به طور کلی از مسئولیتهای مدنی مصون بودند.<sup>۲۰۸</sup> در نتیجه دولتهای خارجی خیلی به ندرت ممکن بود به دلیل آسیب رساندن به مردم توسط عوامل یا نمایندگانشان مسئول شناخته

<sup>۲۰۱</sup> برای مثال نگاه کنید به وزارت امور خارجه هلند، «معرفی به لایحه جنایات بین‌المللی» [DUTCH MINISTRY OF FOREIGN AFFAIRS, ] [www.minbuza.nl/en/themes/international-legal-introduction-to-the-international-crimes-act](http://www.minbuza.nl/en/themes/international-legal-introduction-to-the-international-crimes-act) قابل دسترسی در [www.minbuza.nl/en/themes/international-legal-order/international-criminal-court/background-information/Introduction-to-the-International-Crimes-Act.html](http://www.minbuza.nl/en/themes/international-legal-order/international-criminal-court/background-information/Introduction-to-the-International-Crimes-Act.html) (تاریخ

دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸). ضمناً بریتانیا فقط اجازه براب محاکمه جنایاتی می‌دهد که بعد از سال ۲۰۰۱ اتفاق افتاده باشند. نگاه کنید به المپیا بکو و سنگیتا شاه، «بازشناسی توان دادگاه جنایی بین‌المللی: تجربه آفریقایی» [Olympia Bekou and Sangeeta Shah, *Realizing the Potential of the International Criminal Court: The African Experience*], ژورنال حقوقی حقوق بشر، شماره ۶، ص. ۴۹۹ (۲۰۰۶).

<sup>۲۰۲</sup> نگاه کنید به مجموعه قوانین آمریکا، شماره ۲۸، بخش ۱۳۵۰ [28 U.S.C 1350] (۱۷۸۹). قانون مسئولیت مدنی اتباع بیگانه به طور معمول به نام قانون دعای مدنی اتباع بیگانه نیز نامیده می‌شود.

<sup>۲۰۳</sup> مجموعه قوانین آمریکا، شماره ۲۸، بخش ۱۳۵۰ (۲۰۰۲).

<sup>۲۰۴</sup> «سوسا علیه الوارز ماکین» [Sosa v. Alvarez-Machain], شماره پرونده 540 U.S. 692, 724-725 (2004).

<sup>۲۰۵</sup> نگاه کنید به «فیلارتیگا علیه پنا - ایرالا» [Filartiga v. Pena-Irala], شماره پرونده 630 F.2d 876.

<sup>۲۰۶</sup> برای مثال نگاه کنید به «کادیک علیه کارادزیک» [Kadic v. Karadzic], شماره پرونده 70 F.2d 232 (2d Cir. 1995)، سومین بازنویسی قانون روابط خارجی ایالات متحده، بخش ۷۰۲، تفسیر «b» (۱۹۸۷).

<sup>۲۰۷</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵ ص. ۳.

<sup>۲۰۸</sup> نگاه کنید به زیرنویس‌های ۱۷۸، ۱۹۹ و متون همراه.

شوند، حتی اگر این صدمات با قصد و نیت ارتکاب جرم انجام شده بود، مگر اینکه بتوان ثابت کرد مقامات رسمی خارج از حدود اختیارات دولت مطبوع خود عمل کرده‌اند.<sup>۲۰۹</sup> اما به هر حال، در حدود سی سال گذشته بسیاری از کشورها شروع به اعمال محدودیت‌هایی درباره مفهوم مصونیت مطلقه مقامات حکومتی کرده‌اند، و برای انجام یک سری فعالیت‌هایی استثنائاتی قائل شده‌اند که به نسبت این استثناها دادگاه‌های آنها از اعمال صلاحیت شخصی و موضوعی استفاده خواهند کرد.<sup>۲۱۰</sup>

برای مثال، ایالات متحده آمریکا از سال ۱۳۵۵ متوجه این نکته بود که قانون مصونیت مقامات حکومتی خارجی [Foreign Sovereign Immunities Act] در شرایطی که دولتها ترور مخالفانشان را در خاک بیگانه مورد حمایت قرار می‌دهند، قابل انطباق نیست. در مورد «لتلیه علیه جمهوری شیلی»، یک دادگاه فدرال ایالات متحده ادعای دولت شیلی را مبنی بر اینکه دادگاه‌های ایالات متحده به دلیل مصونیت مقامات حکومتی شیلی، صلاحیت قضایی در این مورد نداشته را رد کرده و استدلال نمود هنگامی که یک دولت خارجی به عواملش دستور بدهد مرتکب ترور یا دیگر خشونت‌های سیاسی شوند، قانون مصونیت مقامات دولتی خارجی [Foreign Sovereign Immunities Act] آنها را از مصونیت حفظ نمی‌کند.<sup>۲۱۱</sup> این دادگاه در تصمیم‌گیری خود خسارات وارده را در حدود ۴/۹ میلیون دلار بر علیه شیلی و عوامل و کارکنان خاصی از اداره اطلاعات و امنیت آن کشور که مشخص شده بود در هدایت و انجام ترور دست داشتند، تخمین زد.<sup>۲۱۲</sup>

از زمان «لتلیه» بسیاری از دادگاه‌های فدرال آمریکا دولتهایی که مقامات رسمی یا عوامل آنها به ترور مخالفان سیاسی دست زده‌اند را برای این اعمال مسئول دانسته‌اند.<sup>۲۱۳</sup> در مورد «لیو علیه جمهوری چین» دادگاه با به کار

---

<sup>۲۰۹</sup> «دو علیه کی» [Doe v. Qi]، شماره پرونده 349 F.Supp. 2d 1258, 1280-84 (2004). پاسخ به اینکه آیا مقامات رسمی که گفته می‌شود مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شدند در حوزه اختیارات دولت خود عمل می‌کردند یا خیر، با بررسی قانون داخلی که وی در زمان وقوع این جریان بر طبق آن عمل می‌کرده، مشخص خواهد شد. مصونیت مقامات حکومتی فقط به دلیل نقض شدید حقوق بشر به آسانی لغو نمی‌شود. «بلهاس علیه یاولون» [Belhas v. Ya'alon]، شماره پرونده 515 F.3d 1279 (2008).

<sup>۲۱۰</sup> برای مثال نگاه کنید به لایحه مصونیت مقامات حکومتی خارجی [Foreign Sovereign Immunities Act] که در مواردی که قربانیان «برای آسیب‌های شخصی یا مرگ ... که در نتیجه عمل زیانبار» یک دولت خارجی یا عوامل آن واقع شده باشد، درخواست خسارت مال کنند، مصونیت را محدود می‌کند. قانون ایالات متحده آمریکا، شماره ۲۷، بخش (۷)؛(۵)؛(۱۶۰۵(a))؛(۷)؛(۵)؛(۷)؛(۲۸ U.S.C. § 1605(a)(5))؛(۷) علاوه بر آن ایالات متحده با تصویب لایحه ضد تروریسم و مجازات مؤثر اعدام در سال ۱۹۹۶ [Antiterrorism and Death Penalty Act of 1996] برای قانون مصونیت مقامات حکومتی خارجی یک استثناء عمده به وجود آورده است، نگاه کنید به قانون ایالات متحده آمریکا، شماره ۲۷، بخش (۷)؛(۱۶۰۵(a))؛(۷)؛(۲۸ U.S.C. § 1605(a)(7))، که به ملتها اجازه می‌دهد در صورتی که یک دولت خارجی از تروریسم حمایت نماید و یا اگر آسیب‌های وارده در اثر حمایت یک دولت از یک سازمان تروریستی اتفاق افتاده باشد، آنها می‌توانند این دولت(های) خارجی را تحت پیگرد قرار دهند. از آنجا که نظر برخی از دادگاه‌ها بر این بوده که لایحه ضد تروریسم دلیلی برای اقدام علیه دولتهای خارجی ذکر نمی‌کند بنابراین شاکیان باید به این لایحه و دیگر قوانین موضوعه مدنی (یعنی لایحه محافظت از قربانیان شکنجه، مجموعه قوانین شماره ۱۰۶، بخش ۷۳ [Torture Victims Protection Act, 106 Stat. 73] (۱۹۹۲)) تکیه کنند.

<sup>۲۱۱</sup> به طور کلی نگاه کنید به «لتلیه علیه جمهوری شیلی»، شماره پرونده 488 F.Supp. 655.

<sup>۲۱۲</sup> «لتلیه علیه جمهوری شیلی»، شماره پرونده 488 F. Supp. at 670-73.

<sup>۲۱۳</sup> برای مثال نگاه کنید به «بختیار علیه جمهوری اسلامی ایران»، شماره پرونده 571 F.Supp.2d 27 (D.D.C. 2008) (که رأی می‌دهد ترور شاپور بختیار توسط عوامل جمهوری اسلامی «قتل فراقضایی» است و در گروه استثناء از قانون مصونیت مقامات حکومتی خارجی به علت تروریسم تحت حمایت دولت جای می‌گیرد، و اینکه بر طبق قوانین بین‌الملل کالیفرنیا در تحمیل فشار عاطفی باید به بیوه بختیار ۱۲ میلیون دلار به عنوان جبران خسارت پرداخت شود). دادگاه بختیار در نظریه خود همچنین اظهار داشت که قانون مصونیت مقامات حکومتی خارجی «تعریفی از «قتل فراقضایی» به کار می‌برد که در بخش ۳ قانون محافظت قربانیان شکنجه ذکر شده است» (به زیرنویس ۲۱۸ نگاه کنید) و اینکه آن قانون «قتل فراقضایی را به عنوان یک قتل سنجیده شده تعریف می‌کند که دادگاهی که مطابق قانون تشکیل یافته و تمام تضمین‌های حقوقی ضروری شناخته شده توسط جوامع متمدن را دارا است، آن را مجاز نمی‌شمارد». همان. پاراگراف ۲۴. دادگاه سپس به دادگاه الهی استناد کرده و اظهار داشت «ترور واضحاً بر خلاف اصول انسانی است که هم در قانون ملی و هم در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است». همان.

گیری ترکیبی از قوانین داخلی و بین‌المللی، دولت تایوان را مسئول ترور یک مخالف سیاسی دانست.<sup>۲۱۴</sup> علیرغم شواهدی که نشان می‌داد قاتلین بر علیه قربانی غرضهای شخصی داشته‌اند و با وجود تمام تحقیقات، محاکمه و محکوم نمودن مقامات عالی‌رتبه درگیر در این قتل، این دولت در این جریان مسئول شناخته شد.<sup>۲۱۵</sup> مطلب اساسی درباره رأی دادگاه استدلالی بود که دادگاه به منظور تجزیه و تحلیل موضوع مصونیت ارائه داد، که می‌گوید میان یک قتل فراقضایی که در داخل کشور انجام می‌شود (که قتل عمد به حساب می‌آید) و کشتار فراقضایی که در خاک بیگانه صورت می‌گیرد تفاوت فاحشی وجود دارد.<sup>۲۱۶</sup> عمل اخیر سلطه دولت دیگر را نقض می‌کند و بنابراین مفاهیم سنتی مصونیت که مطابق حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود، شامل آن نمی‌گردد.<sup>۲۱۷</sup>

قربانیان عملیات ترورهای سیاسی ایران و دیگر اشکال خشونت که در خاک بیگانه اتفاق افتاده، انواع مختلف جبران خسارتهای مدنی را، به ویژه در دادگاه‌های ایالات متحده، به کار گرفته‌اند. در سالهای اخیر اکثر این شاکیان بر ترکیبی از قوانین تکیه کرده‌اند، که شامل لایحه ضد تروریسم و مجازات اعدام [Antiterrorism and Death Penalty Act]، لایحه محافظت از قربانیان شکنجه [Torture Victims Protection Act]، و قانون مسئولیت مدنی اتباع بیگانه [Alien Tort Statute] می‌باشد.<sup>۲۱۸</sup> مبالغی که مطابق احکام دادگاه‌ها به دنبال اقامه این گونه دعاوی و در جهت تنبیه و نیز جبران خسارت تعیین شده‌اند، به میلیونها رسیده و تاکنون بیش از ۴۰۰ میلیون دلار از آن پرداخت شده است.<sup>۲۱۹</sup> بسیاری از این پرونده‌ها حمایت رژیم ایران از تروریسم از طریق ایادی خود مانند حزب‌الله لبنان و جهاد اسلامی فلسطین را محکوم می‌کند، در حالی که دیگر دعاوی مستقیماً علیه خود مقامات رسمی و کارگزاران جمهوری اسلامی اعمال می‌شوند. یک نمونه از آنها دعوی مدنی است که خانواده سیروس الهی بر علیه جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات در سال ۱۳۷۹ در دادگاه‌های آمریکا طرح کردند.<sup>۲۲۰</sup> پیش از آنکه دادگاه الهی به مدعی خسارتی بیش از ۳۱۰ میلیون دلار اعطاء کند، دادگاه اظهار داشت «هر سند و توافقنامه‌ای که سعی بر تعریف و تعیین حدود حقوق بشر داشته است، اذعان نموده که حق حیات

<sup>۲۱۴</sup> «لیو علیه جمهوری چین»، شماره پرونده 892 F.2d 1419.

<sup>۲۱۵</sup> به طور کلی نگاه کنید به همان.

<sup>۲۱۶</sup> همان، صص. ۳۳-۱۴۳۱.

<sup>۲۱۷</sup> همان.

<sup>۲۱۸</sup> برای مثال قانون مسئولیت مدنی اتباع بیگانه، قانون مجموعه آمریکا، شماره، ۲۸ بخش ۱۳۵۰ [Alien Tort Statute, 28 U.S.C. § 1350]، و قانون محافظت قربانیان شکنجه، قانون مجموعه آمریکا، شماره ۲۸، بخش ۱۳۵۰ (یادداشت) [Torture Victims Protection Act, 28 U.S.C. § 1350 (note)]، برای طرح مطالبه خسارت، نیاز به گواه عمل دولت دارد. برای مثال نگاه کنید به «خولومانی علیه بانک بارکلی» [Khulumani v. Barclay Bank]، شماره پرونده 504 F.3d 254 (2d Cir. 2007) (می‌گوید که در نتیجه عدم اثبات عمل دولت، شاکیان نتوانستند بر طبق قانون محافظت قربانیان شکنجه مطالبه جبران خسارت نمایند اما توانستند مطابق قانون مسئولیت مدنی اتباع بیگانه ادعای کمک و همدستی نمایند). همچنین نگاه کنید به رک. زیرنویس ۲۰۰ و متن همراه برای بحث بیشتر درباره لایحه ضد تروریسم.  
<sup>۲۱۹</sup> نگاه کنید به بخش قانون آمریکا، گزارش سرویس تحقیقات کنگره برای کنگره: «دعوی قربانیان تروریسم علیه دولتهای تروریست» [AMERICAN LAW DIVISION, CRS REPORT FOR CONGRESS: SUITS AGAINST TERRORIST STATES BY VICTIMS OF TERRORISM] قابل دسترسی در <http://www.fas.org/sgp/crs/terror/RL31258.pdf> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸)؛ همچنین نگاه کنید به گزارش سرویس تحقیقات کنگره برای کنگره: دادخواهی بر علیه حامیان دولتی تروریسم: یک نگاه کلی [CRS Report for Congress: Lawsuits Against State Supporters of Terrorism: An Overview] (۲۰۰۵)، قابل دسترسی در <http://www.fas.org/sgp/crs/terror/RS22094.pdf> (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۲۲۰</sup> نگاه کنید به «الهی علیه جمهوری اسلامی ایران»، شماره پرونده 124 F. Supp. 2d 97. همچنین نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۳۷-۳۸.

همیشه همراه با حق اجرای اصول و تشریفات حقوقی برای محافظت آن بوده است.<sup>۲۲۱</sup> این دادگاه بیان کرد که دولت ایران «با پرداختن به ترور گسترده دگراندیشان هم در داخل ایران و هم در خارج از آن، سعی بر حذف اپوزیسیون مؤثر رژیم مذهبی داشته است».<sup>۲۲۲</sup>

## ۵.۴. جنایت علیه بشریت

تحولات اخیر در زمینه حقوق جنایی بین‌المللی، امکانات حقوقی گسترده‌تری را در اختیار افرادی گذاشته است که می‌خواهند ناقضین حقوق اساسی بشر را که بر اساس حقوق بشردوستانه و همچنین بر طبق قانون حقوق بشر بین‌الملل تضمین شده، به خاطر اعمالی که مرتکب شده‌اند به مجازات برسانند. تأسیس مراجع دادرسی کیفری موقت برای یوگسلاوی سابق و رواندا که به ترتیب در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ اتفاق افتاد در انجام این تحولات تأثیر چشمگیری داشت، زیرا محاکمات جنایی متخلفین مطابق معاهده‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون ژنو و یا کنوانسیون علیه شکنجه دیگر بیش از این با خواست و اراده دولتها محدود یا مقید نمی‌شد.<sup>۲۲۳</sup> تدوین بسیاری از مقررات مسئولیت کیفری بر طبق اساسنامه رم، که دادگاه جنایی بین‌المللی را تأسیس نمود، نشانگر یک روند فعلی از اصول قدیمی صلاحیت دولت و مصونیت سیاسی که متهمان به نقض حقوق بشر را محافظت می‌نمود و در راستای تأسیس یک سیستم به واقع بین‌المللی که در آن مسئولیت فردی اهمیت دارد می‌باشد.<sup>۲۲۴</sup>

تا به امروز قانون عرفی بین‌المللی چهار نوع جرم را مشخصاً عنوان می‌نماید که در سطح «جنایات بین‌المللی» به حساب می‌آیند: جنایات جنگی، نسل‌کشی، شکنجه و جنایت علیه بشریت.<sup>۲۲۵</sup> به موجب تعهدات پیمان‌نامه‌ها و

<sup>۲۲۱</sup> «الهی علیه جمهوری اسلامی ایران»، شماره پرونده 124 F.Supp. 2d 107 (به نقل از «زونکاکس علیه گراماجو» [Xuncax v. Gramajo]، شماره پرونده 886 F.Supp. 162, 185 (D.Mass. 1995)؛ همچنین نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، ص. ۳۸.  
<sup>۲۲۲</sup> «الهی علیه جمهوری اسلامی ایران»، شماره پرونده 124 F.Supp. 2d 101-02 (که گواهی دکتر پاتریک کلاسون را که در عملیات ترورهای جهانی ایران تخصص دارد نقل کرده و آنرا تأیید می‌کند). در پرونده دیگری که متعاقباً توسط داریوش الهی، برادر قربانی به دادگاه برده شد، وی سعی کرد خسارتی که به وسیله دادگاه فدرال دی. سی. تعیین شده بود را دریافت نماید، دادگاه استیناف فدرال رأی داد که داریوش الهی می‌تواند با گرفتن خسارتی که طی مراحل جریان حکمیت در دهه ۱۳۵۰ به وزارت دفاع ایران اعطاء شد، بخشی از غرامت را دریافت نماید. نگاه کنید به «وزارت دفاع و تأمین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علیه الهی» [Ministry of Defense and Support for the Armed Forces of the Islamic Rep. of Iran v. Elahi]، شماره پرونده 495 F.3d 1024 (9<sup>th</sup> Cir. 2007)؛ همچنین نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، ص. ۳۸. این رأی نهایتاً توسط دادگاه عالی ایالات متحده لغو گردید، زیرا دادگاه نظر داد که دادگاه استیناف فدرال به اشتباه متهمین را «عامل یا ابزار» دولت ایران نامیده «به جای آنکه آن را بخشی اساسی از خود دولت بنامد» و در نتیجه مشمول قانون مصونیت مقامات حکومت خارجی نمی‌شود. «وزارت دفاع و تأمین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران علیه الهی» [Ministry of Defense and Support for the Armed Forces of the Islamic Rep. of Iran v. Elahi]، شماره پرونده 546 U.S. 450, 453 (2006) (توسط دادگاه)؛ همچنین نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، ص. ۳۸.

<sup>۲۲۳</sup> نگاه کنید به پیام اخوان، «فراتر از مصونیت: آیا حقوق جنایی بین‌المللی قادر است از وقوع فجایع در آینده پیشگیری نماید؟» [Payam Akhavan, *Beyond Impunity: Can International Criminal Law Prevent Future Atrocities?*]، ژورنال حقوقی بین‌المللی آمریکا، شماره ۹۵، ص. ۷ (۲۰۰۱) (شرح مفصلی از تحولات یک سیستم قضایی جنایی بین‌المللی واقعی ارائه می‌دهد که مسئولیت آن پیگرد جنایات بین‌المللی مانند جنایات جنگی، شکنجه و جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی می‌باشد).

<sup>۲۲۴</sup> نگاه کنید به لیندسی زلنیکر، «به سوی یک دادگاه جنایی بین‌المللی کارآمد: بحثی به طرفداری از یک توافق محکم درباره امتیازات و مصونیتها» [Lindsay Zelniker, *Towards a Functional International Criminal Court: An Argument in Favor of a Strong Privileges and Immunities Agreement*]، ژورنال حقوق بین‌الملل فوردم، شماره ۲۴، ص. ۹۸۸ (۲۰۰۱).

<sup>۲۲۵</sup> اساسنامه رم، اصول ۵-۸، رک. زیرنویس ۴۶. در حقیقت این بحث ممکن است مطرح شود که ممنوعیت ارتکاب به تمامی این جرائم از مرحله قانون عرفی گذشته و به سطح معیار قطعی ارتقاء یافته (یعنی اصول و ضوابط لازم‌الرعایه حقوق بین‌الملل) که عدول از آن به هیچ وجه جایز نیست. نگاه کنید به کارن پارکر و همکاران، «اصول و ضوابط لازم‌الرعایه حقوق بین‌الملل: ضروری ساختن قانون حقوق بشر» [Karen Parker et al., *Jus Cogens: Compelling the Law of Human Rights*]، ژورنال حقوق بین‌الملل هیستینگز و شرکاء، شماره ۱۲، ص. ۴۱۱ (۱۹۸۹).

قانون عرفی بین‌المللی، تمام دولتها موظفند با اِعمال صلاحیت قضایی مرتکبین این گونه تخلفات را محاکمه یا مسترد نمایند. اگرچه دولت ایران ملزم به پبندی به قوانین اساسی موضوعه دیوان جنایی بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دیوان جنایی بین‌المللی روآندا و دادگاه جنایی بین‌المللی نیست، اما به موجب اصول حقوق جنایی بین‌الملل که در قانون عرفی بین‌المللی نیز منعکس گردیده از پاسخگویی درباره اعمال خود در امان نیست.<sup>۲۲۶</sup> شواهد عمده‌ای که در گزارش «پناهگاهی نیست» ارائه شد نشان دهنده دست داشتن مقامات عالی‌رتبه وزارت اطلاعات و دیگر وزارتخانه‌های اجرایی جمهوری اسلامی در ترور ناراضیان سیاسی در خارج از کشور است که این مقامات را در معرض تعقیب جنایی قرار می‌دهد.<sup>۲۲۷</sup>

اصطلاح «جنایت علیه بشریت» در اساسنامه موضوعه دادگاه جنایی بین‌المللی رم به عنوان یکی از جنایات اساسی مطرح شده (یعنی قتل، شکنجه یا آزار) تعریف گردیده<sup>۲۲۸</sup> که به عنوان بخشی از حملات سیستماتیک و گسترده علیه جامعه مدنی انجام می‌شود. به موجب قانون عرفی بین‌المللی، جنگ یا «درگیریهای مسلحانه» عموماً شرط لازم برای جنایت علیه بشریت نیست.<sup>۲۲۹</sup> مهمتر آنکه جنایت علیه بشریت «جنایتهای بین‌المللی» محسوب می‌شوند که می‌توانند بر طبق اصول صلاحیت قضایی جهانی تحت تعقیب قانونی قرار گیرند.<sup>۲۳۰</sup> این بدان معنا است که این جنایات به اندازه کافی وحشتناک و آزاردهنده هستند که مرتکبین آن هر جایی پیدا بشوند تحت پیگرد قرار می‌گیرند.<sup>۲۳۱</sup> بر اساس قوانین عرفی، پیگرد یا استرداد افراد مضمون به جنایت علیه بشریت، تعهد و مسئولیت تمام دولتهای جامعه بین‌المللی است.<sup>۲۳۲</sup> این مسئولیت متوجه جمهوری اسلامی ایران و هر دولت یا دولتهای دیگری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از ترور و کشتار فراقضایی و برون مرزی دگراندیشان ایرانی آسیب دیده‌اند نیز می‌شود.

<sup>۲۲۶</sup> از زمان محاکمات نورنبرگ تاکنون محاکمات جزایی افراد توسط هیئتهای داوری بین‌المللی موقت و ویژه رو به افزایش است. نگاه کنید به جورج ی. ادواردز، «قانون حقوق بشر بین‌الملل در چالش با دادگاه کیفری جدید: حق دخل و تصرف در خلوت افراد» [George E. Edwards, *International Human Rights Law Challenges to the New Criminal Court: The Search and Seizure Right to Privacy*], ژورنال حقوق بین‌الملل ییل، شماره ۳۹، صص. ۳۲۳-۴۱، ۳۴۰-۸۸، ۳۸۵-۸۸ (۲۰۰۱).

<sup>۲۲۷</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵.

<sup>۲۲۸</sup> اساسنامه رم، رک. زیرنویس ۴۶، اصل ۷.

<sup>۲۲۹</sup> «کنون این یک اصل مسلم قانون عرفی بین‌المللی است که جنایت بر علیه بشریت احتیاج ندارد ربطی با درگیریهای مسلحانه بین‌المللی داشته باشد. در حقیقت ... قانون عرفی بین‌المللی ممکن است اصلاً الزامی بر وجود ارتباط بین جنایت علیه بشریت و هیچ نوع نزاع دیگری نداشته باشد.» [دادستان علیه تادیب] [Prosecutor v. Tadic], پاراگراف ۱۴۱، پرونده شماره IT-94-1 A، ۲ اکتبر ۱۹۹۵.

<sup>۲۳۰</sup> برای مثال نگاه کنید به سازمان عفو بین‌الملل، «صلاحیت قضایی جهانی: سؤالها و جوابها» [Amnesty International, *Universal Jurisdiction: Questions and Answers*], دسامبر ۲۰۰۱، قابل دسترسی در [www.amnesty.org/en/library/asset/IOR53/020/2001/en/dom-IOR530202001en.pdf](http://www.amnesty.org/en/library/asset/IOR53/020/2001/en/dom-IOR530202001en.pdf) (تاریخ دسترسی: ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸).

<sup>۲۳۱</sup> به طور کلی نگاه کنید به لوید اکسورتی، «شرحی مختصر: سیاست پیشرفت حقوق جنایی بین‌المللی»، [Lloyd Axworthy, *Afterword: The Politics of Advancing International Criminal Justice in Universal Jurisdiction: National Courts and the Prosecution of Serious Crimes*], در کتاب «صلاحیت قضایی جهانی: دادگاه‌های ملی و محاکمه جنایات جدی بر طبق حقوق بین‌الملل» [UNDER INTERNATIONAL LAW], ص. ۲۶۰ (استفن ماکدو، تاریخ انتشار ۲۰۰۴).

<sup>۲۳۲</sup> نگاه کنید به کلانجلو، رک. زیرنویس ۱۸۳، صص. ۱۶۳-۶۵.



از دیرباز قتل عمد به عنوان یکی از تخلفات اساسی اتهام جنایت علیه بشریت شناخته شده است.<sup>۲۳۳</sup> مطابق قانون عرفی، دادستانهایی که می‌خواهند یک قتل عمد را به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم کنند، باید موارد ذیل را به اثبات رسانند: الف) عمل ممنوعه (تخلف اساسی، در این مورد قتل)، ب) عمل به عنوان بخشی از یک حمله برنامه‌ریزی شده یا گسترده، ارتکاب یافته است، ج) عمل به موجب و یا برای پیشبرد یک سیاست سازمانی یا دولتی انجام شده،<sup>۲۳۴</sup> د) عمل در جهت ضدیت با افراد غیر نظامی صورت گرفته،<sup>۲۳۵</sup> و ه) فرد متهم از این حمله اطلاع داشته است.<sup>۲۳۶</sup> دادستان همچنین باید ثابت کند که فرد متهم در این باره سوء نیت نیز داشته است؛ یعنی متهم قصد کشتن یا وارد آوردن صدمه جدی به قربانی<sup>۲۳۷</sup> با بی‌توجهی کامل به حیات بشری را داشته است.<sup>۲۳۸</sup> به طور کلی اثبات عمدی بودن عمل لازم است، اما احتیاجی نیست ثابت شود که فرد متهم قتل شخص به خصوصی را با برنامه‌ریزی یا آگاهی انجام داده است؛ کافی است معلوم شود که وی آگاهانه قصد کشتن افراد غیرنظامی را داشته است.

برجسته‌ترین عنصر اتهام جنایت علیه بشریت این شرط است که یک تخلف اساسی «به عنوان بخشی از یک حمله برنامه‌ریزی شده یا گسترده» انجام شده باشد.<sup>۲۳۹</sup> پیش از آنکه افراد به جرم جنایت علیه بشریت تحت پیگرد قرار گرفته و مجازات شوند، باید اثبات نمود که اعمال جنایی آنها مانند قتل عمد، با جنایتهایی که ماهیت گروهی دارند ارتباط دارند. اما به هر حال اعمال انفرادی را هم اگر به عنوان بخشی از یک عملیات گسترده و سیستماتیک ترور واقع شوند و با معیارهای مربوطه مطابقت داشته باشند، می‌توان جنایت علیه بشریت به حساب آورد.<sup>۲۴۰</sup> مطابق حقوق بین‌الملل، کلمه «گسترده» را می‌توان به عنوان «یک عمل وسیع، فراوان، بزرگ و

<sup>۲۳۳</sup> اساسنامه رم، ر.ک. زیرنویس ۴۶، اصل ۷(۱)(a). تخلفات اساسی شناخته شده که جنایت علیه بشریت را تشکیل می‌دهند شامل موارد زیر می‌شوند اما به آنها محدود نمی‌گردند: قتل عمد، نابود ساختن، به بردگی کشیدن، اخراج از سرزمین، حبس نمودن، شکنجه، تجاوز و آزار و تعقیب (به دلائل سیاسی، نژادی، و مذهبی) و دیگر اعمال غیر انسانی. همان، اصل (k) – (b) ۷(۱).

<sup>۲۳۴</sup> اساسنامه رم، اصل ۷(۲)(a)، ر.ک. زیرنویس ۴۶. دیوان جنایی بین‌المللی یوگسلاوی سابق نتیجه گرفته است که عامل «سیاست گذاری» که اغلب در حقوق بین‌الملل مطرح می‌شود، یک عامل و شرط لازم برای جنایت علیه بشریت نیست. «دادستان علیه تادیج»، ر.ک. زیرنویس ۲۲۹، پاراگراف ۶۵۴.

<sup>۲۳۵</sup> غیرنظامیان باید موضوع اولیه این حمله باشند. «دادستان علیه نالتیلیچ و مارتینوویچ» [Prosecutor v. Naletilic and Martinovic]، پاراگراف ۲۳۵، پرونده شماره IT-98-34-T، ۳۱ مارس ۲۰۰۳.

<sup>۲۳۶</sup> اساسنامه رم، ر.ک. زیرنویس ۴۶، اصل ۷(۱). همچنین نگاه کنید به «دادستان علیه تادیج» [Prosecutor v. Tadic]، ر.ک. زیرنویس ۲۲۹، پاراگراف ۶۲۶.

<sup>۲۳۷</sup> «دادستان علیه کایاشیما و روزیندانا» [Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana]، پاراگراف‌های ۳۴-۱۳۳، پرونده شماره ICTR-95-1-A، ۲۱ مه ۱۹۹۹. همچنین، اگر در زمان قتل، متهم یا زیردستان وی قصد وارد کردن جراحات بدنی شدید به مقتول داشتند و می‌دانستند که این جنایات به احتمال زیاد منجر به کشته شدن او می‌شود، سوءنیت برای کشتن ثابت می‌شود. برای مثال نگاه کنید به دیوان جنایی بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ر.ک. زیرنویس ۱۸۴.

<sup>۲۳۸</sup> «دادستان علیه پاپوویچ» [Prosecutor v. Popovic]، پاراگراف ۴۱، پرونده شماره ICTY-02-57-I، ۲۶ مارس ۲۰۰۲.

<sup>۲۳۹</sup> اساسنامه رم، ر.ک. زیرنویس ۴۶، اصل ۷(۱). شرط اینکه حمله گسترده یا سیستماتیک باشد شرط منفصل است. نگاه کنید به همان. «حمله» به عنوان عملی تعریف می‌شود که شامل حرکات خشونت آمیز باشد. نگاه کنید به اساسنامه رم، ر.ک. زیرنویس ۴۶، اصل ۷(۲)(a). حملات می‌توانند پیش از، بعد از و یا در طول درگیریهای مسلحانه اتفاق افتند اما لزومی ندارد که بخشی از آن باشند. نگاه کنید به «دادستان علیه دراگولیبوج کوناراج، رادومیر کووایچ و زوران ووکوویچ» [The Prosecutor v. Dragoljub Kunarac, Radomir Kovac and Zoran Vukovic]، پرونده شماره A - ICTY-96-23 & IT-96-23/1، رأی استیناف، پاراگراف ۴۲۰ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۲). ضمناً در بحث درباره جنایت علیه بشریت، حمله به استفاده از نیروهای مسلح محدود نمی‌شود بلکه هر نوع بدرفتاری با افراد غیر نظامی را در بر می‌گیرد. نگاه کنید به پیام اخوان، «آشتی دادن جنایت علیه بشریت با قوانین جنگ» [Payam Akhavan, Reconciling Crimes Against Humanity with the Laws of War]، ژورنال حقوق جنایی بین‌المللی، شماره ۶، ص. ۲۱ (۲۰۰۸).

<sup>۲۴۰</sup> «دادستان علیه مایل مرکزیچ، میروسلاو رادیچ و وسلین سلویانکائین» [Prosecutor v. Mile Mrksic, Miroslav Radic, and Veselin]، پرونده شماره ICTY-95-13-R61، پیشنهاد اولیه دفاع (۳ آوریل ۱۹۹۶)؛ همچنین نگاه کنید به «دوو علیه ساریوا» [Doe v. Slijivancanin]، پرونده شماره

فراگیر که به صورت گروهی با جدیت قابل توجه و بر علیه تعداد کثیر قربانیان انجام شود» تعریف نمود.<sup>۲۴۱</sup> از طرف دیگر کلمه «سیستماتیک» را می‌توان این طور تعریف کرد: «کاملاً سازمان یافته و دنباله رو یک طرح منظم بر اساس یک خط مشی عمومی که از منابع عمده خصوصی یا عمومی برخوردار است».<sup>۲۴۲</sup> الزام آور نیست که این خط مشی رسماً<sup>۲۴۳</sup> به عنوان سیاست دولت اتخاذ شده باشد.

عملیات ترور و قتل‌های فراقضایی رژیم ایران بر اساس قانون عرفی بین‌المللی ظاهراً تمام جنبه‌های یک قتل که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود را دارا می‌باشد.<sup>۲۴۴</sup> کشتار فراملی را می‌توان هم گسترده و هم سیستماتیک دانست. تعداد قربانیان قتل‌های تحت حمایت رژیم به بیش از صد و شصت تن بالغ می‌گردد که تمامی آنها در زمان مرگ خود غیر نظامی بودند. اگر شمار دگراندیشان و اندیشمندی که در داخل مرزهای کشور به قتل رسیده‌اند را نیز در نظر بگیریم این عدد به طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت. در حقیقت دلیلی ندارد که میان کشتارهای فراقضایی مخالفان رژیم در داخل و خارج از کشور تفاوتی قائل شویم - قتل هر یک فرد بخشی از یک خط مشی کاملاً سازمان یافته و سنجیده شده ترور تحت حمایت رژیم است که هدف آن سرکوب مخالفان سیاسی، در هر کجا که باشند، است.<sup>۲۴۵</sup> تا آن مرحله که مرتکبین این جنایات عناصر یا ایادی ایدئولوژیکی سرویس اطلاعاتی رژیم بودند، آگاهانه و برای پیشبرد سیاست ریشه کن سازی مخالفان سیاسی در خارج عمل کرده‌اند.<sup>۲۴۶</sup> و بالاخره اینکه تمام این کشتارهای توطئه چینی شده، به دقت برنامه‌ریزی و اجرا گردیده و مرگ غیر قانونی افراد مورد نظر را موجب شدند.

پاسخگو بودن بر طبق مسئولیت کیفری فردی اجازه می‌دهد تا اشخاصی که مسئول نقض حقوق اساسی بشر هستند دستگیر، محکوم و مجازات شوند.<sup>۲۴۷</sup> چنین پاسخگویی می‌تواند بر اساس درگیری مستقیم یک شخص در جنایت مانند راه اندازی، برنامه‌ریزی، تشویق، فرمان دادن یا کمک رساندن و همدستی در یک عمل جنایتکارانه باشد.<sup>۲۴۸</sup> مسئولیت فردی همچنین می‌تواند بر طبق اصل مسئولیت فرماندهی استوار باشد، که برای قصور مافوق در انجام اقدام لازم و معقول برای پیشگیری یا تنبیه زیردستانی که مرتکب جنایتی شده‌اند که مافوق از آن مطلع

---

[Saraiva], شماره پرونده (348 F.Supp. 2d 1112, 1157 (E.D. Cal. 2004) (اظهار می‌دارد ترور اسقف رومرو از السالوادور در سال ۱۹۸۰ «جنایت علیه بشریت» است و مطابق قانون مسئولیت مدنی اتباع بیگانه قابل تعقیب می‌باشد).

<sup>۲۴۱</sup> «دادستان علیه آکایسو» [Prosecutor v. Akayesu], پرونده شماره No. ICTR-96-4-T، پاراگراف ۵۷۹، (۲ سپتامبر ۱۹۹۸).

<sup>۲۴۲</sup> «دادستان علیه تادیچ» [Prosecutor v. Tadic], رک. زیرنویس ۲۲۹، پاراگراف ۶۴۸.

<sup>۲۴۳</sup> همان، پاراگراف ۶۵۵.

<sup>۲۴۴</sup> باید اذعان نمود که اتهام قتل عمد به عنوان جنایت علیه بشریت اغلب در مواردی که مخالفان سیاسی در خارج از کشور هدف توطئه قرار گرفته و ترور شده‌اند، استفاده نشده است. اما صرف اینکه این اتفاق تاکنون نیافتاده است دلیل بر آن نیست که ترورها اساس اتهام جنایت علیه بشریت را تشکیل نمی‌دهند.

<sup>۲۴۵</sup> بعضی از این مخالفان سیاسی به دلیل عضویتشان در گروه‌های قومی یا مذهبی، مخالفان رژیم محسوب می‌شدند. نگاه کنید به «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵، صص. ۶-۴ (که ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران را تجزیه و تحلیل می‌کند).

<sup>۲۴۶</sup> برای مثال نگاه کنید به مصاحبه نقاش، مأمور لبنانی، با خبرنگار بریتانیایی رابرت فیسک، «دو چهره یک قاتل غیر عادی، رابرت فیسک با قاتلی مزدور ساکن تهران سخن می‌گوید که داستانش را برای اولین بار بیان می‌دارد»، روزنامه ایندپندنت، [Two Faces of an Unlikely Assassin; Robert Fisk Talks to a Tehran Hitman who Tells His Story for the First Time, THE INDEPENDENT] ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱. احتمالاً می‌توان در مورد این مسئله بحث نمود که تمامی مرتکبین با آگاهی و در جهت پیشبرد سیاستهای دولت برای ریشه کن کردن مخالفان رژیم عمل نکرده‌اند.

<sup>۲۴۷</sup> اساسنامه رم، رک. زیرنویس ۴۶، اصل ۲۵.

<sup>۲۴۸</sup> همان، اصل (۳) ۲۵.

بوده، مسئولیت تعیین می‌کند.<sup>۲۴۹</sup> به کارگیری این اصل بین‌المللی پاسخگوئی، چه به علت دخالت مستقیم باشد و چه به دلیل مسئولیت فرماندهی، نشان می‌دهد که رژیم ایران، مقامات عالی‌رتبه، عوامل مربوط با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، و نمایندگان که مایل هستند از طرف رژیم مرتکب جنایت شوند، همگی به دلیل نقض صریح و جدی حقوق بین‌الملل، مسئول می‌باشند.

از سال ۱۳۵۸، حداقل بیست مقام رسمی، کارگزار یا نماینده جمهوری اسلامی محاکمه و محکوم شده و شخصاً برای دست داشتن خود در قتل دگراندیشان ایرانی در خارج مسئول شناخته شده‌اند. بسیاری از این افراد در تحقق و اجرای این ترورها درگیر بوده‌اند. اما بسیاری از چهره‌های عالی‌رتبه در رده‌های بالای فرماندهی که این ترورها را تشویق نموده و فرمان داده‌اند، هنوز آزاد هستند. افرادی که با کمیته امور ویژه جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ مربوط بوده‌اند باید به دقت مورد تحقیق قرار گیرند، زیرا این سازمانها از نزدیک در طرح و اجرای عملیات ترور جهانی ایران دست داشته‌اند.<sup>۲۵۰</sup> به ویژه نقش حساس و چند کاره وزارت اطلاعات و شورای عملیات ویژه شایان ذکر است که در گزارشهای هم زمینه مرکز اسناد حقوق بشر ایران که قتل رهبران حزب دمکرات کردستان دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی را بررسی می‌کند، مطرح شده است.

اما بررسی موشکافانه نباید فقط به افرادی که به عناصر فوق‌الذکر مربوطند محدود شود. در سال ۱۳۷۵، گروه حقوق بشر پارلمان بریتانیا متن یک مکالمه تلفنی ضبط شده بین محمد کریم ناصر صراف، یک مقام ارشد وزارت پست و تلگراف و تلفن ایران، و یک ایرانی نام برده نشده از مقامات وزارت خارجه ایران را، منتشر ساخت.<sup>۲۵۱</sup> این دو درباره ترور محمد حسین نقدی در رم گفتگو می‌کردند، و اظهار می‌داشتند که احتمالاً بسیاری از مقامات عالی‌رتبه از جمله سفیر ایران در ایتالیا، پیش از اجرای این ترور از نقشه آن آگاهی داشته‌اند.<sup>۲۵۲</sup> مشابهاً تحقیقات و محاکمه‌ای که پیرامون قتل بختیار در فرانسه واقع شد، وجود شبکه پیچیده‌ای از مقامات رسمی درجه دو ایرانی مانند محمد غرضی، امیرالله تیموری، و حسین شیخ عطار را آشکار ساخت که به طور مستقیم در طرح و اجرای قتل نخست وزیر اسبق دخالت داشتند.<sup>۲۵۳</sup> بسیاری از این افراد به دلیل تأمین حمایت‌های تدارکاتی برای عملیات برون مرزی، مانند تسهیل و تهیه مدارکی که به عوامل ایرانی اجازه ورود به فرانسه و فرار از آن را داد، به عنوان شریک جرم شناسایی گردیدند.<sup>۲۵۴</sup>

<sup>۲۴۹</sup> همان، اصل ۲۸.

<sup>۲۵۰</sup> برای مثال نگاه کنید به جزئیات کامل و محرمانه دخالت وزارت اطلاعات در ارتباط با ترور دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی در گزارش «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۳۰-۲۵؛ «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵، صص. ۱۷-۱۲. همچنین برای اطلاعات بیشتر درباره دست داشتن فرمانده فعلی هیئت مدیره اطلاعات سپاه قدس، سردار سرتیپ پاسدار محمد جعفر شاهرودی، نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۳۰-۲۵.

<sup>۲۵۱</sup> «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۴۷-۳۹.

<sup>۲۵۲</sup> همان.

<sup>۲۵۳</sup> در واقع بسیاری از این مقامات رسمی توسط دادگاه پاریس به طور غیابی محاکمه و محکوم شده‌اند.

<sup>۲۵۴</sup> تحقیقات سوئیس پیرامون ترور کاظم رجوی همچنین دخالت چشمگیر مقامات رسمی ایرانی مربوط به وزارت خارجه و هیئت نمایندگان سیاسی را آشکار ساخت. همان، صص. ۳۳-۳۰.

یکی از افرادی که به ویژه مورد توجه است حجت الاسلام علی فلاحیان می‌باشد که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ به عنوان وزیر اطلاعات ایران عمل می‌کرده و قبلاً در ارتباط با ترور چند تن از مخالفان در خارج از کشور، متهم و محکوم گردیده بود.<sup>۲۵۵</sup> شواهد ارائه شده در گزارشهای قبلی مرکز اسناد حقوق بشر ایران دلالت می‌کند که دست داشتن فلاحیان در این جنایات بسیار گسترده‌تر از آن است که سوابق کیفرخواست فعلی وی نشان می‌دهد. طی محاکمه افرادی که گفته می‌شد در ترور سیروس الهی در پاریس دست داشته‌اند، بازجویان دریافتند که فلاحیان شخصاً با مجتبی مشهدی، که بعداً به اتهام تبانی در انجام اعمال تروریستی در ارتباط با قتل دکتر الهی به هفت سال حبس محکوم شد، ملاقات نموده بود.<sup>۲۵۶</sup> بر طبق شهادتی که با ادای سوگند داده شد، علی فلاحیان شخصاً در صدور فرمان قتل دگران‌دیشان ایرانی در پاریس دست داشته است.<sup>۲۵۷</sup> ردیابی بعضی از این عملیات نهایتاً سر نخ را به نمایندگان و کارگزاران وزارت اطلاعات می‌رساند که در دادگاه‌های اروپایی محاکمه شدند.<sup>۲۵۸</sup> پرونده‌های دیگر مانند قتل عبدالرحمن برومند، مؤسس برجسته و عضو جنبش مقاومت ملی ایران در سال ۱۳۷۰، هرگز محاکمه نگردید.<sup>۲۵۹</sup> اظهارات فلاحیان پس از وقوع قتل، گواهی دیگر است که شرط وجود سوء نیت برای مسئولیت کیفری را فراهم می‌سازد. در مصاحبه‌ای با تلویزیون ایران در سال ۱۳۷۱ فلاحیان گفت، «ما قادر بوده‌ایم به بسیاری از این گروه‌های مخالف در خارج و یا نزدیک مرزهایمان ضربات نابود کننده‌ای وارد آوریم ... آنها ضربات شدیدی خورده‌اند و فعالیت‌هایشان تقلیل یافته است».<sup>۲۶۰</sup>

در حالی که ضمانت فردی مربوط به مسئولیت جنایی شخص در نتیجه دست داشتن مستقیم وی در مراحل آماده سازی و اجرای جنایت می‌شود، ضمانت فرماندهی به مسئولیت جنایی غیر مستقیم بر مبنای قصور مسئولیت جنایی می‌پردازد.<sup>۲۶۱</sup> ضمانت فرماندهی برای قصور مافوق در انجام اقدام لازم و معقول برای پیشگیری یا تنبیه زيردستانی که مرتکب جنایتی شده‌اند که مافوق از آن مطلع بوده، مسئولیت تعیین می‌کند.<sup>۲۶۲</sup> بنابراین پیش از آنکه بتوان فردی را متحمل ضمانت فرماندهی کرد، سه نکته باید اثبات گردد: (۱) وجود رابطه مافوق - مادون

<sup>۲۵۵</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، ص. ۱۱.

<sup>۲۵۶</sup> همان، صص. ۳۷-۳۴.

<sup>۲۵۷</sup> همان، ص. ۳۸.

<sup>۲۵۸</sup> به طور کلی نگاه کنید به «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵؛ «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵.

<sup>۲۵۹</sup> «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۴۰-۳۹؛ همچنین نگاه کنید به زیرنویس‌های ۳۵۲، ۳۵۷ و متون همراه.

<sup>۲۶۰</sup> همان، ص. ۱۱. فلاحیان به علاوه مسئولیت شخصی به دلیل صدور فرمان ترور دکتر الهی، ممکن است به دلیل تلاش برای ترغیب قتل دکتر شاپور بختیار نیز مجرم شناخته شود. به گفته فریبرز کریمی، یکی از همکاران نزدیک دکتر بختیار، عوامل ایرانی سعی کردند با نزدیک شدن به کریمی او را قانع سازند تا دکتر بختیار را بکشد. همان، ص. ۴۲. آنها به کریمی قول دادند که اگر موفق به قتل دکتر بختیار بشود، یک خانه در تهران و ۶۰۰،۰۰۰ دلار به عنوان پاداش دریافت خواهد نمود. همان. هنگامی که کریمی که مطابق دستورالعمل‌های دکتر بختیار عمل می‌کرد، موفق به اجرای این نقشه نگردید، فلاحیان دو بار تلفنی با او تماس گرفته و به او اصرار ورزید که قتل را به انجام رساند. همان، صص. ۴۳-۴۲. این حرکت مسلماً بخشی از اعمال جنایتکارانه قاتل را تشکیل می‌دهد. به طور کلی نگاه کنید به همان.

<sup>۲۶۱</sup> اساسنامه رم، رک. زیرنویس ۴۶، اصل ۲۸. همچنین نگاه کنید به «درخواست یاماشیتا» [Application of Yamashita]، شماره پرونده 327 U.S. 1 (1946).

<sup>۲۶۲</sup> نگاه کنید به «درخواست یاماشیتا»، شماره پرونده 327 U.S. at 15.

بین متهم و فردی که مرتکب تخلف اساسی گردیده؛<sup>۲۶۳</sup>) اطلاع مافوق از اینکه مادون مرتکب جنایت شده و یا قرار است بشود؛<sup>۲۶۴</sup>) قصور مافوق در پیشگیری از ارتکاب جرم یا مجازات مرتکب آن.<sup>۲۶۳</sup>

با توجه به نقش اصلی کمیته امور ویژه و وزارت اطلاعات در ترور دگراندیشان در خارج، احتمال زیادی وجود دارد که ضمانت فرماندهی را بتوان به بسیاری از اعضای عالی‌رتبه این دو سازمان نسبت داد. این مطلب به خصوص درباره اعضای دائمی کمیته امور ویژه صادق است، که شامل مقام رهبری، رئیس جمهور، سخنگوی مجلس، وزیر اطلاعات و رؤسای قوه قضائیه می‌شود.<sup>۲۶۴</sup> این کمیته با توصیه و انتخاب افرادی که باید ترور شوند، مسئول رهبری این تلاشها برای سرکوب مخالفان در خارج از کشور را به عهده گرفت.<sup>۲۶۵</sup> هنگامی که فرد توصیه شده برای ترور به تأیید مقام رهبری می‌رسید، این کمیته برای وزارت اطلاعات یا نیروی قدس ترتیب کار را می‌داد تا ترور را به انجام رسانند.<sup>۲۶۶</sup>

علاوه بر رهبر جمهوری اسلامی آیت الله علی خامنه‌ای، افراد عالی‌رتبه دیگری که می‌توان آنها را در ارتباط با ارتکاب ترور در خارج متحمل ضمانت فرماندهی دانست شامل افراد ذیل می‌گردد (اما البته به آنها محدود نمی‌شود): اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد ری شهری، علی فلاحیان، محسن رضائی، علی اکبر ولایتی، رضا سیف‌اللهی، آیت الله خزعلی، حسن روحانی و علی لاریجانی. اگرچه ممکن است یک فرد خاص از اعضای این کمیته مستقیماً در قتل مخالفان دست نداشته باشد، اما محتمل است که تمام اعضای از نقش کمیته در قتل مخالفان در خارج مطلع بودند. بنابراین احتمالاً اعضای حداقل از جهت قانونی از وقوع کشتار فراقضایی دگراندیشان ایرانی مطلع بودند و هیچ کاری برای پیشگیری از ارتکاب این ترورها (و یا مجازات مرتکبین) انجام ندادند. اگرچه این واضح نیست که آیا هیچ یک از اعضای شخصاً بر روی عواملی که نهایتاً قتل‌های تبانی شده را انجام می‌دادند کنترل مؤثری داشتند یا نه،<sup>۲۶۷</sup> موقعیت آنها به عنوان رهبران اجرایی سازمانهایی که مستقیماً در طراحی و اجرای ترورها دست داشته‌اند قویاً وجود یک رابطه مافوق و مادون را میان آنها و مرتکبین ترورها نشان می‌دهد. تحقیقات بیشتری درباره عملکرد داخلی کمیته امور ویژه لازم است تا مشخص نماید آیا تک تک اعضای به موجب اصل ضمانت فرماندهی باید از جهت کیفری پاسخگو باشند یا خیر.

## ۶. نتیجه‌گیری

قضاوت مرکز اسناد حقوق بشر ایران بر این است که عملیات جهانی ترورهای سیاسی ایران در خارج از کشور در حد جنایت علیه بشریت می‌باشد. این عملیات خصوصیت سیستماتیک و گسترده‌ای از خود نشان داد و توسط

<sup>۲۶۳</sup> اساننامه رم، رک. زیرنویس ۴۶، اصل ۲۸.

<sup>۲۶۴</sup> نگاه کنید به «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۹-۸؛ «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵، صص. ۷-۶.

<sup>۲۶۵</sup> «پناهگاهی نیست»، رک. زیرنویس ۲۵، صص. ۹-۸.

<sup>۲۶۶</sup> همان.

<sup>۲۶۷</sup> البته این مورد درباره علی اکبر ولایتی صادق نیست زیرا وی به طور غیر مستقیم در قتل دکتر شرفکندی و همراهان او در برلین، آلمان، دست داشت. «قتل در میکونوس»، رک. زیرنویس ۳۵، ص. ۱۸.

عالی‌ترین سطوح حکومت ایران هدایت می‌شد. به ویژه تعدادی از چهره‌های رهبری رژیم شامل رهبر جمهوری اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد ری شهری، علی فلاحیان، محسن رضائی، علی اکبر ولایتی، رضا سیف‌اللهی، آیت‌الله خزعلی، حسن روحانی و علی لاریجانی همگی ممکن است مسئولیت جنایی مستقیم در ارتباط با این اعمال داشته باشند.

در حال حاضر این طور به نظر می‌رسد که راه‌های تدارکاتی (و سیاسی) معدودی وجود داشته باشد که از طریق آنان بتوان عناصر عالی‌رتبه رژیم را که در عملیات ترورهای برون مرزی ایران دست داشته‌اند، به دست عدالت سپرد. با وجود این، راه‌های قانونی وجود دارند. صدور کیفرخواست و پیگرد از طریق دادگاه‌های داخلی، مانند آنچه بر علیه وزیر اطلاعات سابق ایران علی فلاحیان در آرژانتین، آلمان و سوئیس انجام شده مایه امیدواری است، به ویژه در مواقعی که مرتکبین این جنایات در قلمرو قضایی کشورهای قرار دارند که در این باره ذی‌نفع هستند. پیگرد کیفری بر اساس صلاحیت قضایی جهانی و قانون عرفی، چه در دادگاه‌های داخلی یک کشور عضو سازمان ملل انجام شود و چه در آینده به عنوان بخشی از یک دادگاه جنایی ویژه مسئول پیگرد و محاکمه مقامات عالی‌رتبه ایرانی مضمون به جنایت علیه بشریت انجام گیرد، هنوز به صورت یک امکان باقی می‌ماند. اما به هر حال در نبود امکانات کارآمد برای تضمین محکومیت کیفری، دادستانها و خانواده‌های قربانیان باید به استفاده از شیوه‌های نوین حقوقی مدنی به منظور وادار نمودن رژیم ایران به جوابگویی مالی به خاطر اعمال خود، ادامه دهند.

به دست عدالت سپردن افرادی که تحت هدایت دولت ایران مرتکب خشونت شده‌اند، احتیاج به عزم راسخ و پشتکار فراوان دارد. امید مرکز اسناد حقوق بشر این است که این گزارش و گزارشهای دیگر مربوط به آن، «پناهگاهی نیست» و «قتل در میکونوس» حد اقل توانسته باشند قربانیان، مدافعان حقوق بشر، مقامات دولت و مردم را مطلع ساخته، آموزش داده و دلگرم نمایند تا در تلاششان برای جوابگو ساختن جمهوری اسلامی برای نقض اساسی‌ترین حق بشری، یعنی حق حیات، ثابت قدم بمانند.

## روش شناسی

تجزیه و تحلیل حقوقی عرضه شده در این گزارش بر اساس حقایقی است که در دو گزارش پیشین مرکز اسناد حقوق بشر ایران جمع آوری و تنظیم گردیده است: «پناهگاهی نیست: عملیات ترور جهانی ایران» و «قتل در میکونوس: تجزیه و تحلیل یک ترور سیاسی».

این طبیعت دستگامهای امنیتی است که فعالیتهای خود را به صورت پوشیده و مخفیانه انجام دهند، در عملیات روزمره خود با فریب و تزویر عمل کنند، و از طریق سازمانها و کارگزاران مخفی کار کنند. وزارت اطلاعات ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. درباره سازماندهی تشکیلات حاکم بر این عملیات کمتر می توان به قطعیت سخن گفت مگر در ارتباط با همان چارچوب اصلی مقررات وضع شده برای آن سازمان. بیشتر تفسیرها و گزارشهای عمومی درباره فعالیتهای این وزارتخانه، منسوب به منابع گمنام و یا بر پایه گمان بر اساس شواهد و قرائن است. در این گزارش، مرکز اسناد حقوق بشر ایران سعی نموده است که این حدس و گمان را به حداقل برساند و تنها به منابعی تکیه کند که حاضرند پای گفته خود بایستند.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران اطلاعات گرد آمده در این گزارش را از بررسی منابع زیر به دست آورده است:

- شهادت قربانیان و شهود. که شامل شهادتنامههایی است که توسط حقوقدانان این مرکز از بازماندگان سوء قصدهای تروریستی و اعضاء خانوادههایشان اخذ گردیده است.
- شهادت افراد خودی سابق رژیم. این مرکز با چند تن از افراد رژیم که سابقاً خودی به شمار می رفته اند و دارای اطلاعاتی درباره دستگامهای مخفی و غیرقانونی ایران بوده اند، مصاحبه نموده است.
- مدارک دولتی. که شامل بیانیه های عمومی مقامات دولتی، مدارک دادگاه، گزارشهای رسمی سازمانهایی مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و گروه حقوق بشر پارلمان بریتانیا، بیانیه های انتشار یافته توسط سازمانهای دولتی ایران و اسناد حقوقی منتشر شده.
- مدارک منتشر شده توسط سازمانهای غیر دولتی. که شامل گزارشها و اطلاعات عمومی است که توسط سازمانهایی چون عفو بین الملل و خبرنگاران بدون مرز نوشته شده.
- کتب و مقالات نگاشته شده توسط اشخاص. که شامل زندگی نامه های سیاسی و گزارشهای انتشار یافته ایست از آنچه بازماندگان و شاهدان عینی این حوادث توصیف نموده اند.
- احزاب سیاسی. این مرکز به منظور تهیه اسناد و مدارک و گواهی شهود درباره هدف قرار دادن اعضاء سازمانهای سیاسی، با این سازمانها تماس گرفته است.
- مقالات دانشگاهی. شماری از مورخان و دانشمندان علوم سیاسی درباره عملیات ترور مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی، مطالبی نگاشته اند.
- گزارش های رسانه ها. که شامل مقالاتی است که در روزنامه های داخلی ایران منتشر شده و نیز منابع رسانه ای خارجی در کشورهایی که حوادث مذکور در این گزارش در آنها وقوع یافته.
- مرکز اسناد حقوق بشر ایران به ویژه مایل است از کتابخانه کنگره آمریکا برای کمکهای بسیار ارزشمندی که در تحقیقات مربوط به این پروژه انجام داده اند، سپاسگزاری نماید.

در مواردی که این گزارش به اطلاعات تهیه شده توسط عوامل دولتی و یا دیگر احزاب دست اندر کار ارجاع و یا به آنها استناد می کند، منابع این اطلاعات با ذکر ارزیابی و صحت و سقم هر منبع به طور اختصاصی بیان شده است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در نهایت دقت تمامی منابع به کار رفته در تهیه این گزارش را مورد بازبینی قرار داده تا از اعتبار و دقت آنها یقین کامل حاصل نماید.





## گزارشهای آینده مرکز اسناد حقوق بشر ایران به مستند سازی موارد زیر می پردازند:

- فعالیتهای مخفیانه سازمان اطلاعات موازی ایران که به دستگیری، بازداشت، شکنجه یا قتل غیر قانونی مخالفین در داخل کشور پرداخته و همچنان می پردازد؛
- سرکوب مداوم دولت ایران بر سیر آزاد اطلاعات در فضای مجازی که شامل دستگیری و بازداشت وبلاگرها و دیگر منابع مستقل اطلاعاتی روی اینترنت می شود؛
- پاکسازی سیستماتیک بازداشتگاههای دولتی توسط جمهوری اسلامی ایران که منجر به قتل عام خودسرانه هزاران زندانی سیاسی طی کشتارهای سال ۱۳۶۷ شد.



دکتر عبدالرحمن برومند (متولد ۱۳۰۵) فعال، طرفدار دموکراسی و چهره ای مخالف رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی بود. او از معدود نمایندگان جبهه ملی ایران بود که در انتخابات پارلمان دهه ۱۳۳۰ خود را کاندید کرد و دو بار به دلیل فعالیتهای سیاسی خود بازداشت شد. وی در سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای جبهه ملی انتخاب شد. وی همراه با دوست و همکار خود شاپور بختیار نهضت مقاومت ملی ایران که اولین گروه مخالف دولت مذهبی ایران و طرفدار دموکراسی بود را پایه گذاشت. در ۲۹ فروردین ۱۳۷۰، دکتر برومند در لابی آپارتمان محل اقامت خود در پاریس با ضربات چاقو به قتل رسید.